روزنامه شرق

چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ • ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۲۶ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۰۴ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

شکل‌های زندگی: هشتاد سال پس از «بیگانه» کامو

کنش بدون کلام

اگرچه کامو از مهم‌ترین روشنفکران به حساب می‌آید؛ اما در حقیقت ضد روشنفکران است. او مانند ژان لوک گدار بر این باور است که آدمی هرچه بیشتر حرف بزند، کلماتش به همان اندازه معنای کمتری پیدا می‌کند. شخصیت مطلوب کامو، انسان رهاشده از حرف -تئوری‌های نظری- است، رهایی از تئوری را می‌توان رهایی از بار معنایی در نظر گرفت، بار معنایی به‌واسطه انبوهی از ایده‌های انباشته‌شده در حیات آدمی او را به همان اندازه از «آرمان سادگی» دور می‌کند.

صفحه ۱۱

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به ناآرامی‌های اخیر:

بازداشتی‌های زیر ۱۸ سال تعیین تکلیف شدند

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به وضعیت پرونده بازداشتی‌های ناآرامی‌های اخیر گفت: ۲۰۰ نفر از همکاران ما به موضوع ورود کردند، در بازداشتگاه‌ها حضور یافتند و افراد را تفکیک کردند و کسانی هم که زیر ۱۸ سال دارند تعیین تکلیف شدند.مسعود ستایشی در نشست خبری روز گذشته گفت: در پرونده موردنظر بازداشت‌های دیگری صورت گرفته ...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: گفت‌وگوی «شرق» با وکیل خانواده نیکا شاکرمی، بیانیه دو انجمن صنفی برای آزادی روزنامه‌نگاران و عکاسان، شتاب بازی‌های برجامی و عماد افروغ: چرا به کثرت اجازه نمی‌دهیم در میدان حضور پیدا کند؟

سرمقاله

اصل ایستایی و پویایی

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

دو اصل حاکم بر جامعه از نظر واضع مفهوم جامعه‌شناسی، یعنی اگوست کنت، در کتاب فلسفه اثباتی عبارت‌اند از اصل ایستایی و اصل پویایی. اصل ایستایی همان نظم حاکم بر جامعه است و اصل پویایی ناظر بر تغییرات و پیشرفت. دو دغدغه مهم جامعه‌شناسان کلاسیک پاسخ به دو سؤال بوده است که ۱. نظم چگونه ممکن می‌شود و ۲. تغییرات اجتماعی چرا و چگونه رخ می‌دهند. تأکید بیشتر اگوست کنت و برخی جامعه‌شناسان معطوف به نظم و ایستایی بوده و اینکه چگونه می‌توان پویایی و تغییرات را مدیریت و کنترل کرد. به قول آدورنو مسئله کنت این بود که چگونه باید مهار عنصر پویایی را در دست گرفت. پیشرفت‌های تکنولوژی به‌ویژه در حوزه پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی مجازی این موضوع را مطرح ساخته است که برای فهم پویایی و تغییرات و چه بسا خود جامعه باید تکنولوژی را فهمید. برای سیاست‌مداران تغییرات در تکنولوژی ابزاری و تکنیکی نشان‌دهنده اصل پویایی و پیشرفت جامعه است؛ درحالی‌که باید مهار تکنولوژی‌های معطوف به پیام‌رسان‌ها و گفت‌وگوهای اجتماعی را در دست گرفت و محدود کرد. به عبارتی فهم قانون‌گذاران و سیاست‌مداران این است که تصویر پویایی و پیشرفت را باید در تغییرات تکنولوژی سخت و به قول شریعتی در آهن دید و واقعیت شگفت‌آور این است که هیچ‌گونه تغییرات اجتماعی را به رسمیت نمی‌شناسند و منکر آن می‌شوند و اگر عینیت آن را در قالب خواست و مطالبات جمعی ببینند، سعی در دست‌کاری آن دارند. خلاصه اینکه اولویت‌دادن و توسعه‌دادن به تکنولوژی ابزاری و مهارکردن تغییرات تکنولوژیکی ناظر بر گفت‌وگوی تغییر اجتماعی نوع نگاه به اصل پویایی و پیشرفت در میان دولتمردان ما است. بر همین اساس است که نیروهای فنی و تکنیکی برتری دارند. این‌گونه می‌توان بیان کرد که علایق تکنیکی و فنی دولتمردان تا حدی به رشد علوم دقیقه و فناوری‌های مبتنی بر آن منجر شده است؛ درحالی‌که عدم علاقه‌مندی به فهم گروه‌های مختلف اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت اجتماعی و تغییرات اجتماعی باعث شده نتایج دانش‌های مبتنی بر آنها کمتر مورد استفاده قرار گیرد. از نظر برخی دولتمردان و سیاست‌مداران عقلانیت در توسعه تکنیک و فن است؛ درحالی‌که خواست‌های معطوف به تغییر اجتماعی و فرهنگی غیرعقلانی و مخل ایستایی شمرده می‌شوند. چون پیشرفت در تکنیک و فن با نظم و ایستایی موجود همراه است. از منظر آنها، نسل جدید به‌ویژه دختران که خواهان تغییر آداب و رسوم، هنجارها و برخی قوانین که در شکل‌گیری آنها نقش نداشته‌اند، هستند، مصداق بارز وجه غیرعقلانی شمرده می‌شوند؛ اما گاهی به غیرعقلانی انگاشتن نسل جدید بسنده نمی‌شود؛ بلکه معترضان و کسانی را که خواهان تغییر در مناسبات اجتماعی هستند، شخصیت‌های ضد اجتماعی و بیمار تلقی می‌کنند که باید به روان‌پزشک و روان‌شناس ارجاع داده شوند. به دانش‌آموزان و دانشجویان منتقد و معترض به ایستایی اجتماعی برچسب روان‌پریش زده می‌شود. این به آن معنا است که در اصل پویایی مدنظر دولت‌ها، نیروهایی که خواهان تغییرات اجتماعی هستند، شخصیت‌های بیمار و نیازمند روان‌کاوی و روان‌درمانی تلقی می‌شوند که با سازوکار علومی مانند روان‌پزشکی باید مطیع و فرمانبردار شوند. از نگاه برخی سیاست‌مداران در عرصه اجتماعی هیچ چیز متفاوت و جدیدی نمی‌تواند وجود داشته باشد و پویایی و تغییر در این زمینه به رسمیت شناخته نمی‌شود و قوانین و هنجارهای قبلی کماکان بدون تغییر می‌ماند. در اصل پویایی مدنظر دولتمردان، تغییرات در حوزه عدالت، آزادی و بازشناسی گروه‌های مختلف اجتماعی مسکوت گذاشته می‌شود. اعتراضات و ناآرامی‌ها نشان داد که نمی‌توان اصل پویایی و پیشرفت را صرفا در تکنیک‌های ابزاری و فنی خلاصه کرد، به‌این‌دلیل که مسائل اجتماعی و اقتصادی با این نگاه حل نخواهد شد. چنین نگاهی به اصل پویایی، تصویر کاملا ناقصی از واقعیت در حال تغییر به دست می‌دهد. لازم است بصیرتی بیشتر به جامعه و اصل پویایی نسبت به آنچه در اذهان و افکار سیاست‌مداران و دلتمردان است، شکل گیرد. چنین نگاهی در سیاست‌های اصلاحی دانشگاه و بازنگری دروس هم به چشم می‌خورد. از این منظر، دانشگاه پویا دانشگاه مبتنی بر گسترش فن و تکنیک و به طور کلی توسعه عقلانیت ابزاری است. دانشگاهی که در خدمت توسعه فنون مدنظر صنعت و حرفه‌ها است، نه محلی به قول آدورنو، برای تفکر آزاد و مستقل. دانشگاه به‌مثابه بنگاه اقتصادی و تجاری. چنین رویکردی به دانشگاه در کشور ما نیز مانند سایر کشورها در حال گسترش است. اگر نیک بیندیشیم متوجه می‌شویم همان‌گونه که پویایی در عقلانیت ابزاری و تکنیکی را به رسمیت شناختیم و روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و دستاوردهای بزرگی داشته‌ایم که امروز به آن افتخار می‌کنیم، با به رسمیت شناختن اصل پویایی اجتماعی، و نه نادیده انگاشتن، کوچک‌شمردن یا دست‌کاری کردن آن و بازشناسی خواست گروه‌های متکثر اجتماعی می‌توانیم دستاوردهای مهمی در حوزه عدالت اجتماعی، اقتصادی و انسجام و همبستگی بیشتر داشته باشیم. با بهره‌گیری از عقلانیت تکنیکی به‌ویژه در حوزه دفاعی قدرتمند هستیم و از توان بازدارندگی بالایی برخورداریم. امید است با توجه بیشتر به مباحث حوزه عدالت اجتماعی و اقتصادی و توجه به خواست گروه‌های مختلف اجتماعی در ابعاد اجتماعی و اقتصادیِ پویایی نیز پیشرفت بیشتری داشته باشیم.

پایان فردوسی‌پور و تلویزیون؟

صفحه ۹

عکس: محمد کرمعلی

گفت‌وگو با بهرام صلواتی، رئیس رصدخانه ملی مهاجرت ایران:

با مهاجرت توده‌وار مواجهیم

بحثی راهبردی برای مدیران اجرائی سال ۱۴۰۲ و احتمال یکی از شدیدترین موج‌های مهاجرتی

فرانک جواهری، هدی هاشمی: دیگر فقط صحبت از مهاجرت نخبگان نیست. حالا مهاجرت شکل دیگری به خود گرفته است و ما شاهد مهاجرت ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، استادان، معلمان و کارگران در صنف‌های مختلف هستیم که به‌اصطلاح به آن مهاجرت «توده‌وار» می‌گویند. در این سال‌ها آنهایی که پول، سواد و تجربه داشتند، به بهانه کار و تحصیل کشور را ترک کردند و آنهایی که نه پول آن‌چنان داشتند و نه تحصیلات بالایی راه‌های پرخطر دیگری را انتخاب کردند تا از طریق آن بلکه بتوانند پناهندگی بگیرند؛ مهاجرتی که به گفته آنهایی که رفتند بسیار هزینه‌بر و دردناک است. اما برای برخی‌ها راه‌حلی برای ادامه زندگی شده است.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی به «شرق» پاسخ داد

افزایش سهمیه آرد آذربایجان غربی

۴

دولت برای محصولات کشاورزی آب بر عوارض صادراتی وضع کرد

کشاورزی در دست‌انداز

۴

از وینستون چرچیل به لیز تراس و ریشی سوناک

افول سیاست بریتانیایی

بریتانیا هرگز تا این اندازه در وضعیتی نگران‌کننده و متشنج قرار نداشته است

۵

پایتخت دیگر ظرفیت ندارد

شورای شهر پس از اعلام مسئله آب در تهران

۱۰

هنرستان صدر یک ماجرا، ۲ روایت

۲

یادداشت روزنامه‌نگاران

مهاجرت، گریزگاه پزشکان

مینو بدیعی

در فضای محدود، سالن ورودی بیمارستان، انگار بوی بیماری و درد معلق است. بارها و بارها، این فضای سرد و سنگین را تجربه کرده‌ای، با آدم‌های گیج و گنگ، آنانی که همراهان بیماران هستند و در پی عزیزان خود آمده‌اند، آنانی که می‌دوند که قطره‌ای سلامتی را برای عزیزان‌شان به ارمغان بیاورند، آنانی که در پی پزشکانی هستند که «ذره‌ای» سلامتی را نثارشان کنند. آنانی که به جان آمده‌اند، از درد، از سیطره نابودکننده بیماری و... مسیحان نجات‌دهنده ایستاده‌اند در مرز بین زندگی و مرگ، با دست‌های نجات‌بخش... . آنان، طبیبانی هستند که قسم‌نامه بقراط را آویزه گوش‌شان کرده‌اند تا پیام‌آور سلامتی و تندرستی باشند و... تو، یله می‌شوی در هجوم درد مردمان، در دردی که بارها با آن روبه‌رو شده‌ای. اما، مسیح‌های نجات‌بخش، سودای رفتن دارند. سودای گریز از محیطی که اعتبارشان به خدشه افتاده است. آوازدهندگان «سلامت» گاه، سودای پول و ثروت بیشتر، از دم مسیحایی‌شان می‌کاهد. گاه در پی شرایط بهتر اجتماعی و روزنه‌های تازه‌تری برای زندگی اقتصادی-اجتماعی بهتر هستند. گاه، به دردهای بیماران خود بی‌اعتنا می‌شوند...

***

هرگز از یادم نمی‌رود، روزی که آسیمه‌سر با ناراحتی دردی بر پیکر، به سوی مطب پزشکم رفتم. تابلویش پایین کشیده شده بود و من، هاج و واج حیران به سراغ داروخانه کنار مطب رفتم و می‌خواستم فریاد بزنم «دکتر...کجاست؟ کجاست؟» اما با صدایی که انگار از ته چاه درمی‌آمد پرسیدم «دکتر»...

مسئول فنی داروخانه که با تأسف سری تکان می‌داد قبل از اینکه پرسش من تمام شود، گفت: «رفته‌اند کانادا و مطب‌شان تعطیل شده».

- یعنی مهاجرت کرده‌اند و دیگر برنمی‌گردند؟

مسئول فنی داروخانه که انگار بارها این پرسش را شنیده بود خیلی تند و سریع جواب داد: «پیش دکتر... بروید. مطب‌شان هم اینجا نزدیک است».

من به تندی گفتم: ایشان کی می‌روند؟

ادامه در صفحه ۵

انالله و اناالیه راجعون

خبر درگذشت **مرحوم عباس امینی‌سودانی**

باعث تأسف و تأثر فراوان شد.

این مصیبت بزرگ را به آقای ماجد امینی و خاندان محترم امینی تسلیت عرض می‌کنیم. ازخداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.

از طرف آقایان احمد و حمید ادیب، سامان جیره‌بندی کاظم کرباسچی، دکتر جعفر پژوهی، نصراله جاسب سامان یزدان‌پاک، کیانوش امیر مظاهری

آغاز فعالیت و ثبت‌نام در مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

پیشخوان Pishkhan.com

ثبت‌نام در مدرسه «شرق» تمدید شده است و تا تاریخ ۵ آبان ادامه دارد.

در این مدت هر روز به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ ثبت‌نام به عمل خواهد آمد

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق» نخستین دوره فعالیت خود را آغاز می‌کند. برای دوره نخست کارگاه‌ها و ورک‌شاپ‌هایی طراحی شده است که بتواند هم برای این مدرسه نقطه آغاز مطلوبی را ایجاد کند و هم پیش‌درآمد مناسبی برای آینده مدرسه شرق باشد. در دوره نخست کارگاه‌ها و ورک‌شاپ‌های مدنظر در جلسات متناوب و به مدت‌زمان دو یا سه ساعت برگزار می‌شود. سعی بر آن شده است که مدرسان هر کارگاه از میان متخصصانی انتخاب شوند که دانش خود را به صورت میدانی یا میدانی- آکادمیک فراگرفته‌اند. برخی از مدرسان، روزنامه‌نگاران «شرق» هستند و سایر مدرسان نیز بعضا با روزنامه «شرق» و فعالیت‌های آن ارتباط کاری تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. کلاس‌ها از هفته سوم مهرماه آغاز می‌شود. یک هفته قبل از برگزاری هر کارگاه یا ورک‌شاپ با متقاضیانی که ثبت‌نام کرده‌اند، تماس گرفته می‌شود و زمان دقیق جلسات به آنها اعلام خواهد شد. در کنار آن به هنرجویان سرفصل‌های آموزشی و رزومه هر مدرس ارائه می‌شود.

برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شهریه‌های هر کارگاه با شماره ۸۸۹۴۲۰۳۵ و ۰۹۱۲۳۰۸۵۰۲۳ تماس حاصل فرمایید.

نام کارگاه	نام مدرس	درباره مدرس	جلسات، حضوری یا آنلاین
روزنامه‌نگاری اقتصادی	دکتر محسن ایلچی	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۱۲ جلسه/ حضوری
تولید بر مبنای حرکت/ روزنامه‌نگاری میدانی* (آموزش کاربردی در محل تولید - روزنامه‌نگاری مولد)*	نیلوفر حامدی شهرزاد همتی	گزارش‌نویس شرق دبیر سرویس اجتماعی شرق	۶ جلسه حضوری/ میدانی
تکنولوژی و نوآوری در رسانه (شناخت فناوری‌های مدرن ارتباطی)	دکتر نفیسه زارع‌کهن	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۶ جلسه/ حضوری
ویدئو ژورنالیسم در اتمسفر ایران صفر تا صد تولید در یک رسانه مولتی مدیا (خبر، گزارش، تصویر و ساخت تصویر ...)	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	۸ جلسه/ حضوری و آنلاین
روزنامه‌نگاری بحران و بعد از بحران	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۸جلسه/ حضوری
روایت‌نویسی و قصه‌پردازی به زبان رسانه	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	۳ جلسه/ حضوری
تکنیک‌های توییتر نویسی خبری	مریم شکرانی	روزنامه‌نگار و فعال توییتری	۳ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی و ضرورت‌های آن	سجاد فیروزی	دبیر سرویس ورزشی شرق	۵ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی از منظر تاریخ و جامعه	امیرحسین ناصری	دبیر تحریریه شرق	۵ جلسه/ حضوری
روابط عمومی پلت فرمی	دکتر حسین امامی	مدرس دانشگاه	۲ جلسه/ آنلاین
روابط عمومی تجاری**	دکتر احمد یحیایی ایله‌ای	مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری
آموزش کاربردی ایندیزاین و نکات راهبردی فتوشاپ و ایلوستریتور	علی شهرابی	گرافیست روزنامه شرق	۱۴ جلسه حضوری/ عملیاتی
فیلمسازی و ارتباطات تصویری (در محدوده امکانات)	سعید نبی	مستندساز	۱۰ جلسه حضوری

*زمان هر جلسه بستگی به کار و تشخیص مدرس دارد (دو کلاس و دو مدرس)

**زمان جلسه چهار ساعت است

نام ورکشاپ	نام مدرس	درباره مدرس	ساعت/حضوری	توضیحات
فرهنگ سازمانی رسانه	دکتر کتابون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
بازخوانی کاربردی تجربه‌های رسانه‌ای	جلال خوش‌چهره	روزنامه‌نگار پیشکسوت	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روانشناسی ارتباطات	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روزنامه‌نگاری در فضای چندرسانه‌ای چطور یک رسانه مولتی‌مدیا راه‌اندازی کنیم؟ فرا رسانه/ مالتی مدیا	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت

شرق

شتاب بازی‌های برجامی

این روزها که عملا مذاکرات برجام در سایه اعتراضات یک ماه اخیر و نیز موضوع ارسال پهپاد به روسیه به در بسته خورده است، تهران از مذاکره می‌گوید. این در حالی است که بسته‌های تحریمی اروپا و فشارها برای اجماع جهانی علیه ایران موجب شده مسیری برای مذاکره فراهم نباشد. بااین‌حال دولت سیزدهم با طرح‌کردن آمادگی خود برای گفت‌وگو و مذاکره به دنبال تعدیل فشارهاست.

در همین زمینه ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه دولت سیزدهم، روز دوشنبه در نشست خبری در پاسخ به سؤالی درباره آخرین روند مذاکرات رفع تحریم‌ها اظهار کرد: «با مذاکراتی که صورت گرفته، زمینه برای جمع‌بندی توافق و بازگشت طرف‌ها به توافق فراهم است. صورت‌مسئله در این زمینه روشن است. جزئیات و گام‌هایی که باید برداشته شود، مشخص است و به نظر می‌رسد که در این زمینه اراده سیاسی آمریکایی‌ها محل تردید است و اگر آنها از اراده سیاسی لازم برخوردار باشند، زمینه برای انجام گام‌های بعدی جهت حصول توافق فراهم است». او در پاسخ به این سؤال که برخی می‌گویند در این زمینه ایران منتظر فرارسیدن زمستان در اروپاست، گفت: «ما منتظر چیزی در این زمینه نیستیم. منتظر زمستان نیستیم و در اولین روزی که آمریکایی‌ها اراده خود را نشان دهند، ما می‌توانیم در مسیر حصول توافق حرکت کنیم. ما نیازمند هیچ بازه زمانی‌ای نیستیم. ما اثبات کرده‌ایم که پایبند به میز مذاکره هستیم. ما مذاکره برای مذاکره انجام نمی‌دهیم. مذاکره می‌کنیم که به اجرای توافق برگردیم. همان‌طورکه پیش‌ازاین گفته‌ام ایران کشوری است که در عمل نشان داده که اگر توافق کند، به روند اجرای توافق پایبند است و به تعهدات خود عمل می‌کند و ما با طرفی مواجه هستیم که پیش‌ازاین از توافق خارج شده و به تعهدات خود عمل نکرده، در همین چارچوب برای توافق نیازمند تضمین هستیم که رفتار گذشته تکرار نشود». به فاصله ساعاتی پس از این اظهارنظرهای کنعانی، رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی در توییتی نوشت: «چنانچه از ابتدای مذاکرات رفع تحریم‌ها به‌صراحت اعلام شد، جمهوری اسلامی ایران آگاهانه و برای کسب منافع ملی به گفت‌وگوها ورود کرد و با توجه به فعال‌بودن این روند، تا زمان حصول توافق قوی میز مذاکرات را ترک نخواهد کرد». افزون بر اینها رئیس‌جمهور نیز در جمع مدیران ارشد رسانه‌های بین‌المللی عضو اتحادیه خبرگزاری‌های آسیا و اقیانوسیه (اوآنا) به مذاکرات هسته‌ای ایران پرداخت و گفت: «ما به دنبال حق جمهوری اسلامی ایران هستیم. آنچه در برجام بود با نقض از سوی آمریکایی‌ها مواجه شد، اروپا هم به تعهدات خود عمل نکرد، فقط جمهوری اسلامی به تعهداتش عمل کرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۱۵ بار به‌طور رسمی اعلام کرده که فعالیت‌های هسته‌ای ایران هیچ انحرافی ندارد؛ در مذاکرات نیز ایران حرف‌های خود را با منطق و استدلال بیان کرد و آمریکا باید تصمیم بگیرد؛ اما تأخیر می‌کند و زمان را می‌گذراند». رئیسی با تأکید بر اینکه ما مصمم هستیم که حقوق ملت را دنبال کنیم، افزود: «ایران رفع و خنثی‌کردن تحریم‌ها را هم‌زمان در دستور کار دارد. آمریکایی‌ها در مواجهه با ایران برای چندمین بار دچار خطا و اشتباه در برداشت شدند، جمهوری اسلامی ایران امروز قدرتمندتر از هر زمانی است و حضور بسیار مؤثری در منطقه داشته و بنا دارد این حضور قدرتمندانه را برای حمایت از مظلومان عالم و مردم تحت ستم و آزادی‌خواهان ادامه دهیم». در مقابل ایالات متحده موضعی متفاوت دارد. رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، در گفت‌وگویی با شبکه سی‌ان‌ان گفت: «مذاکرات احیای برجام درحال‌حاضر حتی در دستور کار دولت بایدن قرار ندارد و کاخ سفید تمرکزی روی آن ندارد». مالی در ادامه تصریح کرد: «ما باید ببینیم که آیا این دولت ایران، دولتی است که می‌خواهد به یک توافق دست پیدا کند یا نه؟ اما درحال‌حاضر، تمرکز روی اتفاقاتی است که می‌افتد؛ چون مذاکرات متوقف شده است». نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، درباره وضعیت مذاکرات احیای توافق هسته‌ای در وین مدعی شد: «دلیل اینکه مذاکرات در یک بن‌بست قرار دارد و دلیل اینکه پیش نمی‌رود، این است که ایران در دو ماه گذشته، موضعی در این مذاکرات اتخاذ کرده که واقعا مغایر با بازگشت به توافق است. آنها درخواست‌هایی مطرح می‌کنند که هیچ ارتباطی به برجام ندارند. تا زمانی که این‌طور باشد، مذاکرات در وقفه خواهد بود». آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، هم اعلام کرد که احیای توافق هسته‌ای برجام قریب‌الوقوع نخواهد بود. به گزارش رویترز، بلینکن جمعه گذشته عنوان کرد: «از نظر ایالات متحده دیپلماسی بهترین راه برای رسیدگی به برنامه هسته‌ای ایران است؛ اما به دلیل درخواست‌های اضافی ایران، احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران را قریب‌الوقوع نمی‌داند». ساعاتی پیش از این موضع‌گیری بلینکن، ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، نیز در کنفرانس خبری درباره مذاکرات هسته‌ای با ایران گفت: «درحال‌حاضر مشخص است که حصول توافق قریب‌الوقوع نیست. توافق درحال‌حاضر در

دسترس نیست؛ چراکه تقاضاهای ایران از مرزهای برجام فراتر رفته‌اند. ما طی هفته‌های اخیر اخباری درخصوص آمادگی ایران برای تغییر رویه دریافت نکرده‌ایم». البته ند پرایس در نشست هفتگی خود با خبرنگاران که دیروز سه‌شنبه برگزارشد، در پاسخ به گفته وزیر امور خارجه ایران مبنی بر اینکه پیامی از آمریکا دریافت کرده که نشان می‌دهد واشنگتن برای دست‌یافتن به یک توافق در مذاکرات احیای توافق هسته‌ای عجله دارد، گفت: «مسلما چنین پیامی به ایران داده نشده است. این گزارش‌ها به‌هیچ‌وجه صحت ندارند. پیام ما تنها این است که فرستادن سلاح به روسیه برای کشتن اوکراینی‌ها را متوقف کنید. پیام‌هایی که ما به‌طور علنی داده‌ایم و به‌طور محرمانه نیز منتقلش می‌کنیم، اینها هستند». این اظهارات پرایس به دنبال آن مطرح شد که حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران، شنبه هفته جاری عنوان کرد: «سه روز پیش پیامی بین ما و طرف آمریکایی منعقد شد و ما پیامی از طرف آنها دریافت کردیم. آمریکایی‌ها در تبادل پیام‌ها حتی تعجیل دارند که هرچه زودتر به نقطه توافق برسیم». آن‌گونه که از سخنان مقامات کاخ سفید برمی‌آید، تا اطلاع ثانوی مذاکرات هسته‌ای در بن‌بست باقی خواهد ماند. البته پیش‌تر هم مشخص بود که دولت بایدن ادامه مذاکرات را تا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره به تعویق انداخته است. در کنار آن سرخوردگی و ناامیدی اروپا از ایران برای احیای برجام باعث شده است که مذاکرات هسته‌ای فعلا در سایه اعتراضات یک ماه گذشته و موضوع ارسال پهپاد ایران به روسیه قرار بگیرد؛ حال دولت سیزدهم که فرصت‌های پیشین توافق را یکی پس از دیگری از دست داد و به امید پاییز و زمستان سرد اروپا، تأخیر در مذاکرات را پیش گرفت و به توصیه روزنامه کیهان که خواستار توقف دوماهه گفت‌وگوها تا آغاز فصل سرما در قاره سبز بود، اکنون با وضعیت ادامه بن‌بست مذاکرات مواجه شده است.

عماد افروغ در «مناظره دانشجویان ایران»:

چرا به کثرت اجازه نمی‌دهیم در میدان حضور پیدا کند؟

عماد افروغ، عضو شورای فرهنگ عمومی کشور و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، روز گذشته سوم آبان در آیین افتتاحیه یازدهمین دوره مسابقات ملی «مناظره دانشجویان ایران» که از سوی سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی برگزار شد، درباره ناآرامی‌های اخیر کشور صحبت کرد. به گزارش ایسنا، این استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به سابقه خوب جنبش‌های دانشجویی در گذشته گفت: برای مثال، عدالت‌خواهی‌های دهه ۷۰ و ۸۰، حوادث ۱۶ آذر را داریم؛ اما دانشجویان این جنبش‌ها جذب قدرت سیاسی شدند. اگر آنها مستقل باقی می‌ماندند و به روشنفکری خود ادامه می‌دادند، نتایج بهتری را شاهد بودیم. امیدوارم که از دل مناظرات دانشجویی، یک جنبش دانشجویی نوظهور شکل بگیرد و مطالبه‌گر طردشدگی‌های سیاسی باشد. او گفت: زمانی که شنیدم اعتراضات شهری طی جلسه‌ای به دانشگاه‌ها وارد شده، خوشحال شدم. زیرا این احتمال وجود دارد که برای نخستین‌بار شاهد این باشیم که علم و فرهنگ به سیاست و اقتصاد خط می‌دهد و این بستری برای شکل‌گیری جنبش دانشجویی جدیدی است. این استاد دانشگاه تربیت مدرس با بیان اینکه مطالبه‌گری طردشدگی‌های سیاسی دانشجویان باید به‌صورت منسجم، سامان‌یافته و ایدئولوژیک باشد، اظهار کرد: دانشجو باید بداند و بشناسد. اغلب کسانی که در کف خیابان حضور دارند، نمی‌دانند که چه مطالبه‌ای دارند. اگر شعارهای جنبش‌های دانشجویی گذشته را بررسی کنیم، می‌بینیم که بر استکبارستیزی و عدالت‌خواهی تأکید می‌کردند. من سال‌ها به این موضوع تأکید کرده‌ام که فضای کشور سیاست‌زده و امنیت‌زده است. وقتی فضای کشور سیاست‌زده شد، روی دیگر آن سیاست‌زدایی است. افروغ درباره ساختار جامعه ایران اظهار کرد: جامعه ایران، جامعه‌ای «طیفی» است و نه «قطبی»، چراکه فرایند قطبی‌شدن را پشت‌سر نگذاشته است؛ درحالی‌که ساختار جوامع غربی، «قطبی» است. او با بیان اینکه میان «طبقه» و «طبقه اجتماعی» تفاوت وجود دارد، تصریح کرد: براساس رأی نظریه‌پردازان طبقات اجتماعی، چنین تفاوتی وجود دارد. اگر به کتاب «فضا و جامعه؛ فضای شهری و نابرابری اجتماعی» رجوع کنید، درباره نابرابری اجتماعی و به مفهوم طبقه اجتماعی اشاره شده است. هنگامی که از طبقه اجتماعی سخن به میان می‌آید، با یک انسداد اجتماعی روبه‌رو می‌شویم. به طور حتم، وقتی سخن از طبقه اجتماعی مطرح می‌شود، باید انسداد اجتماعی هم وجود داشته باشد. این انسداد در اقتصاد، فضاهای مدنی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد. این استاد دانشگاه تربیت مدرس با بیان اینکه این‌طور مطرح می‌شود که تحرک اجتماعی در غرب بالاست، گفت: این تحرک اجتماعی، تحرک اجتماعی فردی است. تحرک اجتماعی ساختاری در دنیای غرب وجود ندارد. اگر تحرک اجتماعی ساختاری در غرب وجود داشت، طبقه اجتماعی شکل نمی‌گرفت. او ادامه داد: در حوزه اقتصاد، محل کار طبقه متوسط با کارگران جداست؛ حتی اگر در یک کارخانه مشغول به کار باشند. جدایی، محدود به محل کار نمی‌شود؛ بلکه محل گذراندن اوقات فراغت، اسکان و استراحت آنها مجزا است. موضوع «جدایی‌گزینی فضایی» و «جدایی‌گزینی مسکونی» به‌عنوان یک شرط لازم برای شکل‌گیری طبقه اجتماعی درنظر گرفته شده است. عضو پژوهشگاه علوم انسانی، با بیان اینکه در غرب بیشتر به جای آنکه شاهد تعامل بین طبقات باشیم، شاهد تعامل درون طبقات هستیم، تصریح کرد: چنین شرایط سبب شکل‌گیری خرده فرهنگ خاص می‌شود. این خرده فرهنگ یا سبک زندگی، ارتباط مستقیمی با شکل‌گیری طبقات اجتماعی دارد. انسداد غرب به دلیل جدایی‌گزینی، انسداد مدنی است. همچنین در مباحث تولید و توزیع و مصرف هم شاهد انسداد هستیم. جوامع غربی در مبحث مدنی هم دچار انسداد هستند؛ چراکه به شکل‌گیری کثرت‌گرایی و تعامل بین طبقاتی اجازه نداده‌اند. به‌همین‌دلیل انسداد طبقاتی در آن شکل گرفته است. این نماینده اسبق مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه انسداد طبقاتی دارای عقبه‌های معرفتی است، اظهار کرد: بارها شنیده‌ایم که غرب، اهل تکثر است. غرب نمی‌تواند اهل تکثر باشد؛ چراکه طبقه اجتماعی در آن شکل گرفته و سکولاریسم در آن وجود دارد. او ادامه داد: سکولاریسم یک ادعای اساسی دارد که با مفهوم «تکثرگرایی» و «ملت و دولت» همخوانی ندارد. این‌طور گفته می‌شود که مثل غربی‌ها اهل تکثر باشیم؛ اما غربی‌ها اهل تکثر نیستند. ما اهل تکثر هستیم؛ اما این موضوع را درک نمی‌کنیم. دلایلی درباره واقف‌نبودن ما به «اهل تکثر بودن خود» وجود دارد که دلایل این موضوع را توضیح می‌دهم. دکتر افروغ گفت: جامعه ما، جامعه‌ای متکثر و طیفی است. تکثر ویژگی جامعه طیفی است و ویژگی جامعه قطبی نیست. بر مبنای سکولاریسم، ورود اخلاق و دین در عرصه سیاسی و عمومی ممنوع است. به تبع این شرایط، ورود گروه‌های اخلاقی و سیاسی ممنوع است. چگونه این موضوع می‌تواند با تکثرگرایی سازگار باشد؟ این موضوع منع فلسفی و معرفتی دارد. داستان سکولاریسم، در واقع یک منع اجتماعی، حقوقی، معرفتی و سیاسی دارد که نمی‌تواند با کثرت سازگاری داشته باشد. سکولاریسم نمی‌تواند با مفهوم دولت و ملت سازگاری داشته باشد. به طور هم‌زمان، بر مفهوم «سکولاریسم» و «دولت و ملت» تأکید می‌شود. منظور از دولت و ملت این است، تجلی تکثرات ملی در دولت یا حداقل امکان رقابت وجود داشته باشد؛ اما در سکولاریسم، اجازه ورود گروه‌های دینی و اخلاقی را نمی‌دهند. او افزود: من بر این باور هستم هیچ نظامی در دنیا سکولاریستی نیست. درواقع، مراتب غیرسکولاریستی آنها متفاوت است. مراتب غیرسکولاریستی کشورها بستگی به اخلاق سیاسی آنها دارد. گاهی اخلاق سیاسی کشورها، در سطح پایین است و گاهی در سطح متوسطه است؛ درست مانند آنچه حکمای باستان بر آن تأکید می‌کردند و گاهی در سطح انفاق و ایثار است. او با بیان اینکه آنچه دموکراسی بر مبنای تعریف عمومی‌اش در جوامع غربی وجود ندارد، تصریح کرد: دموکراسی نمایندگی در جامعه غربی وجود دارد؛ یعنی عده‌ای وکیل نیستند بلکه نماینده هستند. وقتی او نماینده باشد، از طرف خودش برای مردم تصمیم می‌گیرد، اما در وکالت چنین چیزی وجود ندارد. شبه‌دموکراسی نمایندگی، همان شبه‌حکومت الیگارشی است و من تمام استادهای خودم را بر اساس متون غربی‌ها بیان می‌کنم. این استاد دانشگاه تربیت‌مدرس با بیان اینکه باید واقع‌بین باشیم و جامعه خود را بشناسیم، تصریح کرد: به لحاظ شکل‌گیری طبقه اجتماعی که درواقع محور اصلی انسداد حاکم بر غرب است، اقتدار باید از اقتدار اقتصادی و فرهنگی و سیاسی باشد؛ چراکه اقتصاد در جوامع غربی حرف اول را می‌زند.

دکتر افروغ درباره ویژگی‌های جامعه ایران گفت: جامعه ما، طیفی و متکثر است؛ ما چندقومیتی و مذهبی هستیم. همچنین گروه‌های افقی و عمودی نوظهور وجود دارند. طبقه اجتماعی در جامعه ما شکل نگرفته و انسدادهای جامعه غرب هم وجود ندارد. کسانی که کار اجتماعی کرده‌اند، بر این باور هستند که کارگر، مسیحی و بازاری در گذشته در کنار هم زندگی می‌کردند. در حال حاضر، این موضوع باز هم وجود دارد اما کمرنگ شده است.

این جامعه‌شناس ادامه داد: هنگامی که جامعه طیفی است، باید میدان هم برای تکثر باز باشد. انقلاب و پیشروی دفاع مقدس، ثمره اجازه‌دادن به تکثرات بود. جامعه طیفی و متکثر توانستند انقلاب و دفاع مقدس را پیش ببرند. اما عده‌ای باور به تکثر و عقبه آن ندارند. آنها چیزی را درک نمی‌کنند و هرآنچه را در مطبوعات می‌بینند، باور دارند. او ادامه داد: هرکسی را به‌عنوان جامعه‌شناس در این وقایع دعوت کردند. یکی از این افراد، انسان‌شناس بود که به‌جای یک جامعه‌شناس شرکت کرده بود. او بر این باور بود که جنبش عظیم اجتماعی شکل گرفته است. من به او می‌گویم که جنبش را بشناس و سپس چنین حرفی را مطرح کن. یکی از دردهای ما این است که افراد در جاهایی حضور دارند که تخصص لازم را ندارند. این یک درد است. او با اشاره به ماهیت جامعه ایرانی گفت: تکثرگرایی در جامعه ما یک عقبه فلسفی هم دارد. عقبه فلسفه آن، «حکمت متعالیه وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» است. این یک بحث فلسفی و ریشه‌دار است. ملاصدرا با نقدهای فراوان توانست موضوع «اصالت وجود» را مطرح کند. منظور از وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت این است که در حکمت نظری کثرت بفهمیم و درون تضاد هم وحدت به کار ببریم. این عقبه فلسفی در غرب وجود ندارد. نماینده سابق مردم تهران در مجلس گفت: نمی‌خواهیم آثار مثبت نظریه ملاصدرا را بپذیریم. چگونه در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به کثرت میدان داده شد. اگر به کثرت در جنگ و انقلاب میدان داده نمی‌شد، ما موفق نمی‌شدیم. اکنون چرا به کثرت اجازه نمی‌دهیم در میدان حضور پیدا کند؟ درباره فرهنگ تحقیق کرده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که فرهنگ متکثر است. وقتی فرهنگ‌ها به انقلاب‌ها برمی‌خیزند، میل به ایدئولوژی پیدا می‌کنند که طبیعی است. پس از اینکه انقلاب محقق شد و دوران عدم استقرار سپری شد، فرهنگ به سمت تکثر خودش بازمی‌گردد. فرهنگ فریاد می‌زند که شرایط گذشته اقتضای انقلاب بود. انقلاب نه به‌عنوان یک گفتمان، بلکه به‌عنوان یک حادثه تمام شد و حادثه باید تحت‌الشعاع گفتمان قرار بگیرد. او با بیان اینکه جامعه ایرانی سکولاریسم را نپذیرفته و مانعی برای هیچ گروهی ایجاد نکرده است، تصریح کرد: معتقدیم که تجلی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت نباید فقط در حکمت نظری باشد و باید در حکمت عملی باشد. شکاف و دوگانگی را قبول ندارم؛ به همین دلیل دوگانه حکمت نظری و حکمت عملی را قبول ندارم، اما تفاوت‌هایش را قبول دارم. این استاد دانشگاه با بیان اینکه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت را پذیرفته است، گفت: گروه‌هایی که از اول انقلاب تلاش کردند یک فضای تصنعی قطبی‌شده کاذب در جامعه ایجاد کنند. منظور همین اصولگراها و اصلاح‌طلب‌ها هستند. من بر اساس تجربه خود می‌گویم که این گروه‌ها تلاش کرده‌اند فضا را در جامعه‌ای که قطبی نبود، قطبی کنند. آنها فضا را از لحاظ تصنعی قطبی و سعی کردند به دلالت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این قطبی‌شدگی سامان دهند. سامان اقتصادی، رانت و امتیازهای ویژه بود. در جامعه که به‌ویژه پس از رژیم پهلوی، شاهد اقتصاد نفتی و تمرکزگرایی بر رابطه قدرت ثروت بودیم. او ادامه داد: منظور از رابطه قدرت-ثروت این است که زمام اقتصاد نفتی در دست دولت است و به قدرت دولتی رسید تا با آن به ثروت دست یافت. بهترین و بیشترین منافع اقتصادی در اختیار دو گروه چپ و راست است. آنها به محض رسیدن به قدرت از مواهب اقتصادی بهره‌مند می‌شدند. او درباره اتفاقات اخیر گفت: اتفاقات اخیر، یک شورش شهری است و جنبش نیست. این امکان دارد که به جنبش بینجامد. کتاب «خشم شهری شورش طردشدگان» وجود دارد که درباره اتفاقات مشابه تحقیق کرده است. در این کتاب تحقیق شده هنگامی که یک نفر توسط پلیس به قتل می‌رسد، مردم به خیابان‌ها آمده‌اند. در یونان ۲۰۰ بانک و ۱۵۰ ماشین پلیس به آتش کشیده می‌شود. خشم شهری، عقبه دارد. عقبه خشم شهری، نظام سرمایه‌داری است. او درباره جنبش دانشجویی گفت: جنبش دانشجویی عقبه رهبری، تئوریک و ایدئولوژی دارد. این استاد دانشگاه گفت: گفت‌وگو دارای مبانی فلسفی و معنوی است. هدف از گفت‌وگو برای رسیدن به ورای حقیقت است. شاید با هدف قانع‌کردن دیگری به پای گفت‌وگو برویم، اما خود قانع شویم. گفت‌وگو دو قسم دارد؛ یک گفت‌وگوی فلسفی و دیگری اجتماعی است. گفت‌وگوی فلسفی پیش‌رونده است و دیگری درجازننده.

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به ناآرامی‌های اخیر:

بازداشتی‌های زیر ۱۸ سال تعیین تکلیف شدند

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به وضعیت پرونده بازداشتی‌های ناآرامی‌های اخیر گفت: ۲۰۰ نفر از همکاران ما به موضوع ورود کردند، در بازداشتگاه‌ها حضور یافتند و افراد را تفکیک کردند و کسانی هم که زیر ۱۸ سال دارند تعیین تکلیف شدند.

مسعود ستایشی در نشست خبری روز گذشته گفت: در پرونده موردنظر بازداشت‌های دیگری صورت گرفته که زنجیره اطلاعات در شرف تکمیل است و به محض نهایی‌شدن اطلاع‌رسانی می‌شود. وی درباره دوربین‌های مداربسته تصاویر اوین گفت: این موضوع نیاز به بررسی دارد. مستندی از زندان اوین تهیه شد و جواب‌گوی ابهاماتی است که خصم ایجاد کرده بود، زیرا ابهام‌افکنی یکی از شگردهای رسانه‌های بیگانه است و رسواکننده شایعاتی بود که در مستند آتش‌سوزی در اوین نشان داده شد. مرکز رسانه قوه قضائیه اولین رسانه‌ای بود که اطلاع‌رسانی کرد. به محض جمع‌بندی داده‌ها قسمت‌هایی را که قابل ارائه هست، اطلاع‌رسانی می‌کنیم. سخنگوی قوه قضائیه درباره اینکه در حادثه اوین آیا عاملان شناسایی و پرونده تشکیل شده است؟ گفت: در این زمینه پرونده‌هایی در دادسرای ناحیه عمومی انقلاب تهران ویژه امور جنایی تشکیل شد و کسانی که درباره تحریق عمدی نقش داشتند و مرتکب جرم شدند شناسایی شدند و کسی از چنگ قانون درنمی‌رود و آنها تفهیم اتهام شدند و پرونده درحال تحقیقات است و در آینده نتیجه تحقیقات اعلام می‌شود. وی افزود: در این حادثه دلخراش هشت نفر فوت شدند و ۲۵ نفر شناسایی شدند و برای آنها پرونده تشکیل شده و ممکن است به این تعداد اضافه شود یا از این تعداد کم شود. سخنگوی قوه قضائیه ادامه داد: عده‌ای از زندانیانی که درگیر حادثه بودند از حیث ضررهایی که به آنها وارد شده است از لحاظ جسمی و روحی از آشوبگران در این بازداشتگاه شکایت کردند؛ یعنی عده‌ای که صدمه دیدند نسبت به اقدامات عاملان اغتشاش و آشوب طرح شکایت کردند. با لحاظ برنامه‌ریزی‌هایی که از ناحیه آشوبگران شد، از بند سارقان بودند و گفتند اراذل و اوباش بودند که کلی است و باید دید در چه جایگاهی از وصف مجرم تعریف می‌شود. بندی بوده که مربوط به سارقان بوده است و آنها آشوب کردند که از زندان بروند. اما هیچ زندانی‌ای نتوانست از اوین متواری شود. در این حادثه متأسفانه هشت نفر از این زندانیان فوت شدند و مطمئنا این برنامه‌ریزی می‌توانست تبعات بیشتری داشته باشد که با لطف الهی و مدیریت میدانی همکاران ذی‌مدخل ختم به خیر و کنترل شد و اهداف موردنظر دشمن محقق نشد و در نطفه خفه شد. همچنین به موقع نیروهای فراجا و حافظان امنیت و آتش‌نشانی و امداد در بازداشتگاه اوین حضور یافتند و این موضوع سبب شد فورا دامنه این آشوب جمع و مدیریت شود. در این حادثه متأسفانه دشمن را شاد، با روان مردم بازی و ما را گرفتار رسانه‌های بیگانه کردند. تمام زندانیان در بازداشتگاه اوین در جای مناسب منتقل شدند که دستاورد است بدون اینکه مشکلی پیش آید و در اولین استقرار با خانواده‌هایشان تماس گرفتند. تمام مددجویان مورد معاینه قرار گرفتند. قوه قضائیه با فوریت اطلاع‌رسانی صادقانه کرد. البته در این بین برخی شایعات رسانه‌های داخلی از جمله مین‌گذاری و پرتاب خمپاره مطرح شد که ما به‌جد آن را تکذیب می‌کنیم. وی در پاسخ به سؤالی درباره آخرین وضعیت پرونده دانشجویان بازداشتی در اعتراضات اخیر گفت: این موضوع به دادستان کل کشور محول شده است. قریب به اتفاق دانشجویان آزاد شدند و تعداد محدود و انگشت‌شماری بازداشتند. کسانی که بازداشتند براساس اطلاعات موثق اولا در میدان اغتشاشات بودند و نیز ارتباط خاصی با برخی شبکه‌های تابلودار جنایت‌پیشه داشتند و مسائلشان در دست بررسی است و اطلاع‌رسانی می‌شود. سخنگوی قوه قضائیه افزود: دادستانی کل با وزیر علوم نشست داشتند و موضوع را پیگیری کردند. ستایشی یادآور شد: ۲۰۰ نفر از همکاران ما به موضوع ورود کردند، در بازداشتگاه‌ها حضور یافتند و افراد را تفکیک کردند و کسانی هم که زیر ۱۸ سال دارند، تعیین تکلیف شدند.

گزارش

هنرستان صدر؛ یک ماجرا، ۲ روایت

روایت‌های متناقض اما رسمی از ماجرای هنرستان دخترانه صدر، آن‌هم هم‌زمان با برخورد با برخی مدارس در شهرهای مختلف، سبب نگرانی والدین شده است. عصر روز دوشنبه خبری منتشر شد مبنی بر درگیری و بروز تنش در مدرسه‌ای دخترانه در تهران در تقاطع خیابان‌های کارون و مرتضوی در محله سلسبیل که برخی شایعات حکایت از وخامت اوضاع در آن داشت.

این رویداد خیلی زود به بروز تنش‌هایی در سطح محله منجر شد؛ به‌ویژه آنکه خبر می‌رسید یکی از دانش‌آموزان این مدرسه در درگیری‌ها جان باخته است. روایتی که مهر آن را تکذیب کرد و نوشت: «تجمعی جلو یکی از مدارس دخترانه در محله سلسبیل تهران شکل می‌گیرد و افراد اقدام به شعاردادن می‌کنند. کمی بعد مأموران یگان ویژه پلیس با هدف ایجاد نظم و امنیت به این نقطه اعزام می‌شوند و با گفت‌وگو، تجمع‌کنندگان را متفرق می‌کنند. گفتنی است که مأموران به این مدرسه وارد نشدند و تنها برخی از مأموران برای صحبت با والدین به داخل مدرسه رفتند و هیچ دانش‌آموزی کشته نشده است».

بر اساس آنچه در تصاویر مدرسه منتشر شده و سخنان افراد محلی، شروع درگیری از مجادله مدیر و دانش‌آموزان برای توقیف تلفن همراه دانش‌آموزان و تلاش برای تفتیش دانش‌آموزان بوده؛ هرچند در بازار داغ شایعات، از درگیری پلیس و دانش‌آموزان نیز سخن به میان آمده است.

طبق روایات شاهدان، پای اورژانس هم به ماجرا باز شده و تصاویری از حضور یک آمبولانس در مدرسه نیز مخابره شده است؛ آمبولانسی که با حضور در این مدرسه، دو دانش‌آموز را به بیمارستان لقمان حکیم منتقل کرد؛ دانش‌آموزی که گفته می‌شد در درگیری با مدیر بر زمین افتاده و شایعه مرگش منتشر شده بود و دانش‌آموز دیگری که بعدتر از حال رفته است.

پزشک اورژانس بیمارستان لقمان در این زمینه به تابناک گفته است: دو دانش‌آموز ۱۶ و ۱۷ساله [شا. ر. و ط. ر] که لباس فرم مدرسه بر تن داشتند، توسط همکاران اورژانس تهران و با همراهی دو نفر از معلمان یا اولیای مدرسه به اورژانس بیمارستان منتقل شدند که علائم شوک عصبی داشتند و بلافاصله با تزریق سرم و آرام‌بخش تحت نظارت همکاران ما قرار گرفتند.

وی می‌افزاید: «این دانش‌آموزان بلافاصله با تزریق سرم و آرام‌بخش تحت نظارت همکاران ما قرار گرفتند و معاینه کامل هم شدند. کمی بعد هم پدر و مادر دانش‌آموزان به بیمارستان رسیدند. خدا را شکر حال این دو دانش‌آموز بعد از تزریق خوب شد و بعد از آنکه علائم آنها از بین رفت، ترخیص شدند». این پزشک در پاسخ به این پرسش که آیا آثار ضربه در معاینه این دانش‌آموزان دیده شد و نیازمند مراجعه دوباره به مراکز درمانی هستند یا خیر؟ تأکید کرد: هیچ آثاری دیده نشده و عامل ازحال‌رفتن دانش‌آموزان، استرس و فشار عصبی واردآمده به ایشان بوده که موجب بروز شوک عصبی شده و علائمی مانند لرزش در این دانش‌آموزان شده است.

البته روایت‌های رسمی از این ماجرا متناقض است و همین امر در کنار انتقاد از رفتار اشتباه مدیر مدرسه که رفتارش تنش‌آفرین بوده و با جان دانش‌آموزان بازی کرده، سبب بی‌اعتمادی افکار عمومی شده است.

علی تیرگیر، معاون مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش‌وپرورش، دراین‌باره گفته است: «به دلیل داشتن موبایل توسط برخی دانش‌آموزان و تأکید مدیر مدرسه برای بازرسی، درگیری میان تعدادی از دانش‌آموزان و والدین با مدیر مدرسه اتفاق افتاد. طبق قوانین ورود موبایل به مدرسه ممنوع است و دانش‌آموزان باید دستورالعمل‌های مدرسه را رعایت کنند. در این حادثه، تعدادی از دانش‌آموزان دچار افت فشار شدند که با حضور نیروهای اورژانس در محل به وضعیت آنها رسیدگی شد. کسی هم فوت نشده است». اما پلیس روایتی کاملا متفاوت از این ماجرا داشته است.

به گزارش ایسنا، پلیس پایتخت در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در پی اعلام وقوع یک مورد درگیری در مجاورت یک هنرستان دخترانه در خیابان کارون، عوامل کلانتری و مأموران پلیس در محل حاضر شده و رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند که در جریان آن، مشخص شد درگیری میان تعدادی از اراذل و اوباش رخ داده است». در ادامه این اطلاعیه، با اشاره به اینکه «این درگیری که در مجاورت یک هنرستان دخترانه رخ داده بود، منجر به نگرانی تعدادی و والدین و دانش‌آموزان شده بود»، آمده است: «عوامل درگیری از سوی مأموران پلیس شناسایی و دستگیر شدند. همچنین شایعات منتشرشده در فضای مجازی به‌هیچ‌عنوان مورد تأیید نیست».

روایت پلیس از آنچه در مدرسه رخ داده است، فاصله بسیاری دارد اما اینکه مدیر مدرسه بابت گوشی دانش‌آموزان بخواهد به تفتیش بدنی بپردازد، آن‌هم در شرایطی که در دو سال اخیر مدارس آنلاین بوده‌اند و موبایل به جزئی جدانشدنی از دانش‌آموزان تبدیل شده است نیز توجیه‌پذیر نیست.

اینکه دانش‌آموزان دچار فشار و استرس عصبی شده، راهی بیمارستان شده و همه این اتفاق‌ها هم در مدرسه رخ داده است، یک حقیقت کتمان‌نشدنی است؛ اما روایت چندگانه از ماجرا برای گریز از مسئولیت‌پذیری، جوابگو نیست و تهدید و ارعاب دانش‌آموزان از سوی هر فردی، چه مدیر و معلم و چه نیروهای پلیس، خلاف حقوق کودکان محصل است؛ بنابراین برخورد با مسببان این حادثه یک انتظار بجا از سوی افکار عمومی است.

omegawatches.com

THAT'S ONE SMALL STEP FOR A MAN, ONE GIANT LEAP FOR MANKIND

پیشخوان
Pishkhan.com

SPEEDMASTER MOONWATCH
CO-AXIAL MASTER CHRONOMETER

LOOKS MAGICAL. WORKS BEAUTIFULLY.

Although not your typical watch interior, our dreamlike world is not too far removed from the real thing. An OMEGA watch calibre is a tiny universe of components. Each working so wonderfully together, our precision timepieces have earned the trust of athletes, deep sea adventurers – and even astronauts.

اُمگا
Ω
OMEGA

TEHRAN WATCH
SINCE 1901

عکس: حمید حیدری، مهر

دولت برای محصولات کشاورزی آب‌بر عوارض صادراتی وضع کرد

کشاورزی در دست‌انداز

شرق: سهم بخش کشاورزی از صادرات غیرنفتی ایران حدود ۱۰ درصد است و ایران درحال‌حاضر رتبه دوم تولید خیار، رتبه سوم تولید خربزه و رتبه پنجم تولید پیاز در دنیا را دارد. بنا بر اعلام وزارت کشاورزی صادرات محصولات جالیزی حدود یک میلیارد دلار درآمد ارزی دارد و مهم‌ترین بازار این محصولات، کشورهای همسایه ازجمله عراق هستند؛ اما حالا بحران آب موجب شده است که وزارت کشاورزی روی این بازار بزرگ چشم بپوشد و برای صادرات محصولات آب‌بر عوارض وضع کند. اما این تصمیم ناگهانی وزارت کشاورزی با انتقاد بسیاری از فعالان کشاورزی مواجه شده است.

وضع عوارض صادراتی برای محصولات آب‌بر

دولت به‌تازگی برای صادرات محصولات جالیزی و آب‌بر عوارض تعیین کرده و صادرات آن را محدود کرده است. براساس‌این مهر امسال برای صادرات محصولات جالیزی عوارض تعیین شد و صادرات هر کیلوگرم گوجه‌فرنگی و پیاز به ترتیب مشمول عوارض چهار هزار تومانی و دو هزار تومان شد. وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ کرد که از اول مهر تا ۱۵ دی سال جاری مبلغ عوارض ۴۰ هزار ریال برای صادرات هر کیلوگرم انواع گوجه‌فرنگی و از اول آبان ماه تا آخر بهمن ماه سال جاری نیز، مبلغ ۲۰ هزار ریال عوارض به ازای صادرات هر کیلوگرم پیاز تعیین می‌شود.

وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد که این اقدام در راستای تنظیم بازار داخلی محصول گوجه‌فرنگی و پیاز و به منظور پیشگیری از نوسان قیمت و کنترل مقدار صادرات انجام شده است.

آمار گمرک نشان می‌دهد که کشور در سال‌های گذشته بدون بررسی، به کشت محصولات آب‌بر خود افزوده است، مثلا سال ۱۴۰۰ میزان صادرات هندوانه ۹۰۲ هزار تن بود که در ۱۳ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. این در حالی است که کشور وخیم‌ترین شرایط بحران آب را تجربه می‌کرد.

از آن سو کشور برای تولید کالاهای اساسی که از قضا بسیاری از اقلام آن کم‌آب‌بر هستند، بیشترین وابستگی را به واردات دارد و بیشترین واردات کالاهای اساسی مربوط به دانه‌های روغنی و همچنین خوراک دام است.

این موضوع سبب شده است که دولت عوارض صادرات بر هفت محصول جالیزی از سوی وزارت جهاد کشاورزی، وضع کند تا الگوی کشت کشاورزان جالیزی‌کار تغییر کند و مزیت کشت این محصولات از بین برود.

مخالفان چه می‌گویند؟

با این حال بسیاری از فعالان بخش کشاورزی مقابل این تصمیم دولت قد علم کرده‌اند و می‌گویند که در دهه‌های گذشته تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تا بازارهای منطقه‌ای برای فروش این محصولات در اختیار کشور ما قرار بگیرد که با این اقدام دیگر نمی‌توان به دراختیارداشتن این بازارها امیدی داشت و از سوی دیگر درآمد ارزی یک میلیارد دلاری غیرنفتی از محل صادرات این محصولات از بین می‌رود.

هرچند که محمد قربانی، معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی، تولید این محصولات را اقتصادی نمی‌داند و در پاسخ به این انتقادات می‌گوید که ارزآوری صادرات محصولات آب‌بر نسبت به هزینه‌های تولید آنها در داخل کشور رقم ممتازی نیست و «برای محصولاتی مانند پیاز، سیب‌زمینی، خیار، خربزه، بادمجان و هندوانه تعرفه‌ها را حداقل صددرصد افزایش می‌دهیم تا صادرات این محصولات از بین برود».

با این حال بسیاری از کشاورزان می‌گویند که الگوی آبیاری خود را اصلاح کرده‌اند و معتقد هستند که تولید محصولات کشاورزی مثل گندم و پسته آب‌بری بیشتری نسبت به محصولات جالیزی دارند. آنها به پروژه توتک که مجری آن وزارت جهاد کشاورزی بوده است، استناد می‌کنند و می‌گویند برای تولید یک کیلوگرم هندوانه، ۲۰۰ لیتر آب نیاز است؛ درحالی‌که مطابق برآوردها، هر کیلوگرم سیب به بیش از ۴۵۰ لیتر (طبق برخی گزارش‌ها ۷۰۰ لیتر)، هر کیلوگرم گندم، به بیش از هزارو ۳۰۰ لیتر و هر کیلوگرم پسته، به بیش از هفت‌هزارو ۵۰۰ لیتر آب نیاز دارد و آب‌بربودن محصولات جالیزی گزاره درستی نیست!

آنها حتی مدعی هستند که اعمال محدودیت بر صادرات محصولات جالیزی اقدامی غیرقانونی است.

ارسلان قاسمی، رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع غذایی اتاق تعاون ایران، در واکنش به وضع این عوارض به «شرق» می‌گوید: ماده ۲۴ و ۲۵ قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار می‌گوید که هر تصمیمی که به اقتصاد کشاورزی مربوط است، باید با نظر تشکل‌ها اتخاذ شود و دوم اینکه باید زمان اجرای آن بین سه تا شش ماه بعد از اتخاذ تصمیم باشد؛ ولی وزارت جهاد کشاورزی به بهانه قانون انتزاع تصمیمات سرِخود و خلق‌الساعه این دستور را در یک سال اخیر که دوباره قانون انتزاع در اختیار این وزارتخانه قرار گرفته، اتخاذ کرده است.

او ادامه می‌دهد: علاوه‌براین وضع هرگونه عوارض یا مالیات بر کالاهای مجاز و غیریارانه‌ای و جلوگیری از صادرات هرگونه کالا برای تنظیم بازار داخل مطابق ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، ممنوع است و دولت تنها در صورت اعطای یارانه مستقیم به کالا می‌تواند صادرات را محدود کند.

البته مسئولان وزارت جهاد کشاورزی معتقدند که این هفت محصول جالیزی از یارانه پنهان آب، یارانه تسهیلات بانکی دریافتی کشاورزان، یارانه سوخت جهت عملیات خاک‌ورزی زمین‌های کشاورزی برخوردار شده‌اند، پس به‌این‌ترتیب این اقدام آنها قانونی است.

اما فعالان بخش کشاورزی می‌گویند که حتی در صورت صحت این مدعا باز هم مطابق با «تبصره بند الف ماده ۲۳ قانون احکام دائمی توسعه کشور» وزارت جهاد کشاورزی مستقلا اختیار وضع عوارض صادراتی را دارا نیست و ابتدا باید فهرست کالاهای یارانه‌ای را احصا و به شورای اقتصاد پیشنهاد داده و در صورت تصویب در این شورا، پس از سه ماه عوارض مصوب را اعمال کند، نه اینکه یکباره این تصمیم را اعلام کند و بگوید که از دو هفته دیگر این محدودیت اعمال می‌شود.

براساس این بند و ماده‌های قانونی تا زمانی که وزارت جهاد کشاورزی اقلام مشمول و میزان یارانه مستقیم آنها را به تصویب شورای اقتصاد نرساند، اعمال هرگونه عوارض صادراتی ممنوع است.

با این حال برخی دیگر از کارشناسان کشاورزی می‌گویند که وضع عوارض صادراتی بر محصولات جالیزی، تنها چاره برای بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی نیست؛ زیرا بسیاری از کشاورزان به‌این‌دلیل که با کمبود آب مواجه هستند، به کشت‌های کم‌آب‌بر روی آورده‌اند.

آنها معتقد هستند که الگوی کشت و واردات محصولات کشاورزی باید به صورت دقیق بررسی شود و میزان توجیه اقتصادی تولید یا واردات محصولات کشاورزی بررسی شده و در نهایت برای آن تصمیم‌گیری شود. کارشناسان همچنین به لزوم آمایش سرزمین و تنظیم الگوی کشاورزی بر مبنای آن تاکید می‌کنند.

ضمن اینکه این کارشناسان می‌گویند که با حذف سطح زیر کشت برخی محصولات کشاورزی دولت باید برای اشتغال ازدست‌رفته کشاورزان و حفظ درآمد آنها فکری اساسی کند و در واقع پس از تصویب قوانین اصلاحی کشاورزی، خسارت کشاورزان را پرداخت کند.

خبر برگزیده

سقوط بیت‌کوین نزدیک است؟

بالارفتن میزان دشواری استخراج بیت‌کوین موجب سقوط ارزش آن خواهد شد و بقیه ۱۰ ارز دیجیتال برتر نیز روند کاهشی خواهند داشت. به گزارش ایسنا به نقل از کریپتو، ارزش بیت‌کوین در معاملات صبح روز سه‌شنبه آسیا کاهش یافت اما در بالای خط حمایت ۱۹هزار دلار که چندین هفته در نوسان بود همچنان باقی مانده است. اتر، دومین ارز رمزنگاری‌شده بزرگ از نظر ارزش بازار مانند بقیه ۱۰ ارز دیجیتال برتر، بدون احتساب استیبل‌کوین کاهش یافت. براساس داده‌های کوین مارکت کپ، بیت‌کوین در یک روز ۱.۱ درصد کاهش یافت و با ارزش ۱۹هزارو ۳۳۷ دلار آمریکا تا ساعت هشت در هنگ‌کنگ معامله شد، درحالی‌که اتر با افت ۱.۳ درصدی به ۱۳۴۵ دلار آمریکا رسید. دشواری استخراج بیت‌کوین معیاری است که نشان می‌دهد ماینرها چقدر قدرت محاسباتی بیشتری باید برای تأیید تراکنش‌های یک بلوک برای افزودن به بلاک‌چین اعمال کنند. همچنین سهام ایالات متحده هفته را در روز دوشنبه با افزایش آغاز کرد؛ داوجونز ۱.۳ درصد افزایش یافت، اس اند پی ۵۰۰ نیز به میزان ۱.۲ درصد و نزدک کامپوزیت ۰.۹ درصد افزایش یافت. هیئت اعتماد ایالات متحده قرار است آخرین شاخص خود را درباره اعتماد مصرف‌کننده در روز سه‌شنبه منتشر کند، جایی که انتظار می‌رود این شاخص در ماه اکتبر به ۱۰۵ کاهش یابد که این رقم در ماه سپتامبر ۱۰۸ بود. رقم ۹۰ یا بالاتر به عنوان بازتابی از یک اقتصاد سالم در نظر گرفته می‌شود. مجموع ارزش بازار جهانی ارزهای دیجیتالی در حال حاضر ۹۳۲.۴۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود که این رقم نسبت به روز قبل ۰.۰۶ درصد کمتر شده است.

بازتاب

افزایش سهمیه آرد آذربایجان غربی

شرکت مادرتخصصی بازرگانی دولتی ایران در پاسخ به انتشار گزارشی تحت عنوان «دوراهی نان» در ۲۸ مهر ۱۴۰۱ در روزنامه «شرق»، نکاتی را ارسال کرده است که در ادامه می‌آید:

۱. آرد تخصیصی استان آذربایجان غربی، نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز داشته است؛ چنانچه در حال حاضر در هر ماه بیش از ۳۱هزارو ۳۰۰ تن آرد یارانه‌ای به چهارهزارو ۷۳۲ واحد نانوایی این استان تحویل داده می‌شود.

۲. برای کمک به کاهش صف نانوایی‌ها که متأثر از عواملی همچون حضور کارگران فصلی با توجه به فصل برداشت سیب درختی و چغندرقند در این استان، بازگشت عشایر به قشلاق و بازگشایی مدارس و دانشگاه‌هاست، در چهار ماه گذشته، هر ماه بالغ بر ۱۲۰۰ تن آرد اضافه علاوه بر سهمیه ثابت به شبکه مصرف استان تزریق شده است.

۳. ساعت کار واحدهای نانوایی این استان نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش داشته است؛ چنانچه در حال حاضر ساعات کار آنها بیشتر شده و نانوایی‌های منتخب دوشیفته شده و تعطیلات بهداشتی این واحدها نیز به یک روز در ماه کاهش یافته است.

۴. در زمینه نظارت بر فعالیت واحدهای نانوایی برای استمرار پخت نیز بازرسی‌ها تشدید شده و به این منظور علاوه بر استفاده از مشارکت مردمی، ظرفیت سایر دستگاه‌های اجرائی نیز برای نظارت هرچه بهتر و بیشتر بر زنجیره گندم، آرد و نان مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به توضیحات فوق و انجام فعالیت‌های مذکور، در حال حاضر شاهد صف‌های نانوایی‌ها در استان آذربایجان غربی هستیم و مشکلی در زمینه تأمین آرد و نان این استان وجود ندارد.

نمایندگان با اشاره به احتمال استیضاح فاطمی امین، وزیر صمت مطرح کردند

ترمزی برای ماشین صنعتی دولت

مهم‌ترین خبر این روزهای فضای دولت و مجلس، طرح استیضاح سیدرضا فاطمی‌امین است که براساس اعلام هیئت‌رئیسه قرار است کمتر از یک هفته دیگر در صحن علنی مورد بررسی قرار بگیرد. استیضاحی که با توجه به سهم بالای این وزارتخانه در میزان رشد اقتصادی دولت سیزدهم، بیش از هر چیز روی حرکت کل تیم اقتصادی دولت سیزدهم اثر نامطلوب خواهد داشت.

گزاره‌ای که با انتشار آمار عملکردی بخش‌های مرتبط با این وزارتخانه مانند رشد ۵.۲ درصدی بخش صنعت، رشد پنج‌درصدی بخش معدن و رشد ۱۳درصدی صادرات غیرنفتی در شش‌ماهه نخست سال جاری تقویت می‌شود.

فارغ از اینکه در پنج سال گذشته وزارت صمت با شش وزیر و سرپرست در صدر جدول بی‌ثبات‌ترین مدیریت‌های کشور قرار داشته و به گفته کارشناسان مهم‌ترین معضل بخش‌های صنعتی، معدنی و تجاری کشور نیز در این سال‌ها همین نبود ثبات مدیران و نبود فرصت کافی برای اجرای برنامه‌ها و کلافه‌کردن فعالان اقتصادی کشور بوده است، به نظر می‌رسد زمان‌شناسی استیضاح‌کنندگان و نحوه اولویت‌بندی موضوعات اصلی کشور و شرایط خاص این روزها نیز از یک تحلیل و آنالیز سنجیده برخوردار نبوده است.

بسیاری از نمایندگان مجلس نیز مبتنی بر همین استدلال‌ها، استیضاح وزیر صمت را غیرمنصفانه، ناامیدکننده و مخرب حرکت دولت سیزدهم می‌دانند.

عضو کمیسیون آموزش مجلس:

استیضاح وزیر صمت با دلایل سطحی، دور از انصاف و عدالت است

مهرداد ویس‌کرمی معتقد است یکی از دغدغه‌های طراحان استیضاح وزیر صمت، مشکلات صنعت خودرو و معادن است؛ درحالی‌که مسئولیت صنعت کشور و تولید خودرو فقط متوجه وزارت صمت نیست؛ بلکه تحریم‌هایی که علیه کشور اعمال شده، دشواری‌های زیادی را در صنعت و خودرو ایجاد کرده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

وزیر صمت بازار سیمان و فولاد را از نابسامانی نجات داد

حجت‌الله فیروزی می‌گوید: اواخر دولت گذشته در حوزه تأمین سیمان وضعیت بسیار نابسامانی در کشور وجود داشت و با کمیاب‌شدن سیمان، قیمت آن هم به‌شدت افزایش یافت؛ اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم تولید سیمان افزایش پیدا کرد و قیمت آن هم برای مصرف‌کننده و تولیدکننده منطقی شد.

نایب‌رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

پاسخ‌های فاطمی‌امین به استیضاح‌کنندگان همواره قانع‌کننده بود/ مرکز پژوهش‌ها عملکرد وزارت صمت را تأیید کرد

علی جدی با بیان اینکه پاسخ‌های وزیر صمت به سؤالات استیضاح‌کنندگان براساس آمار و راستی‌آزمایی همواره قانع‌کننده بوده است، می‌گوید: مرکز پژوهش‌ها نیز در گزارشی عملکرد وزارت صمت را در حال رشد و پیشرفت اعلام کرده است.

عضو فراکسیون انقلاب مجلس:

استیضاح فاطمی‌امین سیاسی است/ وزیر صمت باج نمی‌دهد

حبیب‌الله دهمرده معتقد است استیضاح فاطمی‌امین سیاسی است و وزیر صمت رانت و باج به کسی نمی‌دهد و دنبال حاشیه نیست.

عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون اقتصادی:

هدف طراحان استیضاح فاطمی‌امین، تلنگر به دولت است/ به دنبال رأی عدم صلاحیت فاطمی‌امین نیستیم

غنی نظری‌خانقاه نماینده مردم خلخال و عضو کمیسیون اقتصادی که خود یکی از امضاکنندگان استیضاح بوده، می‌گوید: نمایندگان مجبورند به دلیل شرایط اشتغال در حوزه‌های انتخابیه خود به وزرا فشار بیاورند و هدف بنده به‌عنوان یکی از امضاکنندگان استیضاح تلنگر به دولت است و به دنبال این نیستیم که رأی به عدم صلاحیت فاطمی‌امین بدهیم.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس:

استیضاح وزیر صمت توجیهی ندارد/ برخی از روز رأی اعتماد، پای عزل فاطمی‌امین ایستادند

حجت‌الاسلام محمدتقی نقدعلی با تأکید بر اینکه تا امروز دلیلی قوی که بتواند استیضاح وزیر صنعت، معدن و تجارت را توجیه کند، از سوی استیضاح‌کنندگان ارائه نشده است، اظهار کرد: برخی از استیضاح‌کنندگان از روز اول مخالف وزیر صمت بودند و می‌گفتند پای عزل فاطمی‌امین ایستاده‌ایم.

نماینده مردم تهران در مجلس:

استیضاح وزرا به نفع دولت و کشور نیست

اقبال شاکردی می‌گوید: در شرایط کنونی تغییر وزرا را به نفع دولت و کشور نمی‌دانم؛ زیرا وزیر مربوطه به امور مسلط شده است. تا فرد جدیدی بیاید و به امور آشنا شود، عمر مجلس به اتمام رسیده و عمر دولت تلف می‌شود.

وزارت صمت ۲ هزار کارخانه تعطیل را احیا کرد/ فاطمی‌امین حیاط‌خلوتی برای خود قائل نیست

مجتبی یوسفی عنوان می‌کند: وزیری که به سمت شفافیت حرکت می‌کند، حیاط‌خلوتی برای خود قائل نیست؛ زیرا در اتاق شیشه‌ای کار می‌کند و به کسی رانت نمی‌دهد.

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

استیضاح فاطمی‌امین مشکلی را حل نمی‌کند/ باید برای مقابله با تحریم‌ها به وزیر صمت کمک کنیم

فداحسین مالکی معتقد است استیضاح فاطمی‌امین کمکی به حل مسائل حوزه صنعت، معدن و تجارت نمی‌کند و همه باید در این شرایط به وزارت صمت کمک کنند تا بتواند مشکلات حوزه صنایع و معادن کشور را حل کند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

استفاده از اهرم استیضاح در شرایط حساس کشور منطقی نیست/ مخالفان فاطمی‌امین مستندات قوی ندارند

جعفر قادری با بیان اینکه مستندات برای استیضاح وزیر صمت محکم نیست، گفت: در شرایطی که ضدانقلاب به دنبال ایجاد ناامنی در کشور است، منطقی نیست که مجلس با اهرم استیضاح با برخی از وزارتخانه‌ها برخورد کند.

عضو کمیسیون انرژی مجلس:

فاطمی‌امین، مورد تأیید رئیس‌جمهور است/ هشدار درمورد تبعات منفی استیضاح وزیر صمت

فریدون عباسی، فاطمی‌امین را مدیری مستقل و مورد تأیید رئیس‌جمهور می‌داند و نسبت به تبعات منفی استیضاح او هشدار می‌دهد.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس:

استیضاح وزیر صمت موجب ناامیدی مردم از مجلس می‌شود

حسین محمدصالحی، استیضاح وزیر صنعت، معدن و تجارت را عامل ایجاد رکود در صنایع کشور می‌داند و می‌گوید: طرح چنین مسائلی در مجلس منجر به ناامیدی مردم از نمایندگان خواهد شد.

رئیس مجمع نمایندگان شمال غرب کشور:

فاطمی‌امین مدیری شایسته است

حجت‌الاسلام محمدرضا میرتاج‌الدینی با بیان اینکه عده‌ای از نمایندگان از ابتدای دولت سیزدهم به دنبال استیضاح فاطمی‌امین بودند، گفت: وزارت صمت در چهار شاخص تولید، مدیریت بازار، صادرات و سرمایه‌گذاری رشد داشته است.

کمیسیون صنایع از عملکرد فاطمی‌امین رضایت دارد/ قطار حرکت دولت نباید با استیضاح متوقف شود

معصومه پاشایی با بیان اینکه نباید قطار حرکت دولت را با استیضاح متوقف کنیم، می‌گوید: کمیسیون صنایع و معادن عملکرد یک‌ساله فاطمی‌امین را با برنامه‌های ارائه‌شده از سوی او مطابقت داده و اعلام کرده است که عملکرد یک‌ساله وزیر صمت مطابق برنامه‌های ارائه‌شده بوده است.

پشتیبان
Pishkhan.com

شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

شناسه آگهی ۱۳۹۴۵۶۶

نوبت دوم

شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران به آدرس تهران، خیابان طالقانی، چهارراه مفتح، شماره ۲۰۰ در نظر دارد پروژه احداث شبکه مخابرات و اسکادای خط لوله هشتم سراسری و انشعابات مربوطه حدفاصل ابرکوه- پارچین را در مدت ۲۱ ماه و برآورد حدود پانصد و هشتاد و هشت میلیارد و چهارصد و نود و نه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال و یک میلیون و نهصد و پنجاه و هشت هزار و ششصد و شصت و دو یورو با توجه به موارد زیر به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

کلیه شرکت های متقاضی در مناقصه می‌بایست دارای پایه یک معتبر در رشته ارتباطات از سازمان برنامه و بودجه کشور و سایر موارد مندرج در متن بلند آگهی باشند.

- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir با کد فراخوان ۲۰۰۱۰۹۲۱۳۱۰۰۰۰۶۲ انجام خواهد پذیرفت.
- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ حدود (بیست و هشت میلیارد و سیصد و هشتاد و یک میلیون و ششصد و سی و سه هزار و نهصد و هشتاد و چهار) می‌باشد.
- مهلت دریافت (دانلود) اسناد استعلام ارزیابی کیفی جهت حضور در مناقصه ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ می‌باشد.
- اسناد مناقصه پس از انجام ارزیابی کیفی ، صرفاً توسط حائزین حداقل امتیاز لازمه از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) قابل دریافت می باشد .
- گشایش پاکت های مالی پس از بارگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد و انجام ارزیابی فنی و کسب امتیاز لازمه با حضور نماینده مناقصه گران در کمیسیون مناقصات انجام خواهد گردید.

علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن ۸۱۳۱۶۳۱۸ تماس و با ورود به درگاه اینترنتی WWW.NIGCENG.IR متن کامل آگهی را رویت نمایند.

((روابط عمومی شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران))

از وینستون چرچیل به لیز تراس و ریشی سوناک

افول سیاست بریتانیایی

اگر از سیاست داخلی بریتانیا بگذریم، این کشور هرگز تا این اندازه در وضعیتی نگران‌کننده و متشنج قرار نداشته است. از مارگارت تاچر و تونی بلر که بگذریم تعداد کمی از رهبران بریتانیای پس از جنگ الهام‌بخش بوده‌اند یا سایرین را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بهترین‌های بریتانیا این روزها از سیاست دوری می‌کنند. اولین نخست‌وزیر ملکه الیزابت دوم، «وینستون چرچیل» بود و آخرین نخست‌وزیر او «لیز تراس». این روندی نیست که اکثر افراد به آن پیشرفت بگویند. ناکامی‌های زنجیره‌ای چهار نخست‌وزیر اخیر محافظه‌کار دیوید کامرون، ترزا می، بوریس جانسون و لیز تراس باعث تمسخر این حزب شده است، حزبی که زمانی موفق‌ترین حزب سیاسی در جهان غرب بود. از سوی دیگر، حزب کارگر بریتانیا خوشبختانه خود را از قید کوربینیسم رها کرده، اما پس از ۱۲ سال به‌سربردن در عرصه‌ای رام‌نشده و بی‌ثبات، ظرفیت آن حزب برای حکمرانی کماکان مورد تردید است. حزب کارگر در محک آزمون قرار نگرفته و پس از برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا) دچار اختلاف‌نظر داخلی شده است. با وجود این، حزب کارگر در موقعیت بهتری برای پیروزی در انتخابات سراسری بعدی قرار دارد تا در جایگاهی برای ارائه رهبری منسجم در برهه‌های زمانی دشوار قرار گیرد.

والتر راسل مید، پژوهشگر اندیشکده هادسون و بنیان‌گذار اندیشکده «بنیاد آمریکای جدید» در وال‌استریت ژورنال نوشت:آسان است که درباره افول بریتانیا مبالغه کنیم. این کشور ممکن است از نظر اقتصادی در حال دست و پنجه نرم‌کردن با مشکلات متعدد و از نظر سیاسی شکست‌خورده باشد، اما فراتر از دالان‌های پارلمان، بریتانیا کماکان پابرجا ایستاده است. از نظر فرهنگی، از بیتلز و رولینگ استونز تا «هابیت» و دنیای «ارباب حلقه»ها، بریتانیای دوران الیزابت دوم بسیار بیشتر از وزن خود ظاهر شد. دانشگاه‌ها و عرصه علمی بریتانیا هم کماکان در صدر رتبه‌بندی‌های جهانی قرار دارند.

صنعت مالی بریتانیا پس از شوک‌های جنگ جهانی دوم بهبود یافت و به عنوان مبتکر پیشرو در پیچیده‌ترین و یکپارچه‌ترین بازارهای مالی تاریخ ظاهر شد. آثار و مقالات نویسندگان و روزنامه‌نگاران بریتانیایی در سراسر جهان خوانده می‌شوند. سلطنت بریتانیا جایگاه منحصربه‌فردی در تصورات جهانی دارد. دوستداران فوتبال در همه نقاط جهان تیم‌های فوتبال بریتانیایی را دنبال می‌کنند و از انتشار نسخه‌های تازه «هری پاتر» و «جیمزباند» هیجان‌زده می‌شوند و مشتاقانه سریال «دانتون ابی» را دنبال می‌کنند. شاید در خارق‌العاده‌ترین پیشرفت، سرآشپزهای بریتانیایی و شوهای پخت نان بریتانیا موفقیت بین‌المللی پیدا کرده‌اند.

بریتانیا شکست نمی‌خورد، اما سیاست‌مداران و دیپلمات‌های آن به وضوح شکست می‌خورند. با وجود تمام پویایی کارآفرینان، بانکداران، هنرمندان و دانشگاهیان بریتانیایی، آن کشور به طور پیوسته جایگاه خود را در برابر رقبای اقتصادی اروپایی و آسیایی از دست داده است. بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تولید ناخالص داخلی سرانه بریتانیا در سال ۲۰۲۱ با توجه به قدرت خرید از آلمان، فرانسه و ایرلند عقب‌تر بود و کمی پایین‌تر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قرار داشت.

افول اقتصادی ملایم و کاهش قدرت و نفوذ بین‌المللی ممکن است آن چیزی نباشد که اکثر بریتانیایی‌ها بخواهند، اما این نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر سیاست‌هایی است که آنان ترجیح داده‌اند در پیش بگیرند. این‌عدم تطابق بین جاه‌طلبی‌های بین‌المللی بریتانیا و ترجیحات سیاست داخلی آن کشور از زمانی که دولت کارگر به نخست‌وزیری «کلمنت آتلی» (او به مدت شش سال از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۱ میلادی نخست‌وزیر بریتانیا بود) تغییرات سوسیالیستی عمده‌ای را در اقتصاد بریتانیا ایجاد کرد و در عین حال تلاش کرد بریتانیا را به عنوان یک قدرت جهانی حفظ کند، آن کشور را آزار می‌دهد.

سال‌های نخست‌وزیری «مارگارت تاچر» نه یک نقطه عطف بلکه یک استثنا بود. اقلیتی از محافظه‌کاران بریتانیایی که دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی تاچر را پذیرفته‌اند به اندازه کافی قوی نیستند که بتوانند حزب خود را کنترل کنند، چه رسد به اینکه سیاست‌های خود را بر جامعه‌ای بدبین تحمیل کنند.

برگزیت باعث تشدید این وضعیت دشوار شد. خروج از اتحادیه اروپا تنها در صورتی می‌تواند کارساز باشد که بریتانیا به نسخه حتی رادیکال‌تر سیاست‌های بازار آزاد تاچر بازگردد و به کشوری تبدیل شود که طرفداران چنین نسخه‌ای آن را «سنگاپور بر روی رودخانه تیمز» می‌نامند: اقتصادی مقررات‌زدایی‌شده و رهاشده از محدودیت‌ها و سیاست‌های سختگیرانه اتحادیه اروپا.

اما این آن چیزی نبود که اکثر رأی‌دهندگان به برگزیت می‌خواستند. برای بسیاری از رأی‌دهندگان حزب محافظه‌کار و حزب کارگر رأی به برگزیت رأی علیه تغییر بود. آنان خواستار مهاجرپذیری کمتر، توسعه و اختلال کمتر در حومه‌های انگلیسی و کنترل کمتر بوروکرات‌های رسمی اتحادیه اروپا و نخبگان شهری لندن بر زندگی بریتانیایی‌ها بودند. آنان هابیت‌هایی بودند که به حفظ «شایر» رأی می‌دادند، نه رادیکال‌هایی که به تغییر ریشه و شاخه آن رأی داده باشند.

با سقوط نخست‌وزیری تراس، هابیت‌ها قاطعانه بر تاچری‌ها پیروز شدند. این احتمالا به معنای تغییر جهت از «برگزیت سخت» است که بوریس جانسون برای آن مبارزه می‌کرد و تغییر جهت آن کشور به شکلی نرم‌تر از بریتانیا خواهد بود که در آن بریتانیا در ازای دسترسی بیشتر به بازار اروپا با مقررات اتحادیه اروپا هماهنگ‌تر می‌شود. این مسیر مناسبی برای احیای اقتصادی یا دیپلماتیک نیست. با وجود این در انتظار یک بحث طولانی و دردناک بر سر یک بازگشت احتمالی به اتحادیه اروپا به نظر می‌رسد رأی‌دهندگان بریتانیایی این مسیر را انتخاب کرده‌اند. این بن‌بست اساسی در زندگی بریتانیا با کاهش طولانی‌مدت کیفیت رهبری سیاسی بریتانیا همراه بوده است. به نظر می‌رسد کشوری که زمانی مجموعه‌ای از ستاره‌های سیاسی را تولید می‌کرد محکوم به تحمل چهره‌های متوسط شده است. از «مارگارت تاچر» و «تونی بلر» که بگذریم تعداد کمی از رهبران بریتانیای پس از جنگ الهام‌بخش بوده‌اند یا سایرین را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بهترین‌های بریتانیا این روزها از سیاست دوری می‌کنند.

شاید مشکل این باشد که پاداش برعهده‌داشتن یک حرفه سیاسی در بریتانیا با کاهش نقش آن کشور در جهان کم‌رنگ شده است، درحالی‌که فرصت‌ها در تجارت، فرهنگ و ورزش به همان اندازه درخشان هستند که در اوج عصر ویکتوریا بود. بانکداران، موسیقی‌دانان، کارآفرینان و ستارگان فوتبال بریتانیا می‌توانند به اندازه پیشینیان ویکتوریایی خود ثروتمند شوند و در سطح جهانی مورد تحسین قرار گیرند در حالی که سیاست‌مداران بریتانیایی دائم‌الخمر بر سر قراضه‌های باقی‌مانده از سایه عظمت ناپدیدشده آن کشور در حال تقلا هستند.

۶۰ سال پیش، دین آچسون (وزیر امور خارجه آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری هری ترومن که نقشی محوری در تعریف سیاست خارجی آمریکا در دوران آغازین جنگ سرد و در شکل‌گیری طرح مارشال، دکترین ترومن و ایجاد ناتو داشت) مشاهده کرد که بریتانیا یک امپراتوری را از دست داده، اما هنوز نقشی پیدا نکرده است. جست‌وجوی طولانی‌مدت بریتانیا برای یافتن نقش کماکان ادامه دارد و «ریشی سوناک» برای ملاقات خود با چارلز سوم پادشاه بریتانیا آماده می‌شود.

رقابت بر سر وزارتخانه‌های امنیتی، مانع بزرگ تشکیل دولت عراق

پس از آنکه محمد شیاع السودانی مأمور تشکیل دولت جدید عراق شد، گروه‌های سیاسی این کشور که تازه از رقابت بر سر تعیین نخست‌وزیر و رئیس‌جمهوری فارغ شده بودند، به مرحله جدیدی از رقابت و کشمکش وارد شدند تا وزارتخانه‌های کلیدی و نهادهای امنیتی مهم را به کنترل خود درآورند. این کشمکش که پیوسته در حال افزایش است، تلاش‌های محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر در حال تشکیل دولت را با چالش روبه‌رو کرده است و اگر وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند، تشکیل کابینه برای مدت طولانی به درازا خواهد کشید؛ به‌ویژه اینکه همه گروه‌ها به وزارت نفت، اقتصاد، دفاع و امور خارجه چشم دوخته‌اند. براساس گزارش روزنامه الشرق‌الاوسط، محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق، به دلیل اصرار جناح‌های شیعه برای دراختیارگرفتن سکان هدایت سازمان‌های عمده امنیتی عراق، در تکمیل کابینه خود با مشکلات بسیاری مواجه است. از سوی دیگر و در حالی که کشمکش بر سر نهادهای امنیتی شدت گرفته، نوری المالکی، نخست‌وزیر پیشین عراق، مذاکراتی را رهبری می‌کند که هدف از آن، ایجاد تغییر در ساختار رهبری نظامی عراق پس از تشکیل دولت جدید است. در همین حال، ائتلاف چارچوب هماهنگی در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد که با محمد شیاع السودانی درباره راه‌های همکاری برای انتخاب اعضای کابینه براساس سازوکارها و مقرراتی که دولت قوی و پایداری ایجاد می‌کند، گفت‌وگو کرده است. در حالی که السودانی با اصرار بی‌سابقه گروه‌های شیعه برای دراختیارگرفتن نهادهای امنیتی مواجه است، بیم آن می‌رود که مذاکراتش با جناح‌های سیاسی شکست بخورد و نتواند به زمان‌بندی اعلام‌شده برای جلسه رأی اعتماد پایبند باشد یا با کابینه‌ای ناقص به مجلس برود. با این حال، السودانی در بیانیه مطبوعاتی اخیر خود گفت که «یک کمیته تخصصی شامل گروهی از مشاوران در حال گفت‌وگو و رایزنی با نامزدهای جناح‌های سیاسی برای توزیع پست‌های وزارتی است» و اسامی نامزدهای نهایی پس از پایان کار این کمیته اعلام خواهد شد. به گفته منابع آگاه عراقی، جنبش حقوق، وابسته به کتائب حزب‌الله عراق، با جنبش عصائب اهل‌حق، به رهبری قیس خزعلی، بر سر تصدی رهبری سازمان اطلاعات عراق رقابت می‌کند. از سوی دیگر، در حالی که فالح فیاض در حال مذاکره برای تصدی سمت وزارت کشور است، گردان‌های امام علی در تلاش‌اند ریاست حشدالشعبی را به دست آورند. به گفته منابع یادشده، رقابت بین فالح فیاض و دو نفر از رهبران ائتلاف چارچوب هماهنگی بر سر تصدی سمت وزارت کشور همچنان ادامه دارد. افزون بر این، السودانی با گرایش‌های حزبی مواجه است که با اصل آزادی انتخاب اعضای کابینه که چارچوب هماهنگی به او داده، در تضاد است. از سوی دیگر، یک منبع عراقی به الشرق‌الاوسط گفت: «برخی از جناح‌های شیعه به السودانی پیشنهاد داده‌اند در ازای تصدی ریاست سازمان اطلاعات عراق، از سهمیه خود در دولت جدید صرف‌نظر کنند و مطرح‌شدن این پیشنهاد نگرانی بخشی از گروه‌های ائتلاف چارچوب هماهنگی را برانگیخته است». در همین حال، تعدادی از رهبران گروه‌های شیعه ابراز نگرانی می‌کنند که در بحبوحه رقابت بر سر توزیع وزارتخانه‌های کلیدی، ممکن است روابط محمد شیاع السودانی با نوری المالکی به سردی گراید و بین دو طرف تنش ایجاد شود؛ به ویژه اینکه المالکی در تلاش برای احیای نفوذ و قدرتش در دولت است، در حالی که السودانی مخالف رفتار انحصاری است و می‌کوشد کابینه‌ای تشکیل دهد که مورد پذیرش جناح‌های مختلف باشد و رأی اعتماد مجلس را به دست آورد. السودانی نامزد بزرگ‌ترین «بلوک پارلمانی» وابسته به «ائتلاف چارچوب هماهنگی» است که شماری از نیروهای احزاب معترض به نتایج انتخابات اخیر مجلس، از جمله گروهی از فراکسیون‌های مخالف را دربر می‌گیرد و «جریان صدر» هم به رهبری مقتدی صدر، در سوی دیگر است. اختلاف و ناسازگاری‌های موجود میان این دو جریان سیاسی رقیب، در ماه‌های گذشته به درگیری‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه انجامید و در نتیجه این درگیری، شماری از هواداران دو طرف کشته و زخمی شدند. با این حال، عمده‌ترین پرونده‌ای که السودانی تصمیم دارد مأموریت خود را با آن آغاز کند، رسیدگی به فساد گسترده در کشور است. پس از آنکه چندی پیش، هواداران مقتدی صدر ساختمان مجلس را در منطقه سبز بغداد چند روز محاصره کردند، مقتدی صدر نمایندگان ائتلاف صدر را به کناره‌گیری از مجلس فراخواند. از سوی دیگر، به دنبال انتصاب محمد شیاع السودانی در جایگاه نخست‌وزیر جدید عراق، محمدصالح العراقی، چهره نزدیک به مقتدی صدر، از قول مقتدی صدر نوشت او دولتی را که دارد تشکیل می‌شود، «وابسته به شبه‌نظامیان» توصیف کرده است. العراقی که به «وزیر صدر» شهرت یافته است، به طرفداران و سیاست‌مداران نزدیک به جریان صدر هشدار جدی داد که مبادا در دولت جدید سمت و منصبی بگیرند. او افزود: «هرکس نافرمانی کند و به‌ناحق در وزارتخانه‌های دولت آینده شرکت کند، از این جریان نخواهد بود و ما تا روز قیامت از او اعلام برائت می‌کنیم». جای تعجب نیست که مقتدی صدر در برابر دولت جدید عراق چنین موضع خصمانه‌ای اتخاذ کند، زیرا بین جریان صدر و چارچوب هماهنگی، بی‌اعتمادی و رقابت شدیدی برای انحصار دولت و نهادهای آن وجود دارد. هر دو گروه می‌کوشند قانون اساسی را همچون ابزاری برای سرکوب و به‌حاشیه‌راندن طرف دیگر و تقویت جایگاه خود به کار بگیرند.

ادامه از صفحه اول

مهاجرت، گریزگاه پزشکان

پرسش من انگار به‌راحتی در فضای داروخانه معلق ماند. چند نفر در آن داروخانه شلوغ مرا نگریستند. بیمار بودند یا همراهان بیمار... پزشک در جامعه ما از دیرباز جایگاه والایی داشته است. هرچند در سال‌های اخیر، عده‌ای با حرف‌های مفت خواسته‌اند نقش بی‌بدیل پزشکان را در ارتقای سلامت مردمان و بالابردن کیفیت درمان در کشور به‌ویژه در دوران کرونا کم‌اثر کنند. اما حضور حیاتی کادر درمان و بهداشت در سه ساله اخیر به‌ویژه در مقابله با ویروس کرونا و ازدست‌رفتن معصومانه پزشکان و پرستاران و کادر درمانی لایق و فداکار در مقابله با این بیماری، بیانگر آن است که این گروه متخصص با وجود همه نارسایی‌ها در صف اول و مقدم، حافظ جامعه تندرست و سالم و پیشرو هستند. بدون تردید، مهاجرت پزشکان بزرگ‌ترین ضربات را به ساختار زیربنایی جامعه می‌زند، زیرا سلامت و تندرستی افراد از اصول اولیه دستیابی به توسعه پایدار به شمار می‌آید. بررسی علل و عوامل مهاجرت پزشکان، آن‌هم متخصصانی که حضورشان، تضمین‌کننده زندگی روبه‌پیشرفت همه اعم از پیر، جوان و... است، در واقع حرکتی اصولی برای ازمیان‌برداشتن اشکالات موجود است. هرچند مشکلات و موانع اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و... برای همه گروه‌ها و قشرهای جمعیتی در جامعه یکسان به نظر می‌رسد، اما باید گفت پزشکان به عنوان گروه و قشر متخصصی که ابزارهای کارشان باید متناسب با علم، پزشکی و فناوری نوین تغییر کند نیاز به شرایطی دارند که «حیات» بهتر را برای آنان تضمین کند. باید گفت فقط رفاه کامل برای آنان کافی نیست. آنان به‌طور مداوم باید دانش، علم و آگاهی‌های خود را «روزآمد» کنند. آنان در همه حال با تازه‌های پزشکی باید آشناتر شوند و این امر در دانشگاه‌های علوم پزشکی داخلی شاید امکان‌پذیر نباشد. آنان شرایطی را می‌خواهند که علاوه بر بالابردن دانش و آگاهی‌های تخصصی «روزآمد» خود بتوانند از این دانش در جایگاه لازم استفاده کنند. هم‌اکنون بخش مهمی از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور فاقد جدیدترین امکانات پزشکی برای درمان بیماران هستند. اگر سری به بیمارستان‌های مختلف در گوشه و کنار کشور بزنید از ساده‌ترین امکانات درمانی در بیمارستان‌ها یعنی نبود «تخت» به تعداد کافی حیرت می‌کنید. امکانات و تجهیزات بسیار فقیرانه و ابتدایی در مراکز درمانی و بیمارستان‌های کشور، پزشکان متخصص را دلزده می‌کند. آنان قطعا با این امکانات اندک و نبود تجهیزات یا گرانی بیش از حد آنها، نه‌تنها قادر نیستند معجزه‌ای انجام بدهند بلکه در درمان بیماران بازمی‌مانند. علاوه بر آن بخشی از پزشکان باید امکان پژوهش‌های علمی و تخصصی پزشکی را در حد عالی داشته باشند و با شرکت در سمینارها و کنگره‌های علمی و ارائه تحقیقات خود در این کنگره‌ها، راهگشای وضعیت بهتر علمی پزشکی در داخل کشور باشند. حضور متخصصان و دانشمندان علوم پزشکی کشورهای پیشرفته در داخل کشور و شرکت پزشکان ایرانی در سمینارهای علمی که توسط استادان خارجی برگزار می‌شود، از جمله نیازهای ضروری پزشکان متخصص ایرانی است. در کشور ما این قبیل کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی خیلی کم برگزار می‌شود و در مواردی هم برگزار نمی‌شود.

بدیهی است تسلط به علم پزشکی یک تخصص مهم جهانی است و پزشکان بااستعداد و فرهیخته‌ای که مدارج عالی دانش پزشکی را طی کرده‌اند قطعا در همه‌جای دنیا ازجمله ممالک توسعه‌یافته جایگاه ویژه‌ای دارند که به این مرتبه در کشور خود نمی‌رسند و دست نمی‌یابند. فراهم‌کردن زندگی و رفاه بهتر برای خود و خانواده و فرزندان از دیگر شاخص‌هایی است که موجب گرایش زیاد پزشکان به مهاجرت می‌شود و... .

همه این موارد گفته شد اما چقدر غمگنانه است که بگوییم تکلیف هزاران بیماری که صدای «آوار درد» آنان در فضای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور پیچیده است، چه می‌شود؟ بیهوده و نادرست نیست که بگوییم: بسیاری از بیماران به دست‌های مسیحایی «اهداکنندگان» سلامت و تندرستی نیاز دارند. پزشکان عزیز! آنان را بنا بر سوگندنامه «بقراط» دریابیم... .

جلسه مجمع فوق العاده موسسه راهیان پگاه نور

موضوع جلسه:رفع اختلاف و تصمیم گیری برای ورود و خروج اعضا موسس موسسه بر طبق اساسنامه

تاریخ و زمان:تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ ساعت ۱۰ صبح

آدرس مرکز اصلی موسسه راهیان پگاه نور: استان تهران،شهرستان تهران، بخش مرکزی شهر تهران محله انقلاب معبر ما قبل آخر خیابان حقوقی معبر آخر خیابان انقلاب اسلامی پلاک ۲۰۳ طبقه دوم واحد شمال غربی کد پستی ۱۶۱۱۹۹۸۴۱۴

عدم حضور شما وجاهت فرهنگی شما رو مخدوش می نماید.

مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره – علی خواجه افضلی

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۹۰۷۸۰۰۶۱۹۱ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **علی پاداش** به شناسنامه شماره ۱۰۶۹ کدملی ۶۰۶۹۷۲۱۰۳۹ صادره عنبرآباد فرزند احمد در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۴۳/۷ مترمربع پلاک شماره ۱۷۰۱۵ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۹۹ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان آدرس کرمان شهرک صنعتی تور طناب شهرک حجتیه سمت راست نبش کوچه خریداری از مالک رسمی خانم **کتایون دخت سروشیان** محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۳۹۰۶۵۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

محمودمهدی زاده رییس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲کرمان

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب الهه قیاسی رغیبی نجار** فرزند حسین به شماره شناسنامه ۰۰۱۰۲۵۸۲۶۴ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته مدیریت بازرگانی - بازاریابی صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی (ره) با شماره ۱۸۰۰۱۳۹۰۰۸۱۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد . از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) ارسال نماید .

مدرک گواهینامه موقت پایان تحصیلات **اینجانب مینا سلیمانی** فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۸۹۵ صادره از گلپایگان در مقطع کارشناسی رشته مهندسی تکنولوژی نرم افزار کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کمیجان به شماره ثبت ۰۵/۳۱/۱/۴۲۰ به تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۱ صادر گردیده است.فاقد اعتبار میباشد.لذا از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کمیجان به نشانی ذیل ارسال نماید.آدرس :کمیجان ،میدان دانشگاه ،بلوار دانشجو،دانشگاه آزاد اسلامی کمیجان کد پستی: ۳۸۵۱۹-۸۷۸۸ معاونت دانشجویی و فرهنگی -اداره امور فارغ التحصیلان

کارت **خودروپژو206TU5A** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ایران ۴۴ - ۲۴۲ ن ۳۳ و شماره موتور ۱۵۲۹۱۰۰۰۴۵۴ و شماره شاسی NAAP23FG0CJ174234 به نام **علی مهدیان تبریزی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی **موتورسیکلت** مربوط به شرکت دینو موتور با مشخصات ذیل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد:
موتور سیکلت کاوان پلاس رنگ زرد مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۴۹۸۴۶/۱۴۴ با شماره موتور ۰۰۰۶۴۲ و شماره شاسی ۰۰۸۱۲

برگ سبز **خودروساپیاکوئیک** رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۳۸ - ۱۴۷ و ۵۷ و شماره موتور M15/9679056 و شماره شاسی NAS841100N1139007 به نام **علی نجاتی دالنجان ترکیه** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی **خودرومیتسوبیشی MIRAGE** رنگ سفید صدفی متالیک مدل ۲۰۱۸ به شماره پلاک ایران ۴۴ - ۹۷۵ د ۱۴ و شماره موتور 3A92UGH9960 و شماره شاسی MMCXTA03AJH000867 به نام **بهروز وحدت** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مهاجرت، نفت و سایر مصیبت‌ها

آنچه در سپهر سیاسی و اقتصادی ایران می‌گذرد، تأثیر مستقیمی روی نرخ مهاجرت در ایران دارد. ایران همیشه کشوری مهاجرفرست به حساب می‌آمده اما نرخ مهاجرت در سال‌های مختلف با هم تفاوت داشته است. نگاهی به آمارهای رصدخانه ملی مهاجرت نشان می‌دهد که نرخ مهاجرت با شرایط اقتصادی ایران رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. هرگاه وضعیت اقتصادی در ایران وضعیت بحرانی به خود گرفت مهاجرت در ایران افزایش پیدا کرد.

اگرچه روی نمودارها مقاطعی از سال‌های گذشته در ۴۰ سال اخیر را با قله‌های مهاجرتی مواجه هستیم اما در چند سال اخیر به دلیل تداوم شرایط نامناسب اقتصادی و همچنین برخی رخدادهای سیاسی و اجتماعی با دوره‌ای طولانی از مهاجرت‌های گسترده مواجه شده‌ایم. مهاجرت گسترده نیروهای متخصص ایرانی تاثیر زیادی روی اقتصاد ایران گذاشته است. برخی کارشناسان معتقدند این مسئله موجب شده که وابستگی اقتصادی ایران به نفت افزایش یابد. علاوه بر این ازدست‌دادن نیروی انسانی درحال‌حاضر به معضلی برای بسیاری از شرکت‌های ایرانی تبدیل شده است.

زیان ناشی از مهاجرت نیروی انسانی از تحریم بیشتر است

این روزها شرکت‌های زیادی به دنبال استخدام و نگهداشت یک نیروی کارآمد هستند. بزرگ‌ترین مشکل شرکت‌ها نگهداری نیروهایی است که استخدام می‌کنند. این مسئله در فضای استارتابی ایران رنگ‌وبویی جدی‌تر دارد. در برخی از شرکت‌ها طول عمر نگهداشت نیرو به کمتر از یک سال رسیده است. این نیروها به محض حضور در شرکت و نمایش توانایی‌های‌شان آن را ترک می‌کنند و مقصد بیشترشان هم فضای کار خارج از ایران است.

این مسئله موجب شده که کمبود نیروی انسانی به فضای کار ایرانی ضربه بزرگی وارد کند. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران می‌گوید: زیان ناشی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها استفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هستیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند. وی گفت: به‌هرحال اگر تا چندی پیش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هستند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشتباه بوده است. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از فقت و دستیابی به اقتصادی بدون وابستگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار است جایگزین نفت شود. وقتی نیروهای انسانی به‌درستی حفظ نشوند. طبیعی است وابستگی ما به نفت نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دستخوش افزایش نیز خواهد شد و این خطر بزرگی برای آینده ایران است. به گفته وی بدون حضور نیروی انسانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسانی نیست. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

افزایش مهاجرت وابستگی به نفت را افزایش می‌دهد

مسئله مهاجرت‌های گسترده فقط در حوزه نیروی انسانی محدود نمی‌شود. زیان ناشی از رفتن این متخصصان عرصه‌های مختلفی را هدف قرار داده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در این زمینه می‌گوید: بخش مهمی از افزایش انگیزه برای مهاجرت به ابهاماتی برمی‌گردد که در آینده اقتصاد ایران وجود دارد. مرتضی افقه درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها استفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هستیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند.

وی گفت: به‌هرحال اگر تا چندی پیش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هستند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشتباه بوده است. افقه گفت: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این تصویر، ناشی از ابهام در آینده اقتصادی کشور است، بحث دیگر هم فشار فرهنگی و اجتماعی دولت جدید بر مردم است. این استاد اقتصاد دانشگاه اضافه کرد: شاید صاحبان شرکت‌ها عمدتا با دلیل اقتصادی از ایران مهاجرت کنند اما باید بپذیریم بخش قابل‌توجهی از نخبگان و جوانان، به دلیل فشار و تنگ‌نظری مهاجرت می‌کنند. وی گفت: امروز جو کشوری لازم است خود را برای توسعه مهیا کند، چون اقتصاد عرصه جدید قدرت است و کشورهایی که حرفی برای گفتن دارند، قدرت اقتصادی لازم را باید داشته باشند. در چنین فضایی چطور می‌توان انتظار داشت که ایران بدون وجود اهل فن، صاحبان حرفه، نخبگان و... به توسعه دست یابد. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دستیابی به اقتصادی بدون وابستگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار است جایگزین نفت شود، وقتی نیروهای انسانی به‌درستی حفظ نشوند، طبیعی است وابستگی ما به نفت نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دستخوش افزایش نیز خواهد شد و این خطر بزرگی برای آینده ایران است. به گفته وی بدون حضور نیروی انسانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسانی نیست. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

وی با اشاره به روش‌هایی مانند افزایش میزان وثیقه برای خروج دانشجویان پزشکی و ... گفت: این روش‌ها مضحک و خنده‌دار است. در دوره‌ای که در خارج از کشور، تحصیل می‌کردم، بسیاری از افراد وثایق را به دارآمدی که در خارج داشتند، آزاد کردند. افقه ادامه داد: این روش ساده‌لوحانه است که فکر کند با افزایش وثیقه می‌توان جلوی مهاجرت نخبگان را گرفت. وقتی افرادی تصمیم می‌گیرند کشورشان را با همه تعلقات ترک کنند، به معنی آن است که واقعا دیگر امکان ادامه زندگی به لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را ندارند. وی گفت: نه فقط این وثایق که وثایقی بالاتر از این هم بازدارنده نیست و باید ریشه‌های خروج و مهاجرت نخبگان، فعالان اقتصادی، صاحبان حرفه و تخصص و... برطرف شود.

او گفت: زیان ناشی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

ریشه‌های مهاجرت

مهدی بازروکی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی نیز در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره ریشه‌های افزایش تمایل به مهاجرت از ایران گفت: متاسفانه سیاست‌های دولت کارایی چندانی را ندارد و ما شاهد نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

وی گفت: این روش‌ها مضحک و خنده‌دار است. در دوره‌ای که در خارج از کشور، تحصیل می‌کردم، بسیاری از افراد وثایق را به دارآمدی که در خارج داشتند، آزاد کردند. افقه ادامه داد: این روش ساده‌لوحانه است که فکر کند با افزایش وثیقه می‌توان جلوی مهاجرت نخبگان را گرفت. وقتی افرادی تصمیم می‌گیرند کشورشان را با همه تعلقات ترک کنند، به معنی آن است که واقعا دیگر امکان ادامه زندگی به لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را ندارند. وی گفت: نه فقط این وثایق که وثایقی بالاتر از این هم بازدارنده نیست و باید ریشه‌های خروج و مهاجرت نخبگان، فعالان اقتصادی، صاحبان حرفه و تخصص و... برطرف شود.

او گفت: زیان ناشی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

یکی از نادالاته‌ترین تصمیمات در همین دولت گرفته شده است. دو کارمند بازنشسته در یک سازمان وجود دارند. یکی بیمه تامین اجتماعی است، به همین دلیل هفت درصد از حقوقش کسر می‌شود و دیگری که استخدام رسمی است با کسر ۱۱ درصد حقوقش روبه‌رو است. وی ادامه داد: از سوی دیگر حقوق کسی که بیمه تامین اجتماعی است، ۳۸ درصد به اضافه ۵۵۰ هزار تومان زیاد شده و حقوق آن که استخدام بوده، ۱۰ درصد افزایش یافته است. این درک درستی از اقتصاد نیست. وی گفت: همه حرف ما این بود که دولت محترم قضایی را برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور مهیا کند نه اینکه سیاست‌ها به‌گونه‌ای باشد که افراد داخل ایران نیز میل به مهاجرت داشته باشند.

گفت‌وگو با بهرام صلواتی، رئیس رصدخانه ملی مهاجرت ایران:

با مهاجرت توده‌وار مواجهیم

در سال ۱۴۰۲ احتمالا یکی از شدیدترین و وخیم‌ترین موج‌های مهاجرت را فقط در بحث فرار مغزها خواهیم داشت

فرانک جواهری، هدی هاشمی: دیگر فقط صحبت از مهاجرت نخبگان نیست. حالا مهاجرت شکل دیگری به خود گرفته است و ما شاهد مهاجرت ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، استادان، معلمان و کارگران در صنف‌های مختلف هستیم که به‌اصطلاح به آن مهاجرت «توده‌وار» می‌گویند. در این سال‌ها آنهایی که پول، سواد و تجربه داشتند، به بهانه کار و تحصیل کشور را ترک کردند و آنهایی که نه پول آن‌چنان داشتند و نه تحصیلات بالایی راه‌های برخطر دیگری را انتخاب کردند تا از طریق آن بلکه بتوانند پناهندگی بگیرند؛ مهاجرتی که به گفته آنهایی که رفتند بسیار هزینه بر و دردناک است. اما برای برخی‌ها راه‌حلی برای ادامه زندگی شده است. بهرام صلواتی، رئیس رصدخانه مهاجرت ایران به کیس‌های پناهندگی و پناه‌جویی این اشاره می‌کند و می‌گوید: «معمولا سازمان ملل گزارش‌هایی درباره افراد کمشده منتشر می‌کند اما عدد واقعی چندبرابر آن است. سالانه ۳۰-۲۰ هزار نفر گم می‌شوند و از سرنوشت آنها خبری نیست. چون افراد از مسیرهای غیرقانونی می‌روند. مدارک شناسایی خود را از بین می‌برند. تراژیک‌تر مسیر و کانال‌های مهاجرتی. مهاجرت اجباری پناه‌جویی کمتر حرف می‌شنویم. این در حالی است که آمارهای این نوع مهاجرت ایران بالاست. اگر سالی ۵۰ هزار ویزا برای ایرانیان صادر شود، ۳۰ هزار نفرشان درخواست پناه‌جویی هستند. ۱۰ تا ۱۵ هزار متقاضی ویزای تحصیلی و یک هزار نفر متقاضی ویزای کاری هستند. این آمار البته برای دو سال گذشته بود.

مسیر مهاجرت پناه‌جویی، بسیار برخطر است اما برخی از ایرانیان حاضرند بقیه بسیاری برای این مسیر خطرناک پرداخت کنند. توضیح دهید که در این مسیر چه اتفاقی برای پناه‌جویی افتاد و چه مسیرهایی را انتخاب می‌کنند؟

درباره اهمیت شبکه اطلاعاتی مهاجرتی صحبت کردیم و نقش آن را در مهاجرت عام توضیح دادم. این شبکه‌ها در بسیاری از کشورها شکل‌دهنده جریان مهاجرتی هستند. زمینه‌های بسیار یکنواخت و مشابه دارند. اما مطالعات جدانی انجام نشده است. برای مثال در اقلیم کردستان و آذربایجان غربی افرادی هستند که به شکل تاریخی از کشور آنها یا یونان سرازیر شده و درواقع فرصت‌های هوشمند، آزادانه و امن و براساس احترام و اعتماد متقابل می‌خواهند. ما در دانشگاه شریف فقط از قسمت تحصیص‌ال را می‌خواهیم که در خدمت جامعه یا اقتصاد کشور باشد؛ اما اینترنت را قطع می‌کنیم، بعد می‌گوییم نمبا بوو سر کلاس درست را بخوان و به اقتصاد کشور کمک کن! این نگاه ابزاری، فیزیکی و مکانیکی به تحلیل و سرمایه‌های انسانی باید کنار گذاشته شود. ما باید سرمایه‌های انسانی را محترم بشماریم و به آنها وجاهت بدهیم. آنها قطعا به جایی که روبنان سرمایه‌گذاری کرده، کمک می‌کنند و خیلی از مسائل حل می‌شود. حتی مشکلات دیپلماتیک را به نوعی، با هم رفع خواهیم کرد.

آیا خروج استادان دانشگاه، دانشجویان نخبه دانشگاه‌های برتر و پزشکان و کادر درمان افزایش پیدا کرده است؟

اگر شاخص‌های جهانی را کنار بگذاریم، در کل مهاجرت در دنیا افزایش یافته و علت اصلی افزایش فرصت‌هاست. جایی که دانشگاه‌های بزرگ دنیا، دانشجویان و استادان را تشویق می‌کنند که با همکارانشان در سایر کشورها کار مشترک انجام دهند. تفاوتش با ایران این است که مهاجرت‌های ما مهاجرت‌های اختیاری نیست. مهاجرت از جنس سرخوردگی و یأس است. در سیستم حکمرانی ما معنای زمان و زمان‌بندی به هم خورده است. سه سال می‌شود که قرار است مذاکرات (بسارجام) به نتیجه رسیده و شرایط اقتصادی کشور به سرانجام برسد. اثرات به‌تعویق‌افتادن تکلیف مذاکرات برجام در میزان مهاجرت قابل مشاهده است. اگر می‌خواهیم شاخص‌ها را استانداردهای جهانی را در نظر بگیریم، نظام‌مندش کنیم و برای افرادی که می‌خواهند برگردند، اعمال‌قوانین کنیم، با بحران دوستان و بیروکراتی هستند که تلاش می‌کنند و این شرایط را شکل می‌دهند! باید از آنها بپرسید چرا مهاجرت از این کشور به این میزان است؟!

در تشریح علت افزایش مهاجرت به دو موضوع اشاره کردید. یکی موضوع اجتماعی و یکی موضوع اقتصادی. به نظرتان کدام عامل در موضوع مهاجرت ایرانیان مهم‌تر است؟

اگر از نظر اجتماعی، احساس امنیت و امیدواری نسبت به سالمندی، قطعا با نهادهای حکمرانی برای پیش‌بردن برنامه‌های اقتصادی همکاری بیشتری خواهیم داشت. در دوره‌های که خیلی از کشورها دارند با رفاه زیادت اشتراک‌گذاری نسبت بکشند تا عقب‌افتادگی‌های اقتصادی‌شان را جبران کنند. نباید رو به همراهی و صبر آحاد جامعه دارند. خوشحال‌حاضر اگر آن صبر نباشد، مهاجرت‌های اقتصادی‌مان بیشتر می‌شود و اگر برنامه‌های اقتصادی خوبی نداشته باشیم، ناامیدی و یأس اجتماعی تشدید می‌شود. از تلفیق این عوامل تحولات و مهاجرت شدید حاصل می‌شود. هم‌اکنون بی‌ثباتی اجتماعی و یأس و ناامیدی، بیشتر از عوامل اقتصادی تاثیرگذار است. ما توانستیم پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به این بحران‌ها بدهیم؛ این مطالبات و فشارها به هم پیوند خورد و موجب شد قوی‌ترین حلقه رانشی شکل بگیرد. وقتی این حلقه شکل گرفت، در ادامه بقیه حلقه‌ها هم شکل می‌گیرد. مثلا سرمایه‌گذاری مهاجرتی خانوارها به وجود آمد. برای مثال شاهد افزایش میل حضور در کلاس‌های زبان هستیم و درخواست مهاجرت دانشجویان بیشتر شده است. حتی برخی از خانواده‌ها برای فرزندانشان در سطح برتر و مهدودکوک مهاجرت‌های گردباد! حلقه بعدی این است که ما فضای مهاجرت را به‌صورت جهانی ببینیم. اگر ما برای سرمایه اجتماعی لرزش قائل نیستیم. گسیختگی دیگر لرزش قائل‌اند. به این سؤال اساسی باید نه‌دادند که قصد داریم برای اشتغال، رفاه و شادبودن چه کنیم. این مسئله‌ای است که در حال‌حاضر با آن مواجه هستیم. ما برای این سرمایه‌های انسانی چند چه برنامه‌ریزی کردیم. هم‌اکنون اگر می‌بینید مهاجرت به ترکیه، امارات، قطر، عربستان، عمان، آلمان، اتریش و کانادا زیاد شده به این علت است که آنها برنامه‌های متنوعی برای سرمایه‌های انسانی دارند.

هر مهاجری به خارج از کشور می‌رود به‌عنوان یک بل ارتباطی عمل می‌کند و این حلقه بعدی است. مهاجران از فرصت‌های خارج از کشور صحبت می‌کنند و از این طریق افراد مختلف آگاه می‌شوند. حلقه دیگر هم تسهیل‌گران مهاجرت هستند و درنهایت فضای عمومی رفتن و نماندن. این حلقه‌ها به هم پیوند خوردند و ما شاهد مهاجرت عام شدیم.

اگر شرایط این‌گونه ادامه پیدا کند، با توجه به اینکه امید به تغییر در رویکرد مسئولان نیست، چه تصویری درباره آینده می‌توان ترسیم کرد؟

برای پیش‌بینی‌کردن باید شرایط متقنی داشته باشیم. من به عنوان یک محقق کوچک اجتماعی در حوزه مهاجرت، باید بگویم ما هنوز نتوانستیم ساختار منسجم را شکل دهیم و هنوز کارهای زیادی باقی مانده است. اما همین شواهد و آمارهای غیرمنسجم، به ما می‌گویند که آینده موضوع مهاجرت در کشور ما روشن نیست. روند ازدست‌دادن سرمایه انسانی کماقبل‌السابق ادامه پیدا خواهد کرد و با توجه به تحولاتی که اتفاق می‌افتد، شیب نمایی و افزایشی خواهد داشت. اینکه چه زمانی می‌توان این شیب را متوقف کرد، بستگی به تحولات آتی دارد. بستگی دارد چقدر می‌خواهیم به جامعه خودمان امیدواری اجتماعی و سیاسی تزریق کنیم. هنوز من نشانه‌ای از این سیگنال‌های تغییر نمی‌بینم. اگر بخواهم به خیلی خوش‌بین، نه خیلی بدبین باشم باید بگویم در چند سال آینده جمعیت مهاجران در خارج از کشور همچنان افزایش پیدا خواهد کرد و تبعات جدی برای بخش‌های مختلف در پی خواهد داشت. جای خالی پزشکان و استادانی که برای تربیتشان هزینه فراوانی داده شده. به این آسانی جبران نخواهد شد. با یک جامعه رو به کهن‌سالی مواجه هستیم و نیاز به خدمات درمانی روز به روز افزایش پیدا می‌کند. اعتراضات سیاسی شکل خواهد گرفت و باز اوضاع پیچیده‌تر می‌شود. به نظر من مسئله اجتماعی، مسئله مهم است. وقتی با نخبگان و متخصصان صحبت می‌کنم، می‌گویند دغدغه ما فقط این نیست که در کشورهای دیگر پول بیشتری به ما می‌دهند و به خاطر آن راضی به ترک وطن می‌شویم. یک مسئله مهم‌تر خصوصا در حوزه نخبگان، افراد مایوس شده‌اند. منزلت اجتماعی جزء مسائل مهم و کلیدی است که همیشه به آن اشاره می‌کنند.

گاهی ما به آدم‌ها و نخبگان و متخصصان پیشنهاد می‌کنیم شما تخصص‌تان را اینجا بگذارید تا ما از آن استفاده فیزیکی کنیم. ولی با سایر ویژگی‌های نخبگی شما کاری نداریم! افرادی که باهوش هستند فضای هوشمند، آزادانه و امن و براساس احترام و اعتماد متقابل می‌خواهند. ما در دانشگاه شریف فقط از قسمت تحصص‌ال را می‌خواهیم که در خدمت جامعه یا اقتصاد کشور باشد؛ اما اینترنت را قطع می‌کنیم، بعد می‌گوییم نمبا بوو سر کلاس درست را بخوان و به اقتصاد کشور کمک کن! این نگاه ابزاری، فیزیکی و مکانیکی به تحلیل و سرمایه‌های انسانی باید کنار گذاشته شود. ما باید سرمایه‌های انسانی را محترم بشماریم و به آنها وجاهت بدهیم. آنها قطعا به جایی که روبنان سرمایه‌گذاری کرده، کمک می‌کنند و خیلی از مسائل حل می‌شود. حتی مشکلات دیپلماتیک را به نوعی، با هم رفع خواهیم کرد.

آیا خروج استادان دانشگاه، دانشجویان نخبه دانشگاه‌های برتر و پزشکان و کادر درمان افزایش پیدا کرده است؟

اگر شاخص‌های جهانی را کنار بگذاریم، در کل مهاجرت در دنیا افزایش یافته و علت اصلی افزایش فرصت‌هاست. جایی که دانشگاه‌های بزرگ دنیا، دانشجویان و استادان را تشویق می‌کنند که با همکارانشان در سایر کشورها کار مشترک انجام دهند. تفاوتش با ایران این است که مهاجرت‌های ما مهاجرت‌های اختیاری نیست. مهاجرت از جنس سرخوردگی و یأس است. در سیستم حکمرانی ما معنای زمان و زمان‌بندی به هم خورده است. سه سال می‌شود که قرار است مذاکرات (بسارجام) به نتیجه رسیده و شرایط اقتصادی کشور به سرانجام برسد. اثرات به‌تعویق‌افتادن تکلیف مذاکرات برجام در میزان مهاجرت قابل مشاهده است. در شبکه‌های اجتماعی گروه‌هایی هستند که درمورد هجرت خارج‌شدن از مرز، میزان توقف و مسیرها اطلاعات مبادله می‌کنند. معمولا سازمان ملل گزارش‌هایی در مورد افراد گمشده منتشر می‌کند. اما عدد واقعی چندبرابر این آمار است. سالانه ۳۰-۲۰ هزار نفر گم می‌شوند و از سرنوشت آنها خبری نیست. چون افراد از مسیرهای غیرقانونی می‌روند. مدارک شناسایی خود را از بین می‌برند. تراژیک‌تر از مسیر و کانال‌های مهاجرتی. مهاجرت اجباری پناه‌جویی است. درمورد مهاجران پناه‌جویی در این بسیار کم کار شده است. تلاش کردیم در سالنامه مهاجرتی در مورد تعداد درخواست‌های پناهندگی و افراد گمشده و مسیرها اطلاع‌رسانی کنیم. تلاشمان این بود درمورد بدنه‌هایی که با استفاده از ناآگاهی جامعه و مسئولان از مرز موسوم‌شده گمشدن. آگاهی دهیم. ما درمورد اقتصاد این بخش هیچ اطلاعی نداریم. نمی‌دانیم افراد به طور میانگین چقدر هزینه می‌کنند و در مسیر چه هزینه‌هایی بدهند. فقط می‌دانیم به طور متوسط یک یا دو سال طول می‌کشد تا افراد به سلامت به مقصدی برویم به احتمال قریب به یقین تا یک دهه آینده تعداد اندکی در کشور باقی خواهد ماند که بتوانند با استانداردهای رایج کار کند. بقیه افراد یا باید از دایره گفتمان اصلی خارج شوند یا از کشور بیرون بروند. ما در آستانه شکل‌گیری یک جامعه فراسرزمینی هستیم. جامعه‌ای که در خارج از کشور شکل می‌گیرد. دل در گرو وطن دارد؛ اما هیچ کاری نمی‌تواند برای کشور بکند. مدام می‌گوییم از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور استفاده کنید؛ اما تأکید من این است که از ظرفیت ایرانیان داخل کشور به بهترین وجه استفاده کنید. بعد به ایرانیان خارج از کشور برسید! کانال‌های مهاجرتی در کشور ما به هم خورده است. نخبه‌های فرهنگی، ورزشی، سینمایی و استادان دانشگاه مهاجرت می‌کنند. این در دنیا کم‌نظیر یا شاید بتوان گفت بی‌نظیر است که افرادی با مشاغل حرفه‌ای مثل پزشکان، در جایگاه استادی مجبور به مهاجرت اجباری می‌شوند و درخواست پناهندگی می‌کنند. استادی که دارای یک مقام تثبیت‌شده دانشگاهی است، تقاضای پسادکتری می‌دهد تا از کشور مهاجرت کند. این یک نوع عقب‌گرد است که بعضی از استادان ما مجبور شوند با انگیزه مهاجرت، از مشاغل آکادمیک بیرون آمده و یک پله پایین‌تر قرار بگیرند. بسیاری از افرادی که مهاجرت اجباری و پناه‌جویی می‌کنند، در واقع شبه‌پناه‌جوهای اقتصادی هستند. من نمی‌دانم چرا دوستان مسئول به این آمار توجه نمی‌کنند. در ۲۰ سال گذشته نیم‌میلیون پناه‌جو به دنیا فرستاده‌ایم. باید به این آمار مهاجرت دقت کنیم. ما کشوری نیستیم که ناامنی نظامی را تجربه کرده باشیم؛ ولی می‌توانیم بگوییم ناامنی اقتصادی و اجتماعی در حال شکل‌گیری است. به نظر می‌رسد تم (اصطلاح) جدید از پناه‌جویان اجتماعی و اقتصادی از سوی کشور ایران به ادبیات مهاجرت جهان اضافه شده است. به همین دلیل است که می‌بینیم رتبه اول ثبت خواست پناه‌جویی در کشور انگلستان متعلق به ایران است. یک نفر باید به دنبال دلیل برود. در سال‌های گذشته جزء یکی از کشورهای منطقه بودیم که تعداد زیادی پناه‌جو به خارج فرستاده است. در کل کشور عجیبی هستیم. از یک طرف از کشورهای همسایه (افغانستان) پناه‌جو می‌گیریم. از سوی دیگر به کشورهای دیگر پناه‌جو می‌فرستیم. براساس تعریف استاندارد، پناه‌جو کسی است که جان و مالش تحت فشار و اضطرار یا تحت تعقیب و گریز باشد. بسیاری از افرادی که درخواست پناه‌جویی می‌دهند و با خانواده‌های خود، آواره دریا و بیابان می‌شوند. پناه‌جوی اقتصادی و اجتماعی هستند. وقتی تراژدی خانواده ایران‌نژاد در کانال مانش اتفاق افتاد و تیتر یک روزنامه‌ها شد، انتظار داشتم حداقل یک نفر از مسئولان یا مطبوعات بپرسد، چرا؟ چرا خانواده‌های ما باید در کانال مانش درگیر قایق‌ها شوند و چرا باید یک تراژدی مثل تراژدی خانواده ایران‌نژاد اتفاق بیفتد؟ بسیاری از این پناه‌جوها از ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی رنج می‌برند. وقتی کیس‌های پناه‌جویی و پناه‌جوی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، واقعیت‌های تلخ جدید از وضعیت اقتصادی- اجتماعی کشور در ایران، برای ما آشکار می‌شود. مسئولان مربوطه را دعوت می‌کنم که ریشه‌های مسئله را به‌درستی بررسی کنند، روند مهاجرت قطعا افزایش یافته و اکثریت با مهاجرت اجباری و پناه‌جویی است.

تا چند سال پیش توجه ما فقط به مهاجرت نخبگانمان بود، اما در یکی یا دو سال گذشته توجه خیلی‌ها به مهاجرت پزشکان، گروه‌های کاری و استادان جلب شد. درباره مهاجرت اجباری و پناه‌جویی کمتر حرف می‌شنویم. این در حالی است که آمارهای این نوع مهاجرت بالاست. اگر سالی ۵۰ هزار ویزا برای ایرانیان صادر شود، ۳۰ هزار نفرشان درخواست پناه‌جویی است. ۱۰ تا ۱۵ هزار متقاضی ویزای تحصیلی و یک هزار نفر متقاضی ویزای کاری هستند. این آمار البته برای دو سال گذشته بود.

مسیر مهاجرت پناه‌جویی، بسیار برخطر است اما برخی از ایرانیان حاضرند بقیه بسیاری برای این مسیر خطرناک پرداخت کنند. توضیح دهید که در این مسیر چه اتفاقی برای پناه‌جوها افتاد و چه مسیرهایی را انتخاب می‌کنند؟

درباره اهمیت شبکه اطلاعاتی مهاجرتی صحبت کردیم و نقش آن را در مهاجرت عام توضیح دادم. این شبکه‌ها در بسیاری از کشورها شکل‌دهنده جریان مهاجرتی هستند. زمینه‌های بسیار یکنواخت و مشابه دارند. اما مطالعات جدانی انجام نشده است. برای مثال در اقلیم کردستان و آذربایجان غربی افرادی هستند که به شکل تاریخی از کشور آنها یا یونان سرازیر شده‌اند و درواقع فرصت‌های هوشمند، آزادانه و امن و براساس احترام و اعتماد متقابل می‌خواهند. ما در دانشگاه شریف فقط از قسمت تحصص‌ال را می‌خواهیم که در خدمت جامعه یا اقتصاد کشور باشد؛ اما اینترنت را قطع می‌کنیم، بعد می‌گوییم نمبا بوو سر کلاس درست را بخوان و به اقتصاد کشور کمک کن! این نگاه ابزاری، فیزیکی و مکانیکی به تحلیل و سرمایه‌های انسانی باید کنار گذاشته شود. ما باید سرمایه‌های انسانی را محترم بشماریم و به آنها وجاهت بدهیم. آنها قطعا به جایی که روبنان سرمایه‌گذاری کرده، کمک می‌کنند و خیلی از مسائل حل می‌شود. حتی مشکلات دیپلماتیک را به نوعی، با هم رفع خواهیم کرد.

آیا خروج استادان دانشگاه، دانشجویان نخبه دانشگاه‌های برتر و پزشکان و کادر درمان افزایش پیدا کرده است؟

اگر شاخص‌های جهانی را کنار بگذاریم، در کل مهاجرت در دنیا افزایش یافته و علت اصلی افزایش فرصت‌هاست. جایی که دانشگاه‌های بزرگ دنیا، دانشجویان و استادان را تشویق می‌کنند که با همکارانشان در سایر کشورها کار مشترک انجام دهند. تفاوتش با ایران این است که مهاجرت‌های ما مهاجرت‌های اختیاری نیست. مهاجرت از جنس سرخوردگی و یأس است. در سیستم حکمرانی ما معنای زمان و زمان‌بندی به هم خورده است. سه سال می‌شود که قرار است مذاکرات (بسارجام) به نتیجه رسیده و شرایط اقتصادی کشور به سرانجام برسد. اثرات به‌تعویق‌افتادن تکلیف مذاکرات برجام در میزان مهاجرت قابل مشاهده است. در شبکه‌های اجتماعی گروه‌هایی هستند که درمورد هجرت خارج‌شدن از مرز، میزان توقف و مسیرها اطلاعات مبادله می‌کنند. معمولا سازمان ملل گزارش‌هایی در مورد افراد گمشده منتشر می‌کند. اما عدد واقعی چندبرابر این آمار است. سالانه ۳۰-۲۰ هزار نفر گم می‌شوند و از سرنوشت آنها خبری نیست. چون افراد از مسیرهای غیرقانونی می‌روند. مدارک شناسایی خود را از بین می‌برند. تراژیک‌تر از مسیر و کانال‌های مهاجرتی. مهاجرت اجباری پناه‌جویی است. درمورد مهاجران پناه‌جویی در این بسیار کم کار شده است. تلاش کردیم در سالنامه مهاجرتی در مورد تعداد درخواست‌های پناهندگی و افراد گمشده و مسیرها اطلاع‌رسانی کنیم. تلاشمان این بود درمورد بدنه‌هایی که با استفاده از ناآگاهی جامعه و مسئولان از مرز موسوم‌شده گمشدن. آگاهی دهیم. ما درمورد اقتصاد این بخش هیچ اطلاعی نداریم. نمی‌دانیم افراد به طور میانگین چقدر هزینه می‌کنند و در مسیر چه هزینه‌هایی بدهند. فقط می‌دانیم به طور متوسط یک یا دو سال طول می‌کشد تا افراد به سلامت به مقصدی که می‌خواهند، برسند. یک تا دو سال طول می‌کشد تا به پرونده‌شان رسیدگی شود. شرایط نگهداری در کمپ‌ها و پناهگاه‌ها بسیار نامساعد است. در مورد میزان تعرض، آسیب جنسی و اتفاقاتی که برای خانواده‌ها می‌افتد، من گزارش متقنی ندیدم. گزارشات رسمی و غیررسمی توسط سازمان ملل و نهادهای حمایت از حقوق بشر منتشر می‌شود. اما ما نیاز داریم در کشورمان درمورد این افراد (مهاجرت اجباری و پناهندگی) بیشتر صحبت کنیم. گفتن این جملات برای من دردناک است. وقتی می‌بینیم به سرمایه‌های انسانی بی‌توجهیم و در مورد میزان مهاجرت پزشکان و استادان، فقط احساس ناراحتی و نگرانی می‌کنیم و عملا هیچ کاری انجام نمی‌دهیم. مهاجرت اجباری و پناهندگی، نیمه پنهان و بخش مغفول مهاجرت است. احتمالا افراد با خود می‌گویند، هر بلایی سرشان می‌آید حقشان است. خیلی دردناک است. نهادهای حقوق بشری و وزارت امور خارجه باید درباره این بخش خیلی فعالانه‌تر وارد شود. حداقل حقوق افرادی که درخواست پناهندگی و پناه‌جویی می‌دهند، بیشتر به رسمیت شناخته شود.

اگر شرایط این‌گونه ادامه پیدا کند، با توجه به اینکه امید به تغییر در رویکرد مسئولان نیست، چه تصویری درباره آینده می‌توان ترسیم کرد؟

برای پیش‌بینی‌کردن باید شرایط متقنی داشته باشیم. من به عنوان یک محقق کوچک اجتماعی در حوزه مهاجرت، باید بگویم ما هنوز نتوانستیم ساختار منسجم را شکل دهیم و هنوز کارهای زیادی باقی مانده است. اما همین شواهد و آمارهای غیرمنسجم، به ما می‌گویند که آینده موضوع مهاجرت در کشور ما روشن نیست. روند ازدست‌دادن سرمایه انسانی کماقبل‌السابق ادامه پیدا خواهد کرد و با توجه به تحولاتی که اتفاق می‌افتد، شیب نمایی و افزایشی خواهد داشت. اینکه چه زمانی می‌توان این شیب را متوقف کرد، بستگی به تحولات آتی دارد. بستگی دارد چقدر می‌خواهیم به جامعه خودمان امیدواری اجتماعی و سیاسی تزریق کنیم. هنوز من نشانه‌ای از این سیگنال‌های تغییر نمی‌بینم. اگر بخواهم به خیلی خوش‌بین، نه خیلی بدبین باشم باید بگویم در چند سال آینده جمعیت مهاجران در خارج از کشور همچنان افزایش پیدا خواهد کرد و تبعات جدی برای بخش‌های مختلف در پی خواهد داشت. جای خالی پزشکان و استادانی که برای تربیتشان هزینه فراوانی داده شده. به این آسانی جبران نخواهد شد. با یک جامعه رو به کهن‌سالی مواجه هستیم و نیاز به خدمات درمانی روز به روز افزایش پیدا می‌کند. اعتراضات سیاسی شکل خواهد گرفت و باز اوضاع پیچیده‌تر می‌شود. به نظر من مسئله اجتماعی، مسئله مهم است. وقتی با نخبگان و متخصصان صحبت می‌کنم، می‌گویند دغدغه ما فقط این نیست که در کشورهای دیگر پول بیشتری به ما می‌دهند و به خاطر آن راضی به ترک وطن می‌شویم. یک مسئله مهم‌تر خصوصا در حوزه نخبگان، افراد مایوس شده‌اند. منزلت اجتماعی جزء مسائل مهم و کلیدی است که هم

مهاجرت، نفت و سایر مصیبت‌ها

آنچه در سپهر سیاسی و اقتصادی ایران می‌گذرد، تأثیر مستقیمی روی نرخ مهاجرت در ایران دارد. ایران همیشه کشوری مهاجرفرست به حساب می‌آمده اما نرخ مهاجرت در سال‌های مختلف با هم تفاوت داشته است. نگاهی به آمارهای رصدخانه ملی مهاجرت نشان می‌دهد که نرخ مهاجرت با شرایط اقتصادی ایران رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. هرگاه وضعیت اقتصادی در ایران وضعیت بحرانی به خود گرفت مهاجرت در ایران افزایش پیدا کرد.

اگرچه روی نمودارها مقاطعی از سال‌های گذشته در ۴۰ سال اخیر را با قله‌های مهاجرتی مواجه هستیم اما در چند سال اخیر به دلیل تداوم شرایط نامناسب اقتصادی و همچنین برخی رخدادهای سیاسی و اجتماعی با دوره‌ای طولانی از مهاجرت‌های گسترده مواجه شده‌ایم. مهاجرت گسترده نیروهای متخصص ایرانی تأثیر زیادی روی اقتصاد ایران گذاشته است. برخی کارشناسان معتقدند این مسئله موجب شده که وابستگی اقتصادی ایران به نفت افزایش یابد. علاوه بر این ازدست‌دادن نیروی انسانی درحال‌حاضر به معضلی برای بسیاری از شرکت‌های ایرانی تبدیل شده است.

زیان ناشی از مهاجرت نیروی انسانی از تحریم بیشتر است

این روزها شرکت‌های زیادی به دنبال استخدام و نگهداشت یک نیروی کارآمد هستند. بزرگ‌ترین مشکل شرکت‌ها نگهداری نیروهایی است که استخدام می‌کنند. این مسئله در فضای استارتابی ایران رنگ‌وبویی جدی‌تر دارد. در برخی از شرکت‌ها طول عمر نگهداشت نیرو به کمتر از یک سال رسیده است. این نیروها به محض حضور در شرکت و نمایش توانایی‌های‌شان آن را ترک می‌کنند و مقصد بیشترشان هم فضای کار خارج از ایران است.

این مسئله موجب شده که کمبود نیروی انسانی به فضای کار ایرانی ضربه بزرگی وارد کند. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران می‌گوید: زیان ناشی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها استفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هستیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند. وی گفت: به‌هرحال اگر تا چندی پیش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هستند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشتباه بوده است. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از فقت و دستیابی به اقتصادی بدون وابستگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار است جایگزین نفت شود. وقتی نیروهای انسانی به‌درستی حفظ نشوند. طبیعی است وابستگی ما به نفت نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دستخوش افزایش نیز خواهد شد و این خطر بزرگی برای آینده ایران است. به گفته وی بدون حضور نیروی انسانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسانی نیست. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

افزایش مهاجرت وابستگی به نفت را افزایش می‌دهد

مسئله مهاجرت‌های گسترده فقط در حوزه نیروی انسانی محدود نمی‌شود. زیان ناشی از رفتن این متخصصان عرصه‌های مختلفی را هدف قرار داده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در این زمینه می‌گوید: بخش مهمی از افزایش انگیزه برای مهاجرت به ابهاماتی برمی‌گردد که در آینده اقتصاد ایران وجود دارد. مرتضی افقه درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها استفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هستیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند.

وی گفت: به‌هرحال اگر تا چندی پیش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هستند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشتباه بوده است. افقه گفت: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این تصویر، ناشی از ابهام در آینده اقتصادی کشور است، بحث دیگر هم فشار فرهنگی و اجتماعی دولت جدید بر مردم است. این استاد اقتصاد دانشگاه اضافه کرد: شاید صاحبان شرکت‌ها عمدتا با دلیل اقتصادی از ایران مهاجرت کنند اما باید بپذیریم بخش قابل‌توجهی از نخبگان و جوانان، به دلیل فشار و تنگ‌نظری مهاجرت می‌کنند. وی گفت: امروز جز کشوری لازم است خود را برای توسعه مهیا کند، چون اقتصاد عرصه جدید قدرت است و کشورهایی که حرفی برای گفتن دارند، قدرت اقتصادی لازم را باید داشته باشند. در چنین فضایی چطور می‌توان انتظار داشت که ایران بدون وجود اهل فن، صاحبان حرفه، نخبگان و... به توسعه دست یابد. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دستیابی به اقتصادی بدون وابستگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار است جایگزین نفت شود، وقتی نیروهای انسانی به‌درستی حفظ نشوند. طبیعی است وابستگی ما به نفت نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دستخوش افزایش نیز خواهد شد و این خطر بزرگی برای آینده ایران است. به گفته وی بدون حضور نیروی انسانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسانی نیست. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

وی با اشاره بـه روش‌هایی مانند افزایش میزان وثیقه برای خروج دانشجویان پزشکی و ... گفت: این روش‌ها مصحک و خنده‌دار است. در دوره‌ای که در خارج از کشور، تحصیل می‌کردم، بسیاری از افراد وثایق را با درآمدی که در خارج داشتند، آزاد کردند. افقه ادامه داد: این روش ساده‌لوحانه است که فکر کند با افزایش وثیقه می‌توان جلوی مهاجرت نخبگان را گرفت. وقتی افرادی تصمیم می‌گیرند کشورشان را با همه تعلقات ترک کنند، به معنی آن است که واقعا دیگر امکان ادامه زندگی به لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را ندارند. وی گفت: نه فقط این وثایق که وثایقی بالاتر از این هم بازدارنده نیست و باید ریشه‌های خروج و مهاجرت نخبگان، فعالان اقتصادی، صاحبان حرفه و تخصص و... برطرف شود.

او گفت: زیان ناشـی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

ریشه‌های مهاجرت

مهدی بازوکی، استاد اقتصاد دانشـگاه علامه طباطبایی نیز در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره ریشـه‌های افزایش تمایل به مهاجرت از ایران گفت: متاسـفانه سیاسـت‌های دولت کارایی چندانی را ندارد و ما شاهد نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

وی گفت: این روش‌ها مضحک است. افقه گفت: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این تصویر، ناشی از ابهام در آینده اقتصادی کشور است، بحث دیگر هم فشار فرهنگی و اجتماعی دولت جدید بر مردم است. این استاد اقتصاد دانشـگاه اضافه کرد: شاید صاحبان شرکت‌ها عمدتا با دلیل اقتصادی از ایران مهاجرت کنند اما باید بپذیریم بخش قابل‌توجهی از نخبگان و جوانان، به دلیل فشـار و تنگ‌نظـری مهاجرت می‌کنند. وی گفت: امروز جز کشـوری لازم اسـت خود را برای توسـعه مهیا کند، چون اقتصاد عرصه جدید قدرت اسـت و کشورهایی که حرفی برای گفتن دارند، قدرت اقتصادی لازم را باید داشـته باشـند. در چنیـن فضایی چطور می‌توان انتظار داشـت که ایران بدون وجود اهل فن، صاحبان حرفه، نخبگان و... به توسـعه دسـت یابد. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دسـتیابی به اقتصادی بدون وابسـتگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار اسـت جایگزین نفت شود، وقتی نیروهای انسـانی به‌درسـتی حفظ نشـوند. طبیعی است وابسـتگی ما به نفت نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دسـتخوش افزایش نیز خواهد شـد و این خطر بزرگی برای آینده ایران اسـت. به گفته وی بدون حضور نیروی انسـانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسـانی نیسـت. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

افزایش مهاجرت وابستگی به نفت را افزایش می‌دهد

مسـئله مهاجرت‌های گسـترده فقط در حوزه نیروی انسـانی محدود نمی‌شود. زیان ناشـی از رفتن این متخصصان عرصه‌های مختلفی را هدف قرار داده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در این زمینه می‌گوید: بخش مهمی از افزایش انگیزه برای مهاجـرت به ابهاماتی برمی‌گردد که در آینده اقتصاد ایران وجود دارد. مرتضی افقه درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها اسـتفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هسـتیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند.

وی گفـت: به‌هرحال اگر تا چندی پیـش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هسـتند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشتباه بوده است. افقه گفت: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این تصویر، ناشی از ابهام در آینده اقتصادی کشور است، بحث دیگر هم فشـار فرهنگی و اجتماعی دولت جدید بر مردم است. این استاد اقتصاد دانشـگاه اضافه کرد: شاید صاحبان شرکت‌ها عمدتا با دلیل اقتصادی از ایران مهاجرت کنند اما باید بپذیریم بخش قابل‌توجهی از نخبگان و جوانان، به دلیل فشـار و تنگ‌نظـری مهاجرت می‌کنند. وی گفت: امروز جز کشـوری لازم اسـت خود را برای توسـعه مهیا کند، چون اقتصاد عرصه جدید قدرت اسـت و کشورهایی که حرفی برای گفتن دارند، قدرت اقتصادی لازم را باید داشـته باشـند. در چنیـن فضایی چطور می‌توان انتظار داشـت که ایران بدون وجود اهل فن، صاحبان حرفه، نخبگان و... به توسـعه دسـت یابد. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دسـتیابی به اقتصادی بدون وابسـتگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار اسـت جایگزین نفت شود، وقتی نیروهای انسـانی به‌درسـتی حفظ نشـوند. طبیعی است وابسـتگی ما به نفت نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دسـتخوش افزایش نیز خواهد شـد و این خطر بزرگی برای آینده ایران اسـت. به گفته وی بدون حضور نیروی انسـانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسـانی نیسـت. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

ی کی از نادعاله‌ترین تصمیمات در همین دولت گرفته شـده اسـت. دو کارمند بازنشسته در یک سازمان وجود دارند. یکی بیمه تامین اجتماعی است، به همین دلیل هفت درصد از حقوقش کسر می‌شود و دیگری که اسـتخدام رسمی است با کسر ۱۱ درصد حقوقش روبه‌رو است. وی ادامه داد: از سوی دیگر حقوق کسی که بیمه تامین اجتماعی است، ۳۸ درصد به اضافه ۵۵۰ هزار تومان زیاد شده و حقوق آن کارمند استخدام بوده، ۱۰ درصد افزایش یافته اسـت. این درک درسـتی از اقتصاد نیسـت. وی گفت: همه حرف ما این بود که دولت محترم قضایی را برای بازگشـت ایرانیان خارج از کشور مهیا کند نه اینکه سیاست‌ها به‌نحوی‌ای باشد که افراد داخل ایران نیز میل به مهاجرت داشته باشند.

Pishkhan.com

گفت‌وگو با بهرام صلواتی، رئیس رصدخانه ملی مهاجرت ایران:

با مهاجرت توده‌وار مواجهیم

در سال ۱۴۰۲ احتمالا یکی از شدیدترین و وخیم‌ترین موج‌های مهاجرت را فقط در بحث فرار مغزها خواهیم داشت

فرانک جواهری، هدی هاشمی: دیگر فقط صحبت از مهاجرت نخبگان نیسـت. حالا مهاجرت شـکل دیگری به خود گرفته است و ما شاهد مهاجرت ورزشـکاران، هنرمندان، نویسندگان، استادان، معلمان و کارگران در صنف‌های مختلف هسـتیم که به‌اصطلاح به آن مهاجرت «توده‌وار» می‌گویند. در این سـال‌ها آنهایی که پول، سواد و تجربه داشتند، به بهانه کار و تحصیل کشور را ترک کردند و آنهایی که نه پول آن‌چنان داشتند و نه تحصیلات بالایی راه‌هـای برخطر دیگری را انتخاب کردند تـا از طریق آن بلکه بتوانند ناهنجاری بگیرند؛ به‌طوری‌که به گفته آنهایی که رفتند بسـیار غریب به و دردناک اسـت، اما برای برخی‌ها راه‌حلی برای ادامه زندگی شـده اسـت. بهرام صلواتی، رئیس رصدخانه مهاجرت ایران به کیس‌های پناهندگی و پناه‌جویی ایران اشـاره می‌کند و می‌گوید: «معمولا سـازمان ملل گزارش‌هایی درباره افراد گمشـده منتشـر می‌کند اما عدد واقعی چندبرابر این آمارا اسـت. سـالانه ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر گم می‌شـوند و از سـرنوشـت آنها خبری نیسـت. چون افراد از مسـیرهای غیرقانونی می‌روند. مدارک شناسـایی خود را از بین می‌برند. تراژیک‌تر مسـیر و کانال‌های مهاجرتی، مهاجرت اجباری و پناه‌جویی اسـت. در حالی‌ایـن، در حالی‌ایـن که آمارهای این نوع مهاجرت ایرانیان بالاسـت. اگر سـالی ۵۰ هزار ویزا برای ایرانیان صادر شود، ۳۰ هزار نفرشان درخواست پناه‌جویی، ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر تحصیلی و پنج هزار نفر هم کاری اسـت. این آمارا البته برای دو سال گذشته بود، صلواتی مسـئله اصلی مهاجرت را مسـئله اجتماعی می‌داند و بر این باور اسـت: «بحران هاجرت اجتماعی، مسـئله مهم و بزرگی برای ایرانیان اسـت. وقتی با نخبگان و متخصصان صحبت می‌کنم، خدغه‌شان پول نیسـت. به نظرمی‌رسـد نخبگان، مایوس شده‌اند و مهاجرشان از جنس سرخوردگی و یأس اسـت. این ادبیات که هرکس با ما نیسـت، برود بسـیار خطرناک اسـت. اگر با همین ادبیات جلو بریوم، به احتمال قریب به یقین تا یک دهه آینده تعداد اندکی در کشـور باقی خواهند ماند که بتوانند با استانداردهای رایج کار کنند. بقیه افراد یا باید از دایره کفتمان اصلی خارج شوند یا از کشـور بیرون بروند». او البته اشاره کرد که در سال ۱۴۰۲ احتمالا یکی از شدیدترین و وخیم‌ترین موج‌های مهاجرت را فقط در بحث فرار مغزها خواهیم داشت.

● این روزها، بعد از اعتراضات در داخل و خارج مسـئله مهاجرت باردیگر مطرح شد است. آمار و ارقام بسـیاری روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت که نشان می‌دهد مهاجرت گروهای مختلف مردم افزایش پیدا کرده اسـت. تحلیل شـما از این وضعیت چیست؟

هم‌اکنون در یکی از فرازهای مهاجرتی قرار داریم. چنین موجی سابقه نداشته است. زمان انقلاب، شاهد تداوم جمع مهاجرتی قابل‌توجهی بودیم و بعد به فوده مهاجرتی رسـیدیم. بعد از اتمام جنگ و با رشد بی‌کاری، شاهد افزایش مهاجرت‌های اقتصادی به کشورهای ژاپن و حاشیه خلیج فارس بودیم. حوادث سال ۸۸ موجب شد یک فرار مهاجرتی جدید را تجربه کنیم که از جنس مهاجرت تحصیل‌کرده‌ها و متخصصان بود. بعد از سال ۸۸، دوباره یک فوود مهاجرتی داشـتیم. مطالبات مردم در سـال‌های ۹۸ و ۹۹ که از جنس اجتماعی و اقتصادی بود و باز دیگر زمینه‌سـاز یک فرار مهاجرتی جدید شد اما این موج مهاجرتـی با همه‌گیری کرونا و توقف حیاته‌جایی‌های بین‌المللی در ابتدا همزمان شـد. فرم مهاجرت داشت از حال فشـردن‌دمنه‌ای تبدیل شده است. آنها برنامه‌های متنوعی برای سرمایه‌های اسـیانی دارند.

هر مهاجری به خارج از کشـور می‌رود به‌عنوان یک بل ارتباطی عمل می‌کند و به حلقه بعدی اسـت. مهاجران از فرصت‌های خارج از کشور صحبت می‌کنند و از این طریق افراد مختلف آگاه می‌شـوند. حلقه دیگر هم تسـهیل‌گران مهاجرت هسـتند و درنهایت فضای عمومی رفتن و نماندن. این حلقه‌ها به هم پیوند خوردند و ما شـاهد مهاجرت عام شدیم.

● برای درمیان کشـورهای مهاجرفرسـت در چه جایگاهی قرار دارد؟ آماره تا چه حد قرار کننده‌اند؟

ما جزء سـندرم آمار مهاجرت در ایران هسـتیم. در رصدخانه سـعی کردیم با انتشار سالنامه مهاجرتی یک دید آماری دسرت ارائه دهیم اما بعد از دو سال به این جمع‌بندی رسـیدیم حت دانی سالنامه دیگه چوب‌آی‌ی نیسـت. متاسـفانه نهادها و سازمان‌ها هیچ همکاری‌ای نمی‌کنند. به نظر می‌رسـد شفافیت آماری در حوزه مهاجرت، برای برخی از بخش‌ها ناراحت‌کننده اسـت. هر بخش یک متولی دارد، مثلا ایرانیان خارج از کشور یک متولی دارد و اتاق خارجی هم یک متولی دیگری دارد. اما به‌هیچ‌وجه همکاری نمی‌کنند. برای مثال آماری از مهاجرت در داخل کشـور نداریم؟ بااین‌حال کشـور ما در دنیا از آمارگیری و میزان مهاجرت جمع‌آوری بازیگر کلیدی نیست اما یکی از پرشـتاب‌ترین جوامع در حوزه مهاجرت هسـتیم و با سرعت در حال طی‌کردن فواینه مهاجرت هسـتیم. برای آب، باد، خاک و انرژی متولی خاصی داریم اما کسی متولی امور مهاجرت در ایران نیسـت. اگر هم بگویند کسی می‌خواهد متولی شود، حتما هدفش کنترل است.

در چهار دهه گذشـته نگران مهاجرت نخبگان بودیم و بیشتر دل‌نگران استعدادهای کرد؛ ولی همه اینها، فقط افرادی هسـتند که رسـانه‌ای می‌شـوند. در بحث مهاجرت تشوجه‌های‌ان و نخبگان هم چنین مشکلی را داریم. ما مهاجرانی داریم که با نامدیری و یأس از کشور می‌رفتند. مطالعه‌ای در حال انجام اسـت و خیلی نتایج جالبی هم داشته اسـت. بعد از توصیب برخم یعنی در سـال‌های ۹۵ و ۹۶ ما موج بازگشت متخصصان مشخص شـد. هم‌اکنون می‌بینی‌ای اجتماعـی و یأس و ناامیدی، بیشـتر از عوامل اقتصادی تاثیرگذار اسـت. در برخی از شـرکت‌ها طول عمر نگهداشـت نیرو به کمتر از یک سال رسیده است. این نیروها به محض حضور در شـرکت و نمایش توانایی‌های‌شان آن را ترک می‌کنند و مقصد بیشترشان هم فضای کار خارج از ایران اسـت.

این مسـئله موجب شـده که کمبود نیروی انسانی به فضای کار ایرانی ضربه بزرگی وارد کند. عضو هیئت علمی دانشـگاه شهید چمران می‌گوید: زیان ناشـی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

مرتضـی افقه در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها اسـتفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هسـتیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند. وی گفت: به‌هرحال اگر تا چندی پیش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هسـتند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشـتباه بوده است. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دستیابی به اقتصادی بدون وابستگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار است جایگزین نفت شود. وقتی نیروهای انسـانی به‌درسـتی حفظ نشـوند. طبیعی است وابسـتگی ما به نفت نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دسـتخوش افزایش نیز خواهد شـد و این خطر بزرگی برای آینده ایران اسـت. به گفته وی بدون حضور نیروی انسـانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسـانی نیسـت. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

افزایش مهاجرت وابستگی به نفت را افزایش می‌دهد

مسـئله مهاجرت‌های گسـترده فقط در حوزه نیروی انسـانی محدود نمی‌شود. زیان ناشـی از رفتن این متخصصان عرصه‌های مختلفی را هدف قرار داده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران در این زمینه می‌گوید: بخش مهمی از افزایش انگیزه برای مهاجـرت به ابهاماتی برمی‌گردد که در آینده اقتصاد ایران وجود دارد. مرتضی افقه درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها اسـتفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هسـتیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند.

وی گفـت: به‌هرحال اگر تا چندی پیـش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هسـتند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشـتباه بوده است. افقه گفت: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این تصویر، ناشی از ابهام در آینده اقتصادی کشور است، بحث دیگر هم فشـار فرهنگی و اجتماعی دولت جدید بر مردم است. این استاد اقتصاد دانشـگاه اضافه کرد: شاید صاحبان شرکت‌ها عمدتا با دلیل اقتصادی از ایران مهاجرت کنند اما باید بپذیریم بخش قابل‌توجهی از نخبگان و جوانان، به دلیل فشـار و تنگ‌نظـری مهاجرت می‌کنند. وی گفت: امروز جز کشـوری لازم اسـت خود را برای توسـعه مهیا کند، چون اقتصاد عرصه جدید قدرت اسـت و کشورهایی که حرفی برای گفتن دارند، قدرت اقتصادی لازم را باید داشـته باشـند. در چنیـن فضایی چطور می‌توان انتظار داشـت که ایران بدون وجود اهل فن، صاحبان حرفه، نخبگان و... به توسـعه دسـت یابد. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دسـتیابی به اقتصادی بدون وابسـتگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار اسـت جایگزین نفت شود، وقتی نیروهای انسـانی به‌درسـتی حفظ نشـوند. طبیعی است وابسـتگی ما به نفت نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دسـتخوش افزایش نیز خواهد شـد و این خطر بزرگی برای آینده ایران اسـت. به گفته وی بدون حضور نیروی انسـانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسـانی نیسـت. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

● شما به اشکال مختلف مهاجرت اشاره کردید. از مهاجرت معلمان تا کارگران و پرستاران و ورزشـکاران. میزان مهاجرت در کدام گروه‌ها بیشتر اسـت و آیا شیب مهاجرت نخبگان کماکان صعودی است؟

ببینید، مهاجرت به ذات، نه سـیاه اسـت، نه سـفید. چیزی که باعث می‌شود مهاجرت سـیاه و سـفید شود، مهاجرت جامعه و کشـور یا این پدیده اسـت. نکته کلیدی این اسـت که به برنامه‌های برای رفتن و برگشـتن به کشور نداریم. چند سال گذشته برنامه بازگشت متخصصان انجام شد و اثرات خوبی هم داشت. اما به دلایل مختلف از جمله بحث‌های بودجه‌ای کم‌رنگ شـده اسـت. به‌صراحت می‌گویم که ما برنامه مشخصی نداریم. برای آمار مهاجرت هیچ نهادی پیش‌قدم نمی‌شود و کمک نمی‌کند که اصلا ببینیم وضعیت مهاجرتمان چطور اسـت.

● اینکه می‌دانیم، جمعیت ایرانیان خارج از کشـور چقدر اسـت که آنها را متصل کنند داریم. به سـطح تحیات حقوقی ما از ایرانیان خارج از کشـور نگاه کنید! اگر یک ایرانی خارج از کشـور با چیز مشکلی اسـامی شود. سـفارت برایش چه می‌کند؟ با احترام به دوسـتان وزارت خارجه. باید بگویم این وزارتخانه یک وزارتخانه یکی از مصلقه‌ترین بخش‌ها در حوزه مهاجرت حت و خدمات خاصی ندارد. قرار بود یک قانون جامع حمایت از ایرانیان خارج از کشور تصویب و اجرائی شـود؛ اما دو سال شده که فقط درمورد آن صحبت می‌کنند. در این دو سـال دهه‌ها هزار ایرانی از کشـور خارج شـده‌اند و هنوز هم در کش‌وقوس گماری‌ای اداری و بوروکراتیک هسـتیم. مهاجرت می‌تواند برای خیلی از کشـورها درآور باشد و ماشـالله ما جزء آن کشورها هستیم. من باز هم می‌گویم خیلی درآور اسـت که ما درمورد مهاجرت وزرشکاران، نخبگان، هنرمندان و پزشکان حت نیسـتیم. دیوار یک اسـت آمار درست؛ اگر به وزارت بهداشت مراجعه کنید و بپرسید دقیقا چند نفر پزشک داریم که فعال هسـتند یا چند نفر کارگر طبابت می‌کنند و چند نفر از کشور رفته‌اند. به هیچ پاسخی نمی‌رسـید. اگر بروید وزرش و درمورد مهاجرت ورزشکاران بپرسید، باز هم آماری در دسـت نیست. در اخیار می‌شـنویم که فلان ورزشکار ناهنده شده یا مهاجرت کرد؛ ولی همه اینها، فقط افرادی هسـتند که رسـانه‌ای می‌شـوند. در بحث مهاجرت تشوجه‌های‌ان و نخبگان هم چنین مشکلی را داریم. ما مهاجرانی داریم که با نامدیری و یأس از کشور می‌رفتند. مطالعه‌ای در حال انجام اسـت و خیلی نتایج جالبی هم داشته اسـت. بعد از توصیب برخم یعنی در سال‌های ۹۵ و ۹۶ ما موج بازگشت متخصصان مشخص شـد. هم‌اکنون می‌بینی‌ای اجتماعـی و یأس و ناامیدی، بیشـتر از عوامل اقتصادی تاثیرگذار اسـت. در برخی از شـرکت‌ها طول عمر نگهداشـت نیرو به کمتر از یک سال رسیده است. این نیروها به محض حضور در شـرکت و نمایش توانایی‌های‌شان آن را ترک می‌کنند و مقصد بیشترشان هم فضای کار خارج از ایران اسـت.

● این مسئله موجب شـده که کمبود نیروی انسانی به فضای کار ایرانی ضربه بزرگی وارد کند. عضو هیئت علمی دانشـگاه شهید چمران می‌گوید: زیان ناشـی از خروج نیروهای انسانی بسیار بالاتر از تحریم‌هاست و باید این مهم را سیاست‌گذار درک کند.

مرتضـی افقه در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره افزایش مهاجرت از ایران گفت: من امروز دیگر از واژه فرار مغزها اسـتفاده نمی‌کنم؛ چراکه ما امروز با تلاش صاحبان حرف و مشاغل روبه‌رو هسـتیم که قصد مهاجرت از ایران را دارند. وی گفت: به‌هرحال اگر تا چندی پیش این نخبگان بودند که از ایران می‌رفتند، امروز اهل فن و صاحبان حرفه و... در حال مهاجرت از ایران هسـتند و همین امر نشان می‌دهد سیاست‌های ما تا چه اندازه برای جذب نیروها و جوانانمان اشـتباه بوده است. وی به ایده مهم دولت‌ها برای عبور از نفت و دستیابی به اقتصادی بدون وابستگی به نفت اشاره کرد و گفت: چه چیزی قرار است جایگزین نفت شود. وقتی نیروهای انسـانی به‌درسـتی حفظ نشـوند. طبیعی است وابسـتگی ما به نفت نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه دسـتخوش افزایش نیز خواهد شـد و این خطر بزرگی برای آینده ایران اسـت. به گفته وی بدون حضور نیروی انسـانی نمی‌توان از نفت عبور کرد و متاسفانه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر حفظ نیروی انسـانی نیسـت. افقه گفت: در این وضعیت حتی رفع تحریم کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند؛ چراکه ایران قادر نیست خود را در جاده توسعه نگه دارد.

● در حال حاضر تعداد بحران‌ها که در کشورخود دارد آن‌قدر زیاد است که ما حتی نمی‌توانیم به همه آنها بپردازیم. یکی از مسائلی که دنبا را آن درگیر است تغییرات اقلیمی است و آمارهای زیادی از مهاجرت اقلیمی داده می‌شود. به نظرتان شواهد دراین چطور است؟ در حال حاضر ما هم به شدت درگیر تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی هستیم.

خوشحاله که به این موضوع اشاره کردید. یکی از مخاطراتی که به شدت با آن مواجه هسـتیم، مهاجرت اقلیمی اسـت. در چند سال آینده، در بهترین اتفاقات، اهدوارترین اجتماع، باثبات‌ترین فضای سیاسـی، تغییرات اقلیمی تعیین خواهد کرد که آیا کشـور ما یک اتاق از سـکته است یا نه. آیا می‌تواند تاب‌آوری اقلیمی خود را حفظ کند و زیسـت‌بذیر باقی بماند یا خیر. رصدخانه مهاجرت بر اسـاس رسانی که بر عهده دارد، ایران خالی از سـکته است و ما می‌توانیم

پیشخوان Pishkhan.com

اصل ۲۷ قانون اساسی چطور تصویب شد

شماره ۲۷: حق ملت

«تشـکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سـلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد اسـت»؛ این متن اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اسـت؛ اصلی که بـه ایرانی‌ها اجـازه می‌دهد تا بدون خشـونت به تجمع و راهپیمایی بپردازند و اعتراض خود را بیان کنند. برای اینکه بدانیم این اصل چگونه به تصویب رسـید و چه شد در روزهای بعد از پیروزی انقلاب گروه‌های پیروز در انقلاب اسـلامی چنین حقی را برای مردم قائل شـدند، بد نیست نگاهی به مذاکرات قانون اساسی داشته باشیم. شرح همه جلسـاتی که منجر به تصویب قانون اساسی شد، در کتاب «صورت مشـروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسـلامی ایران» منتشر شـده اسـت. این کتاب در چهار مجلد در آذر ۱۳۶۴ شمسی توسـط اداره کل امور فرهنگی و روابط‌عمومی مجلس شـورای اسـلامی به چاپ رسیده است و در دسترس عموم قرار دارد. در این کتاب اشاره شده که حداقل چهار جلسـه برای بررسی و تصویب این اصل برگزار شده است که خلاصه آن را در ادامه می‌خوانید. آنچه در ادامه می‌خوانید خلاصه‌ای از مذاکرات درج‌شده در کتاب و متن خلاصه‌شده آن در درسنامه یکی از استادان حقوق عمومی کشور است.

در زمان بررسـی قانون اساسـی، چند گروه برای بررسـی مـوارد متعدد اصول قانون اساسـی تشکیل شد. بررسی سـرفصل مربوط به «حقوق ملت» به گروه سه، شـامل ۱۴ عضو سپرده شد. اعضای این گروه عبارت بودند از اسدالله امینی (رئیس)، ابوالفضل موسـوی‌تبریزی (نایب‌رئیس)، علی قائمی (منشی) و محمدتقی بشارت (منشـی). به‌جز این چهار عضو که ریاسـت گروه را بر عهده داشـتند، ۱۰ نفر دیگر یعنی محمدجواد باهنر، محمدجواد حجتی‌کرمانی، جعفر کریمی، هادی باریک‌بین، عزیز دانش‌راد، علی‌محمد عرب، منیره گرجی، محمد صدوقی، حسینعلی رحمانی و جـلال طاهری‌اصفهانی نیز در این گروه عضویت داشـتند. این گروه ۱۴نفره اصول بیسـت‌ودوم تا چهل‌وهفتم پیش‌نویس قانون اساسی را بررسی کردند که اصل ۲۷ قانون اساسی هم در میان آنها قرار دارد. از این‌رو شاید مطالعه مذاکرات این گروه که منجر به تصویب اصل ۲۷ قانون اساسی شد، در روزگار فعلی راهگشا باشد. همچنین مذاکرات این گروه در محضر چهره‌هایی مانند شهید بهشتی و آیت‌الله منتظری انجام شده است. متن اولیه اصل ۲۷ به شرح زیر است: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سـلاح و با اعلام قبلـی در خیابان‌ها و میدان‌هـا و مراکز عمومی آزاد اسـت به شـرط آنکه مخل امنیت و نظم عمومی برخلاف اسلام نباشد. دولت باید امنیت اجتماع‌کنندگان و مراکز و مسیرها را تضمین کند و از درگیری‌های خشونت‌بار جلوگیری نماید». از مذاکـرات دور اول تصویب این اصل چنین برمی‌آید که آیت‌الله منتظری خواهان حذف قید «حمل سـلاح» بودند. ایشـان در جلسـه اول بررسـی ایـن اصل می‌گوید: «اگر «بدون سـلاح» و «با اعلام قبلی»... هـر دو را حذف کنیم، به این شـکل: «اجتماعات و راهپیمایی‌ها در خیابان‌هـا و میدان‌ها و مراکز عمومی آزاد اسـت به شـرط آنکه مخل امنیت و نظم عمومی برخلاف اسلام نباشد» هیچ اشکالی هم ندارد». این پیشـنهاد البته با نظر اعضای گروه رد می‌شود و حسینعلی رحمانی در پاسخ به ایشان می‌گوید: «حمل سلاح برای اجتماع‌کنندگان و اشخاصی که راهپیمایی می‌کنند ذاتا خطرناک است». همچنین از متن مذاکرات چنین برمی‌آید که شـهید بهشتی که نایب‌رئیس جلسه تصویب این طرح بودند نیز به قیود مندرج در متن کارگروه، نظیر اطلاع‌رسـانی برای تجمع در مکان‌های سربسته مثل مساجد، ایرادهایی وارد کردند. در خلال مذاکرات برخی نمایندگان سؤالی مطرح کردند با این مضمون که آیا باید برای تجمعات در مکان‌های سربسته هم قانونی در نظر گرفت؟ که شهید بهشتی با آن مخالفت می‌کند. شهید بهشتی در این زمینه و در جلسه اول بررسـی اصل ۲۷ می‌گویند: «سؤالی که مطرح است، این است که مراکز عمومی اگر بخواهد شـامل سالن‌ها، مسـاجد و جاهایی که مزاحم رفت‌وآمد مردم هم نیست، بشود، آن قیود دیگر چرا؟ چرا ضرورت دارد که اعلام قبلی کنند؟ ضرورتی ندارد اگر بخواهند مجلسـی منعقد کنند یا در مسجد جمع بشوند، بروند و اعلام قبلی کنند». شـهید بهشـتی با این تذکر متن جدید پیش‌نویس اصل ۲۷ را به شرح زیر در دستور کار قرار می‌دهد: «تشـکیل اجتماعـات و راهپیمایی آزاد اسـت. مقررات مربوط به نظم راهپیمایی و اجتماع در خیابان‌ها و میدان‌های عمومی به موجب قانون معین می‌شـود». شهید بهشتی در تبیین متن پیشـنهادی خاطرنشان کرد تجمعات اصولا آزاد اسـت و فقط در مواردی که با آمدوشد عمومی تزاحم دارد باید محدودیت‌های قانونی اعمال شود. او در این زمینه می‌گوید: «ملاحظه می‌فرمایید، یک مطلب داریم راجـع به اجتماع و راهپیمایی در خیابان‌های عمومی، اینکه گفتید قانون بعد تعیین می‌کند، تشکیل اجتماعات آزاد است با قید مسالمت‌آمیز یا با قید دیگر. این معنایش این است که این اجتماعات در خیابان‌ها و میدان‌ها عمومی نیست، این اجتماعات در جای دیگر است. سؤالی که می‌کنند این است که آیا قید «مسالمت‌آمیز» لازم است، در غیر خیابان‌ها و میدان‌های عمومی هم قیدی لازم اسـت؟ یا اینکه خیر. احتیاجی به این قید نیست؟».

انتقاد دیگر، امکان اخلال در امنیت از طریق تجمعات بود و بر همین اساس برخی نظیـر طاهری‌خرم‌آبادی خواهان اختیار دولت بـرای محدودکردن تجمعات بودند. طاهری‌اصفهانی هم دغدغه «امنیت نظام» را داشـت. طاهری‌گرگانی نیز پیشنهاد کرد اختیار دولت محدود به تجمعات خیابانی نشود. شهید محمدتقی بشارت یادآور شد دولت وظیفه مدیریت اجتماعات را دارد، اما اختیار مدیریت نباید تبدیل به اختیار جلوگیری از این اجتماعات شـود. او خصلت راهپیمایی‌ها را بیان دردها و مشکلات عنوان و از ضرورت رهابودن آنها از قیود دولت دفاع کرد. شـهید بهشتی، رویه رژیم سـابق را یادآور شد که دولت به هر بهانه‌ای در برابر اعمال آزادی‌های اساسی مردم می‌ایسـتاد. مقیدکردن آزادی اجتماعات به مسـئله نظم خیابان‌ها، حدود مداخله دولت در تجمعات را روشـن می‌کند. بنی‌صدر اعتقاد داشت فساد مقیدکردن آزادی اجتماعـات به صلاح آن می‌چربد و هر قیدی می‌تواند دسـت دولت را باز بگذارد تا علیه آزادی مصرح در قانون اساسـی عمل کند. متن پیشنهادی از سوی نایب‌رئیس، رأی موافق کافی برای تصویب را کسب نکرد. شهید بهشتی جمع‌بندی بیان مخالفان را چنین دانسـت: تجمعات نباید «توطئه‌آمیز، علیه امنیت و نظام اسـلامی» باشد. بنی‌صـدر چنین قیودی را «آزادی اجتماع به شـرط نفس‌نکشـیدن» می‌دانسـت. میرمرادزهی، اعتقاد داشت مسلما راهپیمایی اعتراضی علیه تصمیمات دولت است و در چنین شرایطی دولت به هر بهانه‌ای جلوی آن را خواهد گرفت.

گروهـی از روحانیـون مثل محمـد صدوقی، علی مشـکینی، ربانی‌شـیرازی و سیدمحمد خامنه‌ای بر آن بودند که باید راهپیمایی‌های مخالف اسلام را محدود کرد. ایشان آزادی اجتماعات را از سنخ آزادی بیان و عقیده نمی‌دیدند. آزادی عقیده و بیان در جایی معنی دارد که کسی بتواند حرفی بزند و متخصصی علیه او اقامه دلیل کند و چون در راهپیمایی چنین امکانی نیسـت، نباید اجازه راهپیمایی‌های خلاف اسلام را داد. جلال‌الدین فارسـی به کارکرد ابزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها اشـاره کرد. او تجمع را مثل کاغذ می‌دانست و استدلال می‌کرد همان‌گونه که بی‌خبری از محتوایی که در آینده بر روی کاغذ خواهد آمد، مجوزی برای جلوگیری از تولید کاغذ نیسـت، به عذر آنکه ممکن اسـت تجمعی علیه مبانی اسلام باشد، نمی‌توان تجمعات را از ابتدا محدود کرد.

مسئله ارتکاب جرم در خلال یک تجمع از نظر حقوقی مسئله‌ای متفاوت با خود آن تجمع اسـت. او به جنبه‌ای دیگر از مشـکل نیز اشاره کرد: «شما باید... مشخص بکنید... اظهار عقیده برخلاف اسلام، چه از طریق راهپیمایی یا اجتماع یا کتاب باشد و چه زبانی و شـفاهی باشد... به‌طور کلی ممنوع اسـت؟». فارسی طرفدار دیدگاه آزادی تجمعـات نبود، بلکه درصدد توضیح فنی این مسـئله بود که اگر بنای ایجاد محدودیت در کیفیـت تجمعات وجود دارد، قانون‌نویس باید کجا را نشـانه برود؟ موسوی‌اردبیلی ادعا داشت نزاع موافقان و مخالفان به اشتباه به اختلاف‌نظر بر سر الفاظ مندرج در اصول فروکاسـته شده است. او معتقد بود یک اختلاف‌نظر بنیادین وجود دارد که باید حل شود؛ گروهی در اجازه‌دادن به راهپیمایی‌های خلاف مذهب شـبهه شرعی دارند و گروهی دیگر چنین شبهه‌ای ندارند. به عبارتی زمانی بحث بر سر الفاظ راهی می‌گشـاید که تفاهم بنیادینی حاصل آمده باشد و معماران تفاهم، درصدد دسـتیابی به بهترین شیوه اجرا و بیان آن باشند. در غیاب چنین تفاهمی، این اصل به هر لفظی هم که بیان شود، هر گروهی این الفاظ را به نفع دیدگاه خود تفسیر خواهـد کرد و طبیعتاً آن گروهی که غالب می‌آید، تفسـیر خود را نیز غالب خواهد کرد. جلسـه درباره نحوه انشای این اصل تنش‌آلود شد و برخی معتقد بودند برخی اقشار درصدد به انحصار درآوردن تجمعات هستند. در اصلاحیه پیشنهادی گفته شد اجتماعات نباید علیه «اسلام» و «امنیت» باشد. این پیشنهاد نیز رأی نیاورد و با دو بار رد اصل پیشنهادی، امکان ادامه بررسـی آن وجود نداشت. حسینعلی منتظری نیز با طرفداران آزادی اجتماعات همراه شـد و قیودی را آسیبی بزرگ‌تر از آسیب آزادی بی‌قیدوشرط تجمعات دانست.

او اعتقاد داشت در جامعه اسلامی موضوع تظاهرات علیه اعتقادات اسلامی به علت فشار اجتماعی منتفی است. ایراد چنین دیدگاهی آن است که دولت باید ضامن حق‌های اقلیت باشـد. در جلسه شـصت‌وچهارم، این متن مورد بحث قرار گرفت: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های مسـالمت‌آمیز بدون حمل سلاح و با اطلاع و اعلام قبلی به شـرط آنکه مخل امنیت و برخلاف مبانی اسـلام نباشد، آزاد است». نایب‌رئیس جلسـه قصد داشت این اصل بدون مذاکره به رأی گذاشته شود که مورد مخالفت آیین‌نامه‌ای محمد رشیدیان قرار گرفت. رشیدیان با قید «مسالمت‌آمیزبودن» تظاهرات نیز مخالف و معتقد بود این مجلس با تظاهرات مسـالمت‌آمیز بر سر کار نیامده اسـت که اکنون بخواهـد چنین قیدی برای تظاهرات بگـذارد. او به صورت ناخـودآگاه به ایـده «اراده مؤسـس» ارجاع مـی‌داد. در نقطه مقابـل، مخالفان، مسالمت‌آمیزبودن تجمعات را خواست بسیاری از مردم می‌دانستند. شهید بهشتی خود قبلا قید «مسـالمت‌آمیز»بودن را قیدی کش‌دار و موجب سوءاستفاده دانسته بود. به اعتقاد وی تأمین امنیت از سـوی دولت یک وظیفه همیشگی دولت است و اختصاصی به تجمعات ندارد. متن پیشنهادی با حذف قید «مخل به امنیت» به رأی گذاشته شد و از تصویب نگذشت. پس از این قید «اعلام قبلی» برای انجام اجتماعات مورد مخالفت قرار گرفت. ربانی‌شیرازی و مکارم‌شیرازی انواع اجتماعات مذهبی را سنخی از اجتماعات دانستند که با چنین اصلی محتاج اعلام قبلی می‌شوند.

صافی‌گلپایگانی پیشـنهاد کرد فقط «اجتماعات سیاسـی» مقید به چنین قیدی شـوند. منتظری یادآور شـد که دولت می‌تواند ادعا کند اقامه نماز جماعت نیز یک اجتماع سیاسی اسـت. در نهایت محمد رشیدیان یک قید کلی اما مبهم را پیشنهاد کرد: همین که اجتماعات مخل به مبانی اسلام نباشد کافی است. در نتیجه، منتظری متن کنونی اصل را پیشـنهاد کرد و بعد از منازعـات فراوان، چنین اصلی از تصویب گذشـت. ماهیت اجتماعات موقت و دائمی تفاوتی بـا یکدیگر ندارد و تنها از حیث اعراض با هم متفاوت هسـتند. اجتماعات انسـانی چنان فراوانی و گستره‌ای داشته و به نحوی با زندگی بشـر آمیخته شـده‌اند که هیچ دولتی نمی‌تواند مدعی شـود می‌تواند برای یک‌یک آنها مجوز صادر کند و ناچار اسـت آنهـا را آزاد بداند. آزادی اجتماعات، ادامه آزادی انسانی است و صرفا آن آزادی قرین قصد «حضور هم‌زمان در یک مکان» شده است. چنانچه در خلال یک اجتماع جرمی صورت گیرد، آن جرم موضوع رسیدگی مستقل خواهد بود. به نظر می‌رسد اصل قانون اساسی به تفاهمی بر سـر تزاحم آمدوشد عمومی و اجتماعات نرسیده است. اصل بیست‌وهفتم قانون اساسـی هیچ‌گاه مورد تفسیر شـورای نگهبان قرار نگرفته است. شورای نگهبان در پاسـخ به پرسش وزیر کشـور، وی را ازجمله مقامات صالح برای درخواست نظریه تفسـیری ندانست و از تفسیر آن طفره رفت. شـورای نگهبان تبصره ۲ ماده ۶ طرح قانونی فعالیـت احزاب (۱۳۶۰) را خلاف اصل بیسـت‌وهفتم دانسـت. تبصره ۲: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی طبق اصل ۲۷ قانون اساسی آزاد است، ولی برگزاری آن در پارک‌ها، میادین و معابر عمومی منوط به کسـب مجوز از وزارت کشور است». مجلس عبارت را به این نحو تغییر داد و موافقت شورای نگهبان جلب شد: «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشـور بدون حمل سـلاح درصورتی‌که به تشـخیص کمیسـیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است».

یادداشت

در اهمیت اصل ۲۷

حسین بشیری
پژوهشگر حقوق و رسانه

اگر در دوره‌ای درباره اصل ۲۷ قانون اساسـی که مربوط به به‌رسمیت‌شناخته‌شدن حق اعتراض و تجمع قانونی شـهروندان است، سـعی می‌شد که به صراحت سخنی گفته نشود اما تحولات رخ‌داده از سال ۱۳۹۶ تاکنون و اعتراضات و تجمعات هراز چندگاه اصناف و اقشـار گوناگون که برای بیان مطالباتشـان تشکیل شـده، موجب شده که در سـطح عوام و خواص نسـبت به اجرای واقعی این اصل اجماع خوبی شـکل بگیرد و درحال‌حاضر در مجلس و قوه قضائیه و قوه مجریه و شورای نگهبان شنیده می‌شود که اهمیت اصل ۲۷ قانون اساسـی که مربوط به حق اعتراض و تجمع قانونی شهروندان است، درک شده و قانون‌گذاران و مجریان قانون درباره چگونگی اجرای این اصل سخن می‌گویند. درباره اینکه چرا این اصل تاکنون به طور واضح و واقعی اجرا نشـده و حتی در حال حاضر هم برای اجرای آن مخالفت‌هایی شـنیده می‌شود، در واقع می‌توان علل متعددی برشمرد، اما یکی از مهم‌ترین موانع را باید در واهمه‌های غلبه‌کردن حواشی بر متن تجمعات و عدم کنترل آنان دانست، زیرا در حال حاضر هم اکثر مخالفان اجرای این اصل با اسـاس و مبنای حق اعتراض و تجمع قانونی مشکلی نداشته، بلکه این دغدغه را مطرح می‌کنند که ممکن اسـت بـا ورود عامل‌های محرک و تأثیرگذار و غیرخیرخواه داخلی یا خارجی ممکن اسـت تجمعات به آشـوب و اغتشاش تبدیل شوند و از هدف خـود دور بمانند. نباید فراموش کنیم و باید بپذیریم که اگر در کشـوری انتقاد و صدای اعتراض‌آمیز بیان نشـود یا شـنیده نشـود، معضلات و مطالبات کاملا مستعد تبدیل به آشـوب هسـتند و به خاطر همین دغدغه هم بوده که نظام‌های سیاسی همه به دنبال قاعده‌مندکردن و قانونمندکردن حق اعتراض و بیان مطالبات هستند و بسیاری از قواعد و معاهدات بین‌المللی هم حق اعتراض را به رسـمیت شناخته و از آن سخن گفته‌اند که کنوانسـیون اروپایی حقوق بشـر ۱۹۵۰ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسـی ۱۹۶۶ از جمله مهم‌ترین آنها هسـتند. ضمن اینکه در قوانین داخلی هم علاوه بر اصل بیسـت‌وهفتم قانون اساسی در اصل هشـتم قانون اساسی که امر به معروف و نهی از منکر بین مردم و دولت به خوبی تبیین شده است برمی‌آید که حق اعتراض در قانون به رسـمیت شناخته شده است و در اصل ۱۷۳ قانون اساسی نیز اجازه داده می‌شود علیه آیین‌نامه‌ها و قوانین خلاف در کشور اقدام کرده و حتی ابطال آنها از قوه قضائیه خواسته شود و همه این موارد تصدیق می‌کند که واضعان قانون اساسی گزینه عقلانی اعتراض را پذیرفته و بر آن صحه گذاشـته‌اند؛ اما به نظر می‌رسـد بـرای اجرای اصل ۲۷ قانون اساسـی و برای اینکه قواعد آن از مهجوریت خارج شود و در عرصه اجتماع شاهد بروز و ظهور این به‌رسمیت‌شناخته‌شـدن واقعی باشیم، باید تغییر نگاه‌هایی رخ دهد. اگر به ذیل اصل بیست‌وهفت قانون اساسی مراجعه کنیم می‌بینیم که تاکنون از شرط اساسی اصل بیست‌وهفت مبنی بر اینکه تجمعات باید مخل مبانی اسلام نباشد رفع ابهام نشده است و تعریف و تفسیر روشنی از گزاره «مخل مبانی اسلام نباشد» اظهار نشده است، زیرا در واقع همان‌گونه که بسیار گفته و شنیده شده، تعریف و تفسیرهای غیرتخصصی از این گزاره یکی از مهم‌ترین موانع اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی بوده و موجب شده مجریان قانون در هر دولتی براساس نگاه خود به تفسیر این شرط بپردازند.

همچنیـن رویکرد و سـخنان واضعان این اصل که در مشـروح مذاکرات ذیل اصل بیسـت‌وهفتم قانون اساسی موجود هست باید بار دیگر بازخوانی شود، زیرا در مشروح مذاکرات کاملا عیان اسـت که شرط مخل مبانی اسلام با نگاهی کاملا روشن بیان شده و واضعان به دنبال این نبوده‌اند که با تفسـیر موسـع از این شرط و غلبه آن بر اصل به فکر تضعیف روح حاکم بر آن باشـند و اصل بیسـت‌وهفتم قانون اساسـی را ناکارآمد کنند. ضمنا باید توجه داشت که درحال‌حاضر با توجه به قواعد و آیین‌نامه‌های موجود درخواسـت تجمعات مجوزمحور بوده که متأسفانه همین امر به جهت فقدان احزاب سیاسی قدرتمند و مسـئولیت‌پذیر به یکی از موانع مهم تبدیل شده که به نظر می‌رسد با تغییر رویکرد مجریان قانون از «مجوزمحور» به «اعلام‌محور» و مفروض‌دانستن اینکه اعتـراض و تجمع قانونی یک فرصت برای بیان مطالبات و ایرادات اسـت و نه تهدیدی برای ایجاد اغتشـاش، می‌توان گام دیگری به اجرای این اصل نزدیک شد. از سوی دیگر نبایـد فراموش کنیم که در واقع به‌رسمیت‌شناخته‌شـدن حق اعتراض و تجمع قانونی بر ارکانی استوار اسـت که مسـئولیت‌پذیر و تکلیف‌مدار و قانونمندبودن شهروندان از مهم‌ترین این ارکان اسـت و در کنار آن نگاه خیرخواهانه و مصلحانه داشـتن مسئولان و مفروض‌دانسـتن اینکه اعتراضات فرصتی برای رسـاندن سریع و مستقیم مطالبات و خواسـته‌های شهروندان به گوش مسئولان کشور است، از دیگر ارکان هستند. در نهایت اینکه در میان محاسبه میان فواید اجرای تمام و کمال و موسع اصل بیست‌وهفتم قانون اساسـی و مضرات آن کفه اثرات خیر آن کاملا سنگینی می‌نماید. بدانیم که گفت‌وگوی میان شـهروندان و مسئولان و شـنیدن مطالبات از مجرای مستقیم و قانونمند می‌تواند به همدل‌کردن مردم و مسـئولان کمک کند و از بسیاری از آشوب‌ها و اغتشاشات آینده جلوگیری کند.

جدول ۴۳۴۷ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نویسـنده فرانسوی و پیشـوای مکتب رئالیسم اجتماعـی ۲- میوه ریز شـیرین- سـتاره دنباله‌دار- بازگشت به گذشـته در فیلم ۳- ناحیه‌ای تاریخی در قفقاز- گرم‌ترین سـیاره منظومه شمسـی- هر فصل کتاب ۴- شک و تردید- سـامانه‌ای در سیستم بانکی برای انتقال پول- معشـوق ۵- سـرور شهیدان اهل قلم- سوره هفتادوسوم قرآن ۶- ژرف‌اندیشی- کنجد کوبیده- کلاه ایمنی ۷- گروه هم‌سـرایان- شعر کوتاه ژاپنی- سـاختار ۸- پرنمک- بازیگر فیلـم گلادیاتور سـاخته ریدلی اسکات- در زمسـتان می‌بارد ۹- پسر حضرت اسـحاق(ع)- میل به غذا- ضمیر انگلیسی ۱۰- سیاه‌خانه- رقیق- همسر مرد۱۱- پشت سر هم- بی‌سر و پا ۱۲- گاز نجیب سـبک- راغب و خواهان- محـل تقاطع دو دیوار ۱۳- کتاب‌هـای عربی- نوعی نارنگی- از اجزای چشـم ۱۴- اجـداد- امیدوار- یک حرف و سه حرف ۱۵- نمایشـنامه‌ای نوشته مرحوم اکبر رادی

عمودی:

۱- نشـانه جمع مؤنث عربی- پوشـاک دسـت- وسـیله‌ای بـرای نگهـداری اوراق و اسـناد اداری ۲- ورزشـی رزمـی- آزمون- پدرمرده ۳- کلیسـای تاریخـی پاریـس- تندر- دسـت شکسـته ... گردن است ۴- شـور و غوغا- پسـر کاوه آهنگر- کجاست ۵- آزادی- رودی در خوزسـتان- خاطـر ۶- کلمـه هشـدار- پیدا نمی‌شود- منسـوب به یمن ۷- سرای محبت- نوعی شیشـه مقاوم در برابر گرما- دربازکن برقـی ۸- اجازه ورود به کشـور خارجی- چرخ چاه- دسـتبند زنانه ۹- هیزم- کاسـه درویشـان- مخفف اگر ۱۰- تقسـیم ملک مشـاع بین مالکان- خواندن قرآن با قرائت درسـت- خودپسندی ۱۱- پرسـتار کودک- حکم خواندن قرآن در سـجده- اسبابی برای رسم خط عمود ۱۲- به دنیا آوردن- کیسه‌کش حمام- عرب‌ها ۱۳- تخم ماهی- میوه بهشـتی- از معجزات حضرت موسی(ع) ۱۴- گوشـت به سـیخ کشیده‌شـده- عظمت و بزرگی- مخفی ۱۵- از آتش‌افروزان- آلیاژی از آهن- روز گذشته

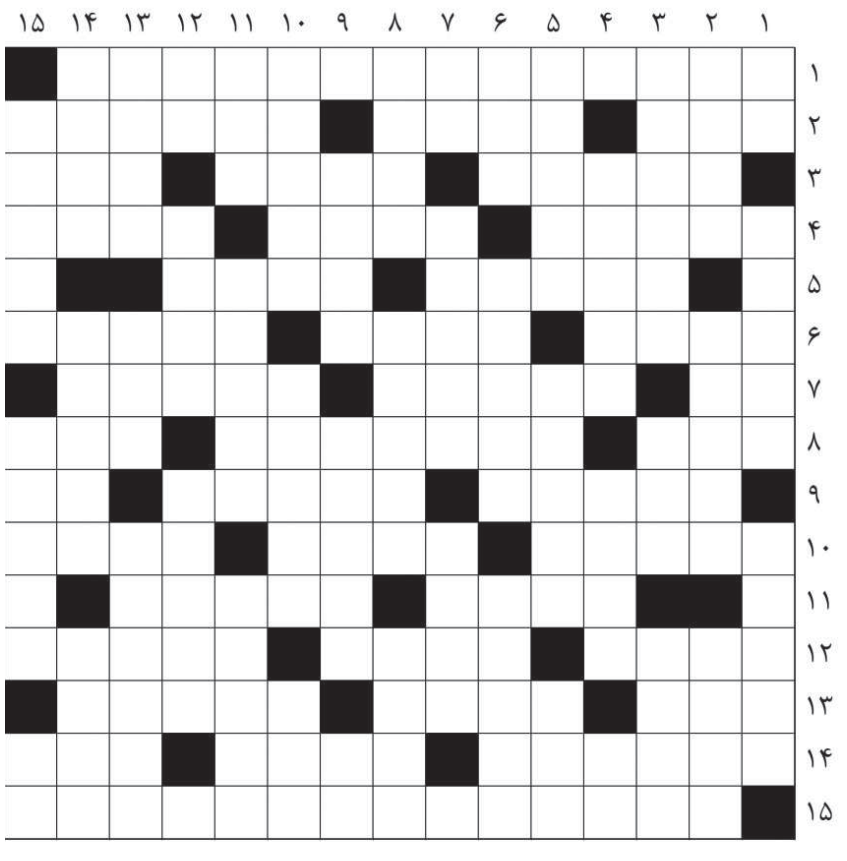

حل سودوکو سخت

۸	۵	۱	۳	۷	۶	۲	۹	۴
۲	۳	۶	۹	۸	۴	۷	۵	۱
۴	۷	۹	۱	۲	۵	۳	۸	۶
۳	۸	۲	۵	۶	۷	۱	۴	۹
۱	۶	۴	۸	۹	۳	۵	۷	۲
۵	۹	۷	۴	۱	۲	۸	۶	۳
۶	۴	۳	۲	۵	۸	۹	۱	۷
۹	۲	۸	۷	۴	۱	۶	۳	۵
۷	۱	۵	۶	۳	۹	۴	۲	۸

حل سودوکو ۳۳۴۲

۲	۸	۵	۷	۴	۹	۶	۳	۱
۳	۴	۷	۶	۱	۲	۹	۸	۵
۱	۹	۶	۸	۳	۵	۷	۲	۴
۸	۱	۴	۲	۵	۷	۳	۹	۶
۶	۳	۲	۴	۹	۸	۵	۱	۷
۷	۵	۹	۳	۶	۱	۲	۴	۸
۵	۷	۳	۹	۸	۴	۱	۶	۲
۹	۲	۸	۱	۷	۶	۴	۵	۳
۴	۶	۱	۵	۲	۳	۸	۷	۹

حل جدول ۴۳۴۶

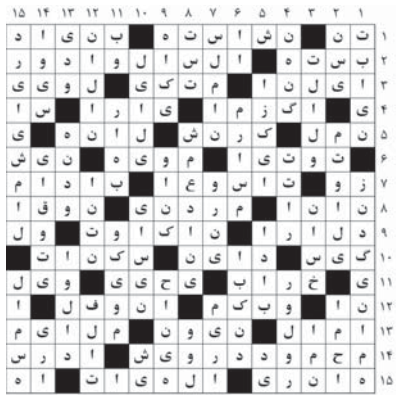

سودوکو سخت ۳۳۴۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵							۸
			۴			۲		
۸		۴			۲			۹
۲	۷		۴	۱				
	۸		۵		۹		۴	
				۷	۸		۹	۳
۵			۹			۶		۴
	۶			۵				
۱							۳	

سودوکو ساده ۳۳۴۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۲			۱	۶	۳	
۹		۷	۶	۲	۸	۱		
							۹	۸
				۳				۶
	۴		۲		۶		۷	
۱				۸				
۳	۱							
		۹	۳	۱	۲	۸		۴
	۶	۸	۵			۳		

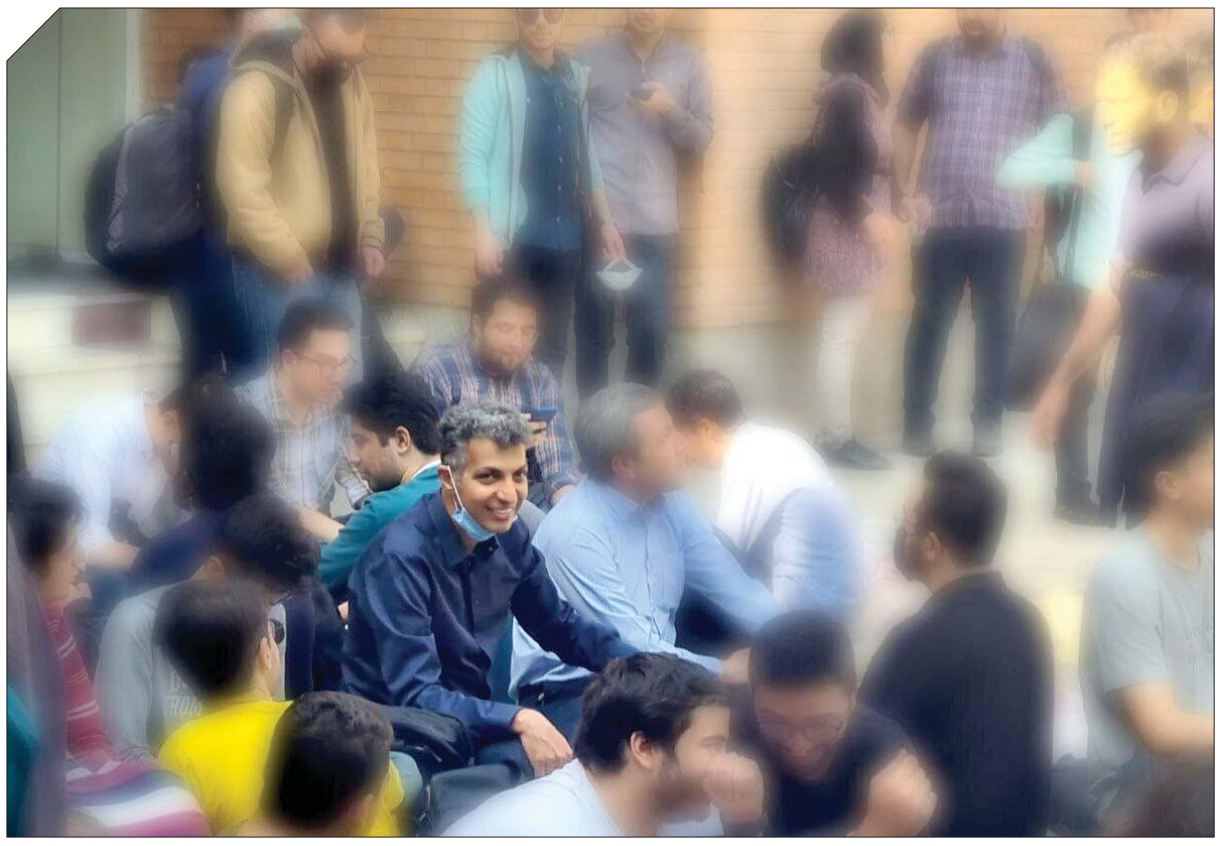

پایان عادل فردوسی‌پور و تلویزیون؟

سجاد فیروزی: عادل فردوسی‌پور، مجری محبوب و سابق برنامه ۹۰ از جمله چهره‌هایی است که هنوز هم تک‌تک حرکاتش مورد توجه و تفسیر قرار می‌گیرد. او با وجود سال‌ها کارکردن در رسانه ملی، تغییر رویه نداده و در اتفاقات مهم همیشه جانب مردم را گرفته است. با وجود موفقیت‌های بی‌شماری که در عرصه رسانه، مجری‌گری و البته تلویزیون به دست آورده، صداوسیما چند سالی می‌شود که موفق‌ترین برنامه دو دهه گذشته‌اش یعنی ۹۰ را با یک برنامه تقریبا بی‌مخاطب جایگزین و عادل فردوسی‌پور را از شبکه سه جدا کرده است. در کنار این موضوع، شایعات مربوط به ممنوع‌التصویری او هم به گوش می‌رسد؛ طوری‌که نه‌تنها شبکه‌های سیما بلکه هیچ‌کدام از شبکه‌های خانگی اینترنتی هم نمی‌توانند به‌صورت زنده برنامه‌ای با مجری‌گری عادل فردوسی‌پور بسازند.

فارغ از ماهیت رسانه‌ای عادل فردوسی‌پور، او مدرس و استاد دانشگاه صنعتی شریف است. جایی که اتفاقا با بیان نظرات مهمش درباره عدم مهاجرت از ایران، سال‌هاست نقشی کلیدی ایفا کرده است؛ عادل برخلاف تعداد معدودی از استادان که برای بیان نظراتشان چرتکه می‌اندازند، با وجود آنکه فعالیتی در فضای مجازی ندارد یا هیچ صفحه رسمی در دسترسش نیست، واهمه‌ای از بیان نقطه نظراتش ندارد. دست‌کم درمورد اتفاقاتی که به‌تازگی در دانشگاه شریف رخ داده، او صراحتا جانب دانشجویان را گرفته است. تقریبا دهه اول مهر بود که با ورود لباس شخصی‌ها به دانشگاه شریف، جو این دانشگاه به هم ریخت و صحنه‌های بعضا دلخراشی از برخورد با دانشجویان مخابره شد. همان زمان عادل فردوسی‌پور با صدور بیانیه‌ای تندوتیز از دانشجویان شریف حمایت کرد و نوشت: «تصاویر تلخ و تکان‌دهنده شب گذشته دانشگاه شریف، خشونت‌ها و ارعاب ناروا نسبت به دانشجویان فراموش‌نشدنی است. در ۲۳ سال دوران تدریس خود، مشوق دانشجویان بودم تا برای ساختن فردایی بهتر در ایران بمانند. با چه نگاه و متر و معیاری با فرزندان شریفی که باعث رشد و ترقی و سربلندی ایران عزیزمان بوده‌اند، چنین بی‌رحمانه رفتار می‌کنید و دیگر چگونه می‌توان از آنها انتظار داشت تا بازهم بمانند و بسازند؟ بی‌تردید تشکیل کلاس بدون حضور همه دانشجویان و در شرایط فعلی بی‌معناست. امیدوارم هرچه سریع‌تر دانشجویان بازداشت‌شده آزاد شوند و با رعایت حق آزادی بیان و اندیشه در فضایی امن و آزاد و به دور از خشونت، شرایط تشکیل کلاس‌ها فراهم شود».

حرف‌زدن تنها کاری نبود که عادل برای دانشجویان این دانشگاه انجام داد. او همین روز گذشته کف زمین دانشگاه در کنار بقیه دانشجویان نشست و ناهارش را با آنها خورد. این اتفاق هم از آن دست اتفاقاتی است که اخیرا رخ داده و سروصدای زیادی به پا کرده؛ ماجرا مربوط به ظهر روز یکم آبان و درگیری بین دانشجویان بسیجی و برخی دانشجویان دانشگاه شریف بود که خواهان حضور مختلط در سالن غذاخوری البرز دانشگاه بودند. خبر این درگیری چنان مورد توجه قرار گرفت که فردایش هیئت‌رئیسه دانشگاه شریف در بیانیه‌ای از تعطیلی سلف دانشگاه خبر داد. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «با توجه به صدمات وارده به سالن غذاخوری البرز امکان صرف غذا در داخل سالن وجود ندارد و تا زمان انجام و پایان تعمیرات و اطمینان از فراهم‌شدن فضای آرامش، غذا به‌صورت بسته‌بندی‌شده در ضلع جنوبی سلف تحویل دانشجویان خواهد شد». دانشجویان ولی از اقدام اولیه خود عقب‌نشینی نکردند و با انداختن سفره در حیاط دانشگاه، غذا را در کنار یکدیگر خوردند. انتشار تصاویر عادل فردوسی‌پور کنار آنها بازتاب زیادی داشت و بار دیگر وجهه خاص عادل را نمایان کرد.

تردیدی در این نیست که عادل همواره تلاش کرده و می‌کند که جانب مردم باشد؛ ولی مسئله اینجاست که او علاقه خاصی به برنامه ۹۰ دارد و با وجود برچیده‌شدن این برنامه به دلیل بدسلیقگی مسئولان شبکه سه، همچنان امیدوار است فضایی فراهم شود تا بتواند دوباره برنامه‌ای را که خودش می‌گوید مانند یک کودک آن را بزرگ کرده و از آب و گل درآورده، اجرا کند. دراین‌بین نقل‌قول‌هایی هم از عادل منتشر شده که خودش را فرزند رسانه ملی دانسته و علاقه‌اش را نشان داده است. با وجود چنین مباحثی به نظر می‌رسد با توجه به اتفاقات و اظهارنظرات اخیر، راه دوباره رسیدن عادل به تلویزیون که مشخصا منظور شبکه سه و برنامه ۹۰ است، دورتر از هر زمان دیگری شده است. فردوسی‌پور این روزها همچنان به همکاری‌اش با شبکه ورزش به‌عنوان تهیه‌کننده فوتبال ۱۲۰ ادامه می‌دهد؛ ولی کماکان تصویری از او یا گزارش فوتبالی از این چهره خاطره‌انگیز پخش نمی‌شود. پیش‌تر هم که علی فروغی، مدیر شبکه سه سیما، دلیل همکاری‌نکردن با عادل فردوسی‌پور را «بر مدار نماندن» این مجری توصیف کرده بود تا مشخص شود عادل برخلاف دیگر مجریان تلویزیون حاضر به پذیرش هر امر و فرمانی نخواهد بود؛ ولی این رویه با معرفی پیمان جبلی به‌عنوان رئیس جدید صداوسیما در آستانه تغییر قرار گرفت. او به‌وضوح از امکان بازگشت عادل فردوسی‌پور به تلویزیون حرف زده و ابراز علاقه کرده بود که عادل دوباره به قاب سیما برگردد. گذر زمان ولی همان حرف‌ها را هم در حد شعار باقی گذاشت تا اینکه لابه‌لای صحبت‌های اخیر جبلی مشخص شده که فرصتی برای بازگشت عادل فردوسی‌پور به تلویزیون باقی نمانده است. رئیس صداوسیما اخیرا و به بهانه ویدئویی که مهران مدیری منتشر کرده و احتمال همکاری و پخش برنامه «دورهمی» گفته است: «کارکردن در رسانه ملی خدمت به جامعه است، کسی که بتواند این کار را در قالب خدمت به رسانه ملی انجام دهد، باید افتخار کند؛ همان‌طور که کارکردن در رسانه ملی برای من و همکارانم افتخار است، کسی که بخواهد از این امکان و فرصت استفاده کند، قدمش روی چشم، قبلا هم گفتم که از تمام ظرفیت و استعدادی که قدر این فرصت را بداند با تمام وجود استفاده می‌کنیم؛ اما اگر نخواهد از این فرصت استفاده کند یا قدرش را نداند، استعداد در جامعه زیاد است و طبیعت رسانه هم ایجاب می‌کند که استعدادها دائما شناسایی شوند و به نیروهای تازه‌نفس میدان داده شود تا ما محدود در یک مرحله نشویم».

این همان بخشی است که قبلا درباره‌اش صحبت شد. عادل فردوسی‌پور تا قبل از ورود علی فروغی مشکلی با تلویزیون نداشت و همان‌طورکه عنوان شد، خودش را فرزند رسانه ملی می‌دانست. بااین‌حال، بخش دوم صحبت‌های جبلی است که بازگشت عادل به قاب تصویر تلویزیون را بیشتر از همیشه در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. «کسی که در رسانه ملی شناخته‌شده و شهرت پیدا کرده است و این شهرت به رسانه ملی ربط دارد، باید موضع او به‌طور عادلانه و منصفانه با رسانه ملی هماهنگ باشد، اگر آن قاعده را رعایت نکند، سازمان هم وظیفه خود می‌داند که رفتار مناسب را داشته باشد، در دنیا هم افراد مشهوری که موضع‌گیری می‌کنند که با سیاست‌های آن رسانه هم‌خوانی ندارد، با آنها هیچ تعارفی نداشتند، ما هم با تمام طرف قراردادهای‌مان این نکته را بیان می‌کنیم که اگر به شهرت رسیدید باید یادتان باشد که نماینده رسانه ملی هستید و موظفید که درمورد موضع‌ها تابع نظرات صداوسیما باشید؛ در غیراین‌صورت از صداوسیما جدا خواهید شد».

همین صحبت‌ها به‌وضوح تداعی‌کننده اظهارنظراتی است که علی فروغی پیش‌تر درباره عادل فردوسی‌پور بیان کرده و دلیل قطع همکاری با او را خروج از مدار توصیف کرده بود. جبلی هم برخلاف شعارهای اولیه‌اش حالا همان حرف‌ها را با صراحت بیشتری تکرار کرده است. حال از آنجا که عادل فردوسی‌پور نشان داده برای خودش قاعده و ساختار مشخصی دارد، از طرفی محبوبیت ویژه‌ای هم بین مردم دارد، تضاد مشخصی شکل می‌گیرد. تضادی که به نظر می‌رسد یک دوراهی مشخص دارد: اینکه عادل یا باید بر مدار صداوسیما کار کند یا اینکه بی‌خیال وصال دوباره شود. این روزها رفتار عادل فردوسی‌پور، پاسخ این ابهام را تا حدودی داده است.

هفته یازدهم؛ هفته محافظه‌کاری پرسپولیس و استقلال؟

هفته یازدهم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران فردا و پس‌فردا ادامه دارد تا آخرین بازی‌های لیگ پیش از شروع جام جهانی برگزار شود. در دیدارهای این هفته از فردا، پرسپولیس در ورزشگاه آزادی به مصاف مس کرمان می‌رود و روز بعد، استقلال باید در دیداری خارج از خانه با هوادار مصاف دهد. از آنجا که فشردگی صدر جدول همچنان باقی است، به نظر می‌رسد کسب سه امتیاز این دیدارها از نان شب برای بازیکنان سرخابی واجب‌تر باشد. بااین‌حال، بازی‌های این هفته تحت تأثیر اتفاقاتی است که قرار است در هفته‌های آتی رخ دهد؛ اول جام جهانی و دوم دربی. بازی هفته دوازدهم و رقابت حساس دربی قرار است بعد از بازی‌های جام جهانی برگزار شود. اهمیت این دیدار آن‌قدری هست که تمامی ستاره‌های دو تیم استقلال و پرسپولیس دوست داشته باشند در آن به میدان بروند. شرایط ولی به‌گونه‌ای است که ممکن است ۹ نفر از همین بازیکنان دیدار دربی را از دست بدهند. در این مورد، وضعیت برای باشگاه پرسپولیس به‌مراتب پیچیده‌تر است. آنها در مقایسه با استقلال در خطر ازدست‌دادن مهره‌های کلیدی‌تری هستند. ماجرا از این قرار است که ۹ نفر از بازیکنان دو تیم، سه‌اخطاره هستند.

طبق قانون جاری در لیگ برتر ایران، یک بازیکن برای اولین‌بار با دریافت چهار کارت زرد و در ادامه با دریافت سه کارت زرد از دیدار بعدی تیمش محروم می‌شود. حالا، ۹ بازیکن استقلال و پرسپولیس سه‌اخطاره شده‌اند و اگر در دیدارهای این هفته، کارت زردی بگیرند، بازی حساس دربی در هفته دوازدهم را از دست می‌دهند. صالح حردانی مدافع راست استقلال که با وجود نیمکت‌نشینی در هفته‌های اخیر در فهرست کارلوس کی‌روش در اردوی پیشین تیم ملی حضور داشت و برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر تلاش می‌کند، بعد از درخشش در دربی برگشت فصل گذشته و ساخت گل تساوی استقلال، حالا در خطر محرومیت قرار دارد و در صورت دریافت کارت زرد در مصاف با هوادار، دیدار تیمش در هفته دوازدهم مقابل پرسپولیس را از دست می‌دهد. البته با توجه به آنکه ریکاردو سا پینتو خیلی به این بازیکن اعتقادی ندارد و کوین یامگا را در پست مدافع راست به کار می‌گیرد، خطر چندانی صالح را تهدید نمی‌کند. خطر جدی در این مورد متوجه دو ستاره استقلال است. مهدی مهدی‌پور و روزبه چشمی دو هافبک باتجربه استقلال که از عناصر کلیدی ترکیب آبی‌پوشان پایتخت به‌شمار می‌روند و هر دو بازیکن در اردوی اخیر تیم ملی هم حضور داشتند، جزء بازیکنان سه‌اخطاره بوده و در خطر محرومیت از حضور در دربی پایتخت هستند و باید با احتیاط بیشتری در مصاف با هوادار حضور پیدا کنند. اخیرا شایعاتی به راه افتاده مبنی بر اینکه ممکن است سا پینتو برای اینکه این دو مهره کلیدی را در دربی داشته باشد، به آنها در دیدار برابر هوادار استراحت دهد. موضوعی که حساسیت کنونی جدول می‌تواند آن را ریسک‌پذیر جلوه دهد. پیمان بابایی که به مهاجم اول استقلال در هفته‌های اخیر تبدیل شده و در رؤیای حضور در اولین دربی پایتخت در دوران فوتبالی‌اش است، دیگر بازیکنی است که در خطر محرومیت قرار دارد و جزء بازیکنان سه‌اخطاره استقلال محسوب می‌شود. بابایی اگر در مصاف با هوادار از داور مسابقه اخطار بگیرد، شانس حضور در دربی را از دست می‌دهد و باید چند ماه دیگر برای حضور در مقابل پرسپولیس در پیراهن استقلال چشم‌انتظار بماند! در این مورد شرایط برای باشگاه پرسپولیس حساس‌تر است. شاگردان یحیی گل‌محمدی درحالی باید در هفته یازدهم لیگ برتر مقابل مس کرمان صف‌آرایی کنند که پنج بازیکن این تیم در خطر ازدست‌دادن فرصت حضور در دربی هستند. علیرضا بیرانوند با کارت زردی که در دقایق پایانی دیدار هفته گذشته با ملوان گرفت، سه‌اخطاره شد و حالا یک کارت زرد در دیدار با مس کرمان می‌تواند باعث محرومیت دروازه‌بان شماره یک پرسپولیس از حضور در دربی شود. گیورگی گولسیانی مدافع باتجربه پرسپولیس در کنار علی نعمتی دو عنصر دفاعی سرخ‌پوشان هستند که سه‌اخطاره‌اند و خطر محرومیت از دربی را احساس می‌کنند. در کنار این سه بازیکن، سروش رفیعی هافبک خلاق و بازی‌ساز پرسپولیس دیگر بازیکنی است که احتمال دارد نتواند در برابر استقلال در دربی حضور پیدا کند، رفیعی در صورت دریافت کارت زرد در دیدار با مس کرمان شانس حضور در مصاف با آبی‌پوشان پایتخت را از دست می‌دهد. به غیر از این مهره‌های کلیدی محمد عمری هافبک جوان سرخ‌پوشان پایتخت با وجود آنکه فرصت بازی کمی برای حضور در ترکیب پرسپولیس در لیگ بیست‌ودوم به دست آورده، جزء بازیکنان سه‌اخطاره تیمش محسوب می‌شود و این بازیکن جوان هم در خطر محرومیت از حضور در دربی است تا پرسپولیسی‌ها با حضور پنج بازیکن در خطر محرومیت از دربی در دیدار هفته یازدهم مقابل مس کرمان حضور پیدا کنند، مسابقه‌ای که پنجشنبه پنجم آبان در ورزشگاه آزادی به انجام خواهد رسید. استقلال هم روز جمعه ششم آبان در ورزشگاه پاس قوامین تهران میهمان هوادار است.

علیرضا دبیر نامه استعفای سوریان را پاره کرد

سخنگوی فدراسیون کشتی در واکنش به استعفای حمید سوریان از سمت نایب‌رئیسی به تشریح موضوع پرداخت و جزئیات جالب و عجیبی را عنوان کرد. به گزارش مهر، روز گذشته خبر استعفای حمید سوریان، نایب‌رئیس فدراسیون کشتی درحالی منتشر شد که برخی آن را غیرمنتظره و برخی دیگر آن را اقدامی تکراری خواندند. در همین راستا محمدابراهیم امامی، سخنگوی فدراسیون کشتی، به تشریح این موضوع پرداخت و به مهر گفت: استعفای سوریان چیز جدیدی نبود و او اولین بار یک‌سال‌و نیم پیش به دلیل مسائل شخصی این موضوع را اعلام کرد. به دنبال این موضوع در همان زمان نشست صمیمانه و دوستانه‌ای با حضور علیرضا دبیر رئیس فدراسیون و حمید سوریان برگزار و بسیاری از مسائل مطرح شد. او افزود: در آن جلسه فنی و دوستانه سوریان به دبیر گفت ادامه کار در فدراسیون به دلیل مشکلات و مشغله شخصی سخت شده که دبیر خطاب به او این جمله را بیان کرد و گفت «این آشی است که خودتان برای من پختید، پس باید تا آخر باهم باشیم». به‌این‌ترتیب بحث استعفای سوریان حل‌وفصل شد و این موضوع تا اکنون دیگر تکرار نشد. امامی در پاسخ به این سؤال که پس موضوع استعفای اخیر چیست؟ گفت: استعفای اخیر مربوط به یک هفته قبل است که سوریان مجددا بحث استعفا به دلیل مشکلات شخصی را مطرح کرد. او این بار استعفانامه خود را در محل فدراسیون به علیرضا دبیر تحویل داد. از آنجایی که رابطه سوریان و دبیر بسیار دوستانه و صمیمانه است و این دو قهرمان نامدار از نوجوانی با یکدیگر در یک محل بزرگ شده‌اند و باهم خیلی راحت هستند، دبیر با خنده و شوخی نامه استعفای سوریان را پاره کرد و با همان لحن دوستانه به او گفت تا روزی که من در فدراسیون هستم شما هم هستید. سخنگوی فدراسیون کشتی در پایان ادامه داد: به‌این‌ترتیب این موضوع دوستانه و به‌سادگی حل و بحث استعفای سوریان منتفی شد. این درحالی است که سوریان روز گذشته هم به فدراسیون آمد و همچنان به‌عنوان نایب‌رئیس فدراسیون حضور داشت. او حتی لیست اردونشینان تیم ملی کشتی فرنگی را هم رؤیت و نظرات خود را بیان کرد. او همچنان در فدراسیون کشتی مانند سابق فعالیت می‌کند و امور محوله زیر نظر او انجام خواهد شد.

اخبار برگزیده

سخنگوی دولت: علی کریمی می‌تواند به کشور برگردد

علی بهادری‌جهرمی که به دانشگاه قم رفته بود، با اشاره به شعار دانشجویان در حمایت از علی کریمی، بازیکن سابق تیم ملی ایران گفت: او می‌تواند به داخل کشور برگردد، کسی با او مشکلی ندارد، ولی دیکتاتوری رسانه‌ای اجازه نمی‌دهد که صدای واقعیت و حقیقت حتی به گوش ورزشکاران برسد. شعار زن، زندگی، آزادی و مرد، میهن، آبادی شعار دولت نیز هست و از آن حمایت می‌کند. دولت با هر کنش رسانه‌ای و اقتصادی برای شنیده‌شدن صدای ملت خود در عرصه جهانی موافق است اما با بی‌نظمی در هیچ امری موافق نیست.

پیشخوان Pishkhan.com

پاداش ۵۰ میلیونی به اولین المپیکی ایران در پاریس

پاداش کسب سهمیه المپیک ملی‌پوش تیراندازی ایران ۵۰ میلیون تومان تعیین شد. هیئت اجرائی کمیته ملی المپیک برای کسب هر سهمیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس پاداشی مصوب کرد که مبلغ آن ۳۰ میلیون تومان است. هانیه رستمیان ملی‌پوش تیراندازی موفق شد اولین سهمیه المپیک ایران را کسب کند. کمیته ملی المپیک قرار است به رستمیان بیشتر از بقیه پاداش بدهد و پاداش او ۵۰ میلیون تومان تعیین شده است. این پاداش ۵۰ میلیون تومانی برای این است که رستمیان اولین سهمیه المپیک ایران را کسب کرده و از طرفی جزء ورزشکاران بانوان است. همچنین ورزشکارانی که سهمیه المپیک گرفته‌اند، از ۲۰ ماه مانده به المپیک پاریس حقوق دریافت خواهند کرد.

یک بطری آب در جام جهانی چند؟

هوادارانی که در ایام جام جهانی ۲۰۲۲ به قطر، سفر می‌کنند برای خرید یک بطری آب در دوحه چقدر باید خرج کنند؟ به گزارش ایسنا و به نقل از استارنیوز، جام جهانی ۲۰۲۲ قطر تا چند هفته دیگر آغاز می‌شود و کشور قطر به مدت یک ماه مرکز فوتبال جهان خواهد بود. امروز به شما خواهیم گفت که یک بطری آب در این کشور گرم، چقدر قیمت دارد. جام جهانی فوتبال برای اولین بار در خاورمیانه برگزار می‌شود و منطقه نسبتا ناشناخته‌ای برای گردشگران است. قیمت یک بطری ۱.۵ لیتری آب که در مغازه‌ها فروخته می‌شود، ارزشی معادل ۱.۸۵ ریال قطر (حدود ۱۵ هزار تومان) دارد. خیلی از هواداران و علاقه‌مندان در قطر می‌توانند از رستوران‌های مختلف دیدن کنند یا ترجیح دهند به گزینه دم‌دست مثل «مک دونالد» مراجعه کنند. یک ساندویچ مک دونالد در قطر حدود هفت دلار (حدود ۲۱۰ هزار تومان) قیمت دارد؛ درحالی‌که هزینه یک وعده غذای دونفره در یک رستوران متوسط، تقریبا ۵۵ دلار است. جام جهانی ۲۰۲۲ قطر از روز یکشنبه ۲۹ آبان آغاز و یکشنبه ۱۸ آذر به پایان می‌رسد.

برنامه بازی‌های ایران در گروه B جام جهانی ۲۰۲۲ به شرح زیر است:

۳۰ آبان: انگلیس - ایران، ساعت ۱۶:۳۰، ورزشگاه بین‌المللی الخلیفه

۴ آذر: ولز - ایران، ساعت ۱۳:۳۰، ورزشگاه احمد بن علی

۸ آذر: ایران - آمریکا، ساعت ۲۲:۳۰، ورزشگاه الثمامه

شکایت ۲۷۶ هزار یورویی به خاطر طارمی

یکی از شرکت‌هایی که در زمینه نقل‌وانتقالات بازیکنان ایرانی فعالیت دارد، علیه باشگاه فوتبال ریوآوه پرتغال شکایت و ۲۷۶ هزار یورو طلب کرد. به گزارش ایرنا، سایت پرتغالی cmjornal مدعی شد یکی از شرکت‌هایی که در آگوست ۲۰۲۰ واسطه انتقال مهدی طارمی به پورتو شد، ویتور بایا معاون پورتو را به‌عنوان شاهد در دادخواستی معرفی کرد که در دادگاه علیه باشگاه فوتبال ریوآوه شکایت کرده است. این شرکت، پنج درصد معامله ۴.۷ میلیون یورویی، ۲۷۶ هزار یورو (به‌علاوه سود) را طلب می‌کند که تا امروز پرداخت نشده است. مهدی طارمی که به دلیل ملیت ایرانی‌اش گاهی در بین بازیکنان پورتو «شاهزاده ایرانی» نامیده می‌شود، حدود ۱۵۰ بازی برای تیم‌های پورتو و ریوآوه انجام داده و در چهار فصل لیگ پرتغال حدود ۶۰ گل به ثمر رسانده است که اعداد و آمار بسیار چشمگیری برای این مهاجم ایرانی به حساب می‌آید. این بازیکن طبق آمار سایت diariodigital تبدیل به یکی از پنج بازیکن برتر حاضر در لیگ پرتغال شده است.

فوتبال در امروز

۴ آبان

اینتر - ویکتوریا پلژن ۲۰:۱۵	ناپولی - گلاسکو ۲۲:۳۰
کلوب بروژ - پورتو ۲۰:۱۵	تاتنهام - اسپورتینگ ۲۲:۳۰
آژاکس - لیورپول ۲۲:۳۰	اتلتیکومادرید - لورکوزن ۲۲:۳۰
اینتراخت فرانکفورت - مارسی ۲۲:۳۰	بارسلونا - بایرن مونیخ ۲۲:۳۰

شهرداری کرج

آگهی مناقصه عمومی شماره «۲۰۰۱۰۰۵۲۶۵۰۰۰۲۵۴»

شهرداری کرج در نظر دارد برابر بودجه مصوب شورای اسلامی شهر، پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح پروژه	مبلغ پروژه به ریال	مبلغ سپرده به ریال	رتبه لازم	درصد تهاتر قرارداد
۱	اصلاح هندسی خیابان شهید بهشتی و شهید چمران حد فاصل پایانه حصارک تا پایانه شهید سلطانی در راستای اجرای خط ویژه اتوبوس و مناسب سازی گذر های تردد عابرین پیاده – با برآورد کل	۲۲/۱۱۴/۲۰۱/۹۹۰	۱/۱۰۶/۰۰۰/۰۰۰	۴ ابنیه یا ۴ راه وترابری	%۵۰

۱ – سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روش های ذیل ارائه گردد : ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته باشد و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر

۲–برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد .

۳–مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ به نام شهرداری کرج از طریق سامانه الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می بایست واریز گردد.

۴–متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۱/۸/۹ جهت خرید اسناد مناقصه به سامانه الکترونیک دولت (ستاد) مراجعه نمایند .

۵–شرکت کنندگان می بایست ضمن بارگزاری ضمانت نامه شرکت در مناقصه در سامانه ستاد ، نسبت به تحویل اصل ضمانت نامه تا ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱۹ به آدرس کرج–میدان توحید – بلوار بلال –شهرداری کرج طبقه هفتم اداره امور پیمانها و قراردادها اقدام نمایند.

۶–در صورت بروز هرگونه تناقض در موارد مندرج در آگهی با سامانه ستاد ، ملاک عمل سامانه ستاد خواهد بود .

۷–پیشنهادات رسیده در مورخ ۱۴۰۱/۸/۲۱ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری مطرح و پس از بررسی و کنترل ، برنده مناقصه اعلام خواهد شد .

۸– چاپ هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد .

*جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۸۹۲۴۲۳–۰۲۶ تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمائید./۰۸۵ مصطفی منصور زارع

رئیس اداره امور پیمانها و قراردادها

اداره امور قراردادها و پیمانها – شهرداری کرج

شورای شهر پس از اعلام مسئله آب در تهران

پایتخت دیگر ظرفیت ندارد

«اگر باران نبارد، تهران بیشتر از صد روز آب ندارد»؛ این هشدار مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران در صحن علنی شورای شهر است. درحالی‌که تنها یک روز از تکذیب خبر اتمام ذخایر آبی تهران در صد روز آینده از سوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران گذشته، برخی از اعضای شورای شهر تهران تأکید داشتند در این حوزه باید واقعیت‌ها را به مردم گفت تا در مصرف آب کمبودها را در نظر بگیرند. پیرهادی نسبت به بحران کم‌آبی و ضرورت مصرف بهینه آب در تهران هشدار داد و گفت: متأسفانه بر اساس گزارش مدیرعامل سازمان آب و فاضلاب تهران، شهر صد روز بیشتر آب ندارد و این هشداری برای شهر تهران است.

عکس: ایمان حامی خواه، مهر

در جلسه گذشته شورای شهر نیز مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران، درباره وضعیت آب تهران تذکر داده و گفته بود: شرایط آبی تهران، مناسب نیست. نمی‌توانیم وضعیت نزولات جوی را پیش‌بینی کنیم؛ بنابراین عقل حکم می‌کند در هر شرایطی وضعیت مصرف را اصلاح کنیم؛ به‌ویژه در شرایطی که تهران با وضعیت آبی نامناسبی مواجه است.

در جلسه شورای شهر روز گذشته، جزئیات بیشتری از وضعیت آبی پایتخت گفته شد. مهدی پیرهادی با اشاره به میزان آب پنج سد اطراف تهران گفت: ذخایر آبی این سدها بسیار پایین است و به گفته مدیرعامل سازمان آب‌وفاضلاب اگر باران نیاید، با توجه به شرایط فعلی، تهران صد روز بیشتر آب ندارد. واقعیت‌ها را باید به مردم گفت. در سدهای اطراف تهران آب وجود ندارد و باید گفت آب نیست.

او با بیان اینکه اکنون که در فصل پاییز و زمستان دچار کمبود آب هستیم باید برای فصل تابستان و سال‌های بعد چاره‌اندیشی کنیم، یادآور شد: چون واقعیت‌ها را به مردم نمی‌گوییم، مردم حساسیت موضوع را احساس نمی‌کنند. بسیاری از مجموعه‌های دولتی و نهادهای عمومی ازجمله شهرداری باید برای مصرف بهینه آب و برق اقدامات لازم را انجام داده و مبحث ۱۶ و ۱۹ ساختمان را اجرا کنند.

پیرهادی اضافه کرد: این موضوع را با استاندار تهران نیز مطرح کرده‌ام. ابتدا مجموعه‌های دولتی و نهادهای عمومی باید مبحث ۱۶ و ۱۹ را اجرائی و تعیین‌تکلیف کنند تا پس از آنها از شهروندان بخواهیم این مباحث را اجرائی کنند.

او به ساخت‌وسازهای اخیر در تهران و اطراف آن اشاره کرد و گفت: از دولتمردان می‌خواهم نسبت به سکونت‌پذیری شهر تهران تجدیدنظر کنند؛ چراکه تهران بیش از ۱۰ میلیون نفر گنجایش ندارد. در شهر پرند حتی با گذر از ۴۰۰ متر به آب نمی‌رسیم؛ پرند ظرفیت گنجایش بیشتر و آب و برق هم ندارد.

پیرهادی با بیان اینکه مدیرعامل آب و فاضلاب بارها در نامه‌های مختلف اعلام کرده است شهر پرند ظرفیت ندارد، گفت: بر اساس اعلام مدیرعامل آب و فاضلاب تهران، شهر پرند آب و برق و زیرساخت ندارد.

او در توضیح بیشتر وضعیت آبی پایتخت به «شرق» گفت: جمعیت تحت پوشش شهر تهران نزدیک به ۱۲ میلیون نفر است و حدود یک‌میلیون‌و ۱۴۵ هزار انشعاب آب در شهر تهران داریم که اگر انشعابات را به تعداد واحدها محاسبه کنیم، در حدود چهارهزارو ۵۸۰ انشعاب می‌شود. شبکه توزیعی که در مدار بهره‌برداری است، ۱۰هزارو ۲۲۰ کیلومتر است که حجمی درخور توجه است. همچنین در تهران هفت تصفیه‌خانه و حدود ۶۰۰ حلقه چاه داریم که به آبرسانی شهر تهران کمک می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که میزان آبی که ما در ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ از منابع زیرزمینی استفاده کردیم، نسبت به سال جاری بسیار کمتر بوده و امسال بیشتر از سال قبل از منابع زیرزمینی‌مان استفاده می‌کنیم. منابع سطحی ما نیز کاهش پیدا کرده است.

او ادامه داد: علت آن نیز کاهش بارندگی به‌ویژه در فصل پاییز است. در سال ۱۳۹۰ کل برداشت از منابع یک‌میلیاردو ۲۷ میلیون مترمکعب بود. سهم منابع سطحی نیز ۷۳۵ میلیون مترمکعب بوده است و درصد سطحی ما ۷۲ درصد بود. سهم منابع زیرزمینی‌مان حدود ۲۹۰ میلیون مترمکعب بود و درصد منابع زیرزمینی نیز حدود ۲۸ درصد بود. در سال ۱۴۰۰ کل برداشت ما از منابع یک‌میلیاردو ۱۶۵ تا بوده و سهم منابع سطحی‌مان ۷۵۶ میلیون مترمکعب بوده که افزایش پیدا کرده است و سهم منابع زیرزمینی‌مان ۴۰۷ میلیون مترمکعب شده؛ یعنی نزدیک به بیش از یک‌ونیم تا دو برابر شده است. درصد استفاده منابع زیرزمینی‌مان ۳۵ درصد شده؛ یعنی از ۲۸ درصد به ۳۵ درصد رسیده است. این آمارها مربوط به سال ۱۴۰۰ است که وضعیت آبی در این سال به‌مراتب نسبت به سال ۱۴۰۱ بهتر بوده و الان وضعیت‌مان بسیار نامناسب است.

پیرهادی در مقایسه وضعیت ذخایر آبی تهران در سال گذشته و امسال گفت: در سال ۱۴۰۰ بحث حجم کل حوضه آبریز سطح شهر تهران ۴۵۸ میلیون مترمکعب بوده و درحال‌حاضر به ۳۷۸ میلیون مترمکعب رسیده است. وضعیت ذخایر آبی سدها نیز بدون سد طالقان ۲۵۶ میلیون مترمکعب بود که امسال ۱۹۱ میلیون مترمکعب شده است که امسال هم درصد کاهش‌مان زیاد بود. اگر سال نرمال آبی را سال ۹۹ در نظر بگیریم، نسب به این سال، منفی ۵۰ درصد کاهش ذخایر آبی داشته‌ایم؛ یعنی ۳۷۶ میلیون مترمکعب کاهش داشتیم و هرکدام از سدها درصد درخور توجهی کاهش پیدا کرده است.

پیرهادی ادامه داد: گمان نمی‌کنم هیچ کشوری از آب تصفیه‌شده برای شست‌وشوی معابر یا حتی برای شست‌وشوی راه‌پله‌ها، حیاط خانه و پرکردن استخر، شستن ماشین و... استفاده کند. اگر همین‌طور این وضعیت بخواهد ادامه پیدا کند، دچار بحران می‌شویم.

او تأکید کرد: مبحث ۱۶ و ۱۹ مقررات ملی ساختمان باید رعایت شود. همچنین در بحث آبیاری فضای سبز به شهرداری تأکید کردیم و مجموعه سازمان بوستان‌ها این موضوع را پیگیری می‌کند. در حوزه آبیاری، از سنوات گذشته آبیاری قطره‌ای را آغاز کرده بود. بعضی از گیاهانی که مصرف آب زیادی داشتند، دیگر برای فضای سبز تهران استفاده نمی‌شود. همچنین امسال مواردی را با مدیرعامل آب و فاضلاب به تفاهم رسیدیم که برخی از مناطق و بعضی از بوستان‌ها از پساب آب برای آبیاری استفاده کنند. یکی از موضوعاتی که دنبال می‌کنیم، ایجاد چند تصفیه‌خانه محلی برای استفاده از پساب‌هاست.

پیرهادی معتقد است: دولت حتما باید ساختمان‌ها، مجموعه‌ها و تمام مجموعه‌های دولتی و عمومی را ملزم به رعایت مبحث ۱۶ و ۱۹ مقررات ملی ساختمان کند. این باید تکلیف قانونی شود و برای ساختمان‌های جدیدالتأسیس نیز رعایت این موارد اجباری شده و نظارتی دقیق بر حسن اجرای آن شود. هنوز شهرداری‌ها به‌دقت سراغ این موضوع نرفته است. یک‌سری برنامه‌ریزی با معاونت شهرسازی شهرداری تهران دارد صورت می‌گیرد و مشوق‌هایی را برای ساختمان‌هایی که در این زمینه صرفه‌جویی می‌کنند و مبحث ۱۶ و ۱۹ مقررات ملی ساختمان را به بهترین شکل انجام می‌دهند، در نظر گرفته می‌شود.

همچنین امسال شیرهای هیدرانته و مخازن آب اضطراری را که می‌توانند در مواقع بحرانی کمک‌کننده باشند، به‌شدت افزایش دادیم. تفاهم‌نامه‌هایی را با آب و فاضلاب منعقد کردیم.

برخورد با دست‌فروشان به بهانه حفاظت از تئاتر شهر

سال گذشته علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در صفحه توییتر خود نوشت: در مدیریت جدید شهر تهران، دست‌فروشان جمع‌آوری نمی‌شوند بلکه ساماندهی خواهند شد. در ۱۱۴ بوستان سازه‌هایی برای فعالیت دست‌فروشان و غرفه‌داران در نظر گرفته شده است. از این سازه‌ها، ده‌ها غرفه به زنان سرپرست خانوار تعلق می‌گیرد. معیشت مردم هم موضوعیت و هم اولویت دارد. اما به نظر می‌رسد روش مدیریت شهری در برخورد با دست‌فروشان تغییر کرده است. علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران، خبر داده که از شنبه آینده دست‌فروشان دور تئاتر شهر امکان بساط دست‌فروشی ندارند. او گفته این هفته به دست‌فروش‌های دور بوستان دانشجو اعلام شده است کارهای خود را جمع کنند و از شنبه آینده امکان بساط دست‌فروشی نخواهد بود. دست‌فروشان این محدوده اما می‌گویند چنین موضوعی به آنها اعلام نشده است. ادبیات مدیران شهری نسبت به دست‌فروشان هم تند شده است. نادعلی درگفت‌وگوی اخیرش با خبرآنلاین، دست‌فروشان را خاطی نامیده و گفته است: طبق قانون، جمع‌کردن دست‌فروشان مربوط به شهرداری است و شهرداری باید با خاطیان برخورد کند. این قانون برای همه یکسان است. او جمع‌آوری دست‌فروشان را یکی از اقدامات مهم و اساسی در رفع آسیب‌های اجتماعی دانسته و گفته است ما می‌خواهیم فضای تئاتر شهر از آسیب‌های اجتماعی جدا شود و به همین دلیل روی این کار تأکید داریم. جمع‌آوری و ساماندهی دست‌فروش‌ها یکی از اقدامات اولیه این هدف است. به عبارت دیگر، آنها امکان بساط‌کردن و دست‌فروشی ندارند؛ چراکه قرار است شرایط بهسازی شود. ما برای آنها هم تمهیداتی در نظر گرفته‌ایم. عزیزان باید در جاهایی که برایشان تعیین شده، بساط کنند و تغییر جا بدهند. این در حالی است که دست‌فروشان اطلاعی از مکان‌های جایگزینی که نادعلی به آن اشاره می‌کند، ندارند. سال گذشته نیز تلاش شد دست‌فروشان این راسته را جمع‌آوری کنند اما به نتیجه‌ای نرسید. پیش از این نیز در تیرماه ۹۹، بیلبوردهای جمع‌آوری دست‌فروشان در سطح شهر نصب شد، اما درنهایت چون برای ساماندهی آنها چاره‌ای اندیشیده نشد، آنها دوباره به خیابان بازگشتند. علیرضا نادعلی روز گذشته در پایان جلسه شورای شهر تهران با اشاره به طرح ساماندهی شهرداری منطقه ۱۱ برای دست‌فروشان در بوستان دانشجو و مجاورت تئاتر شهر گفت: با توجه به مطالباتی که از شهرداری خواسته شده، این موضوع در دستور کار قرار گرفت و به همین جهت از چند روز گذشته (شنبه ۳۰ مهرماه) نصب بیلبوردها در این محدوده آغاز شده است. وی تصریح کرد: بر اساس بیلبوردهای نصب‌شده در این محدوده، به موضوع ساماندهی دست‌فروشان اشاره و عنوان شده از هفته آینده در این محل نباید حضور داشته باشند و در غیر این صورت طبق قوانین و مقررات با آنها برخورد قانونی خواهد شد. سخنگوی شورای شهر تهران افزود: از هفته آینده از حضور و فعالیت دست‌فروشان و بساط‌گران بر اساس تصمیماتی که اخذ شده، در محوطه بوستان دانشجو و مجاورت تئاتر شهر جلوگیری خواهد شد و مسئولیت این کار بر عهده شهرداری منطقه ۱۱ قرار داده شده است. نادعلی با بیان اینکه متأسفانه در محدوده پارک شهر و تئاتر شهر با آسیب‌های اجتماعی ازجمله سرقت، دعوا و درگیری و چاقوکشی روبه‌رو هستیم، گفت: با توجه به مواردی که گفته شد، از شهرداری مطالبه شد تا نسبت به ساماندهی دست‌فروشان اقدام کند و این موضوع نیز در دستور کار مدیریت شهری قرار گرفت. درحالی‌که تصمیم‌گیران شهری از نصب بیلبورد و اعلام به دست‌فروشان برای ممانعت بساط‌گستری می‌گویند، نه خبری از بیلبوردهای اشاره‌شده در محدوده چهارراه ولیعصر هست و نه به دست‌فروشان اعلام شده که نمی‌توانند از هفته آینده بساط‌گستری کنند. به نظر می‌آید مدیران شهری مانند تمامی دوره‌های قبل، هیچ روش جدید و نوینی که در روزهای نخست مدعی‌اش بودند، برای ساماندهی دست‌فروشان ندارند و جمع‌آوری و برخورد تنها راهکار آنها برای ساماندهی دست‌فروشان است.

گفت‌وگوی «شرق» با وکیل خانواده نیکا شاکرمی

نسترن فرخه: نیکا شاکرمی، دختر نوجوانی که اوایل مهر ماه به طرز نامعلومی جان باخت، طبق اظهارات وکیل خانواده همچنان پرونده‌اش در روند ابتدایی خود قرار دارد. در روزهای گذشته هم محمد شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی در صفحه اینستاگرام خود عکسی از گوشی این دختر نوجوان منتشر کرده بود و زیر آن نوشته بود: فتوشاپ نیست، واقعی، از گوشی نیکا شاکرمی استخراج کردیم. #وقتی_عاشق_خوابیدن_روی_بلندی_میشی. عکس استخراج‌شده از گوشی نیکا شاکرمی که برخی آن عکس را منتسب به نیکا می‌دانستند. رضا باقری، وکیل این خانواده در گفت‌وگو با «شرق» کاملا آن را تکذیب می‌کند و در مورد روند پرونده و برخی شایعه‌های منتشرشده توضیحاتی می‌دهد.

انتساب این عکس به نیکا را تکذیب می‌کنیم

رضا باقری، وکیل پایه یک دادگستری درباره روند پرونده نیکا شاکرمی و انتشار عکسی که در صفحه اینستاگرام محمد شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی منتشر شده است، به «شرق» می‌گوید: ما این عکس منتسب به نیکا که منتشر شده را کاملا تکذیب می‌کنیم، کاری که آقای شهریاری انجام دادند، خلاف قانون بوده و اصلا حق نداشتند چنین کاری انجام دهند. آقای شهریاری سرپرست دادسرای جنایی هستند، ایشان قاضی برجسته و مجرب و دانایی هستند، برای همین من خیلی تعجب می‌کنم که ایشان چنین کاری کردند. ملاحظه بفرمایید که در این مرحله از پرونده اصلا حق نداریم گزارشی از پرونده ارائه دهیم. اما در کلیات کار، ما در این مورد طرح شکایت کردیم ولی هنوز هیچ شخص خاصی را متهم نکردیم که دقیقا چه کسی این کار را انجام داده است.

این وکیل ادامه می‌دهد: اما نکته دیگری که وجود دارد این است که ما با قاضی پرونده صحبت کردیم، معتقد بودیم که فوت این دختر خودکشی نبوده، ایشان بازپرس شعبه پنجم و قاضی شریف و محترمی هستند که بدون هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی برای تحقیقات با ما همکاری می‌کنند. درواقع ما خودمان را در کنار ایشان می‌دانیم ولی پرونده هنوز در مرحله ابتدایی و مقدماتی است.

این اتفاق خودکشی نبوده

باقری اشاره می‌کند: اجمالا نظر من این است که این اتفاق خودکشی نبوده، اما بقیه ماجرا را ما نمی‌دانیم و حتی خود قاضی هم اطلاعی ندارد. از محتوای پرونده هم هر آنچه وجود دارد، ما حق نداریم افشا کنیم، چون خلاف ماده ۹۱ قانون است و این کار قابل تعقیب کیفری هم خواهد بود. درهرحال من به عنوان وکیل تا الان هیچ مانعی برای پیگیری پرونده نداشتم، حتی قاضی پرونده به من گفت هیچ‌گونه مانعی برای تحقیقات ندارید و با آزادی کامل هرکجا که ابهام دارید می‌توانید به ما بگویید تا ما ابهامات را برطرف کنیم. البته این همان قرار بین وکیل و قاضی است که همچون دو دست یا دو بال برای پیشبرد پرونده کنار هم باشند. اگر دخالت‌هایی به عنوان مانع هم در پرونده باشد، بنده ابایی ندارم که آن را بیان کنم و حتما همین کار را خواهم کرد.

باقری اضافه می‌کند: همان‌طورکه گفتم، پرونده هنوز در مرحله کاملا ابتدایی است، درواقع گزارش پزشکی قانونی هنوز نرسیده و هنوز گزارش‌ها کامل نشده، الان هم قاضی یا هر شخص دیگری نمی‌تواند، تشخیص درستی دهد، چون قدم اول دریافت گزارش پزشکی قانونی است تا از روی آن بتوانیم تصمیم بگیریم و بحث کنیم. در واقع ابهامات فراوانی در این پرونده وجود دارد، یعنی این پرونده وضعیت معماگونه‌ای دارد که اصلا در آن خانه مورد نظر برای این دختر چه اتفاقی افتاده و هیچ‌کس هم اطلاعی ندارد، ما هنوز چیزی نمی‌دانیم و در جهل کامل قرار داریم که آنجا چه اتفاقی افتاده است. وکیل خانواده نیکا شاکرمی با تأکید بر اینکه در این پرونده ابهامات وجود دارد و هنوز معمایی حل نشده، در مورد جواب پزشکی قانونی بیان می‌کند: بنابراین هر کسی در این مورد قضاوت کرده، قضاوتش بی‌مناسبت. اینکه جواب پزشکی قانونی هنوز به دست ما نرسیده طبیعی است، چون آزمایش‌هایی انجام می‌شود که زمانبر است، البته بعضی از نتایج آن آمده که صلاح نیست در این مورد توضیحی ارائه دهیم. یعنی برخی آزمایش‌ها که زمانبر نبوده، جوابش به قاضی منعکس شده و خودمان هم قرار است یک تحقیقات خارج از آن هم انجام دهیم.

باقری در مورد دستگیری اهالی ساختمانی که گفته شده نیکا شاکرمی چند ساعتی آنجا بوده، می‌گوید: ببینید چیزی که من تا هفته قبل می‌دانم، هشت نفر از اهالی آن ساختمان بازداشت شدند و هنوز هم بازداشت هستند. از پنج تا شش روز گذشته این اطلاعات را دارم و با آنها دیداری نداشتم و از نتیجه بازجویی‌های انجام‌شده با این افراد بی‌خبر هستم. ایشان همچنین در پاسخ به پرسشی درباره صحبت‌هایی از تجاوز به نیکا شاکرمی که پیش از مرگ برای او اتفاق افتاده، تأکید می‌کند: این موضوع را کاملا تکذیب می‌کنم.

شهرداری شیراز

آگهی مناقصه عمومی
۱۴۰۱-۵۳۸

شناسه آگهی ۱۳۹۸۹۲۵

سازمان عمران وبازآفرینی فضاهای شهری شهرداری شیراز در نظر دارد کرایه تراک میکسرجهت پروژه های سازمان عمران شامل پروژه های(سلمان فارسی ، احداث بلوار و پل مولوی ، قطار شهری معالی آباد، قطار شهری میانرود) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شماره فراخوان ۲۰۰۱۰۹۶۶۸۸۰۰۰۱۲۸ به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی یا حقیقی با توجه به شرایط ذیل دعوت به عمل می آید با مراجعه به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل آن اقدام نمایند. در صورت عدم عضویت قبلی ، ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضایٔ مجاز از سوی متقاضیان جهت شرکت در مناقصه الزامی است. ضمناً در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شماره تلفن: ۰۷۱۳۸۳۵۰۷۲۹ آماده پاسخ گویی می‌باشد.

*مبلغ برآورد: ۱۱/۹۸۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال
*مدت قرارداد: ۱۲ ماه
*شرایط شرکت کنندگان : کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای سابقه مرتبط با موضوع مناقصه ، ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی .
*محل انجام کار: شیراز-پروژه های سازمان عمران شامل پروژه های(سلمان فارسی ، احداث بلوار و پل مولوی ، قطار شهری معالی آباد،قطار شهری میانرود).
*مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت بصورت ضمانت نامه بانکی یا فیش واریزی نقدی بحساب جاری سپرده ۱۰۰۸۰۵۵۰۴۷۴۲ بانک شهر بنام شهرداری شیراز با کد مرجع ۱۰۱۷۶۸
برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
*در زمان انعقاد قرارداد ۵% مبلغ پیشنهادی بعنوان ضمانت حسن اجرای تعهدات بصورت ضمانت نامه بانکی یا فیش واریزی اخذ می گردد.
نحوه پرداخت: مبلغ کالاها پس از تحویل کلیه تجهیزات و نصب آنها در محل مورد نظر کارفرما و پس از انجام تست های عملکردی و نتیجه قطعی تست ها مبنی بر بلا اشکال بودن تجهیزات موضوع مناقصه و پس از انجام مراحل قبض انبار اجناس و تأیید دستگاه نظارت و کسر کسورات قانونی و ارائه مفاصا حساب بیمه و تحویل قطعی به پیمانکار قابل پرداخت خواهد بود.
آخرین مهلت دریافت (توزیع) اسناد: متقاضیان میتوانند حداکثر تا ساعت ۱۴:۱۵ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۶ از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اسناد مناقصه را دریافت نمایند. لازم به ذکر است مناقصه گران جهت شرکت در مناقصه می بایست در موعد مقرر نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند در غیر اینصورت مجاز به ارائه پیشنهاد قیمت نمی باشند .
*آخرین مهلت ارائه پیشنهادات و ثبت اسناد و مدارک در سامانه حداکثر تا ساعت۱۴:۱۵ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ می باشد.
* شرکت کنندگان می بایست تا تاریخ مذکور سپرده شرکت در مناقصه را به صورت فیزیکی به آدرس شیراز - بلوارعدالت جنوبی - ابتدای بلوار دولت غربی - جنب درمانگاه آزادگان - سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری- واحد قراردادها تحویل نمایند.
تاریخ و محل بازگشایی پاکات: روز چهارشنبه ساعت ۱۴:۱۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ در محل چهارراه خلدبرین سالن اجتماعات اداره کل حقوقی شهرداری شیراز می باشد.
*مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه می باشد.
*تعدیل: هیچ گونه وجهی بابت تعدیل آحاد بها، پرداخت نخواهد شد.
* هیچگونه وجهی بابت پیش پرداخت داده نخواهد شد.
*بدیهی است هزینه آگهی بعهده برنده مناقصه خواهد بود.
*شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می باشد و در اینصورت سپرده ها مسترد می گردد.
*شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آئین نامه معاملات شهرداری می باشد.
* کلیه شرکت کنندگان می بایست مدارک ثبت نام در سامانه دادگستری (ثنا) را در پاکت ب ارائه نمایند .
*آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir قابل مشاهده می باشد
*متقاضیان شرکت در مناقصه موظف به ثبت نام در سایت vendor.shiraz.ir می باشند. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.
*اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : ۱۴۵۶

نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری شیراز

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان

آگهی فراخوان شناسایی سرمایه گذار
تامین مالی، احداث و بهره برداری بخشی از تاسیسات فاضلاب شهرستان مبارکه
فراخوان شماره ۲۴۶-۳-۴۰۱

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان در نظر دارد براساس ماده ۳۷ قانون برنامه ششم توسعه، بند (ث) تبصره (۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ و ماده ۲ قانون تشکیل شرکت های آب و فاضلاب مصوب سال ۱۳۶۹ ، تامین مالی، احداث ،تکمیل و بهره برداری بخشی از تاسیسات جمع آوری و تصفیه فاضلاب شهرستان مبارکه را در ازای تخصیص بخشی از پساب تصفیه شده به منظور کاربری معین و با حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع متقابل و با شرایط ذیل، به سرمایه گذار واجد شرایط واگذار نماید.
- شرح مختصری از پروژه :
- موضوع پروژه : تامین منابع مالی به مبلغ ۱۴،۵۰۰ میلیارد ریال جهت احداث، تکمیل، ارتقا و بهره برداری تاسیسات فاضلاب شهرستان مبارکه به تفکیک :
الف: . تامین مالی و تکمیل تاسیسات فاضلاب شامل ۲۴۴ کیلومتر شبکه جمع آوری فاضلاب و احداث ۴ باب ایستگاه پمپاژ .
ب: تامین مالی واحداث، ارتقا و توسعه تصفیه خانه فاضلاب به ظرفیت ۹۴۰۰ متر مکعب در شبانه روز
ج: بهره برداری، راهبری، تعمیر و نگهداری تاسیسات احداث شده در دوره واگذاری امتیاز استفاده از پساب تا سقف ۲۵ سال
- سرمایه پذیر: شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان
- دوره تامین مالی: ۳ سال
- دوره بهره برداری تجاری: با ارائه مدل مالی تا سقف ۲۵ سال می باشد.
- محل اجرا : شهرستان مبارکه
ب- شرایط کلی برای سرمایه گذاری :
- سرمایه گذار به صورت شخص حقیقی یا حقوقی با داشتن سابقه مدیریتی قابل قبول، تامین و تخصیص سرمایه مورد نیاز را به عهده خواهد داشت.
مهلت تحویل مدارک درخواستی : مهلت تحویل اسناد ارزیابی تکمیل شده، تا ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱ / ۰۸ / ۲۱
محل تحویل مدارک درخواستی: دبیرخانه معاملات شرکت واقع در اصفهان، خیابان هزار جریب، خیابان شیخ کلینی ، خیابان جابر ابن حیان، شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان، اتاق ۲۹۲ تحویل و رسید دریافت نمایید.
پس از بررسی مدارک ارزیابی که توسط شرکت کنندگان تکمیل و تحویل می شود، از سرمایه گذاران واجد شرایط جهت دریافت قیمت پیشنهادی دعوت به عمل می آید.
سرمایه پذیر در رد یا قبول پیشنهادات فنی یا مالی سرمایه گذاران در تمام مراحل اختیار تام دارد.

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان

پیشخوان Pishkhan.com

شکل‌های زندگی: هشتاد سال پس از «بیگانه» کامو

کنش بدون کلام

نادر شهریوری (صدقی)

اگرچه کامو از مهم‌ترین روشـنفکران به حسـاب می‌آید؛ اما در حقیقت ضد روشـنفکران است. او مانند ژان لوک گدار بر این باور است که آدمی هرچه بیشتر حرف بزند، کلماتش به همان اندازه معنای کمتری پیدا می‌کند. شـخصیت مطلوب کامو، انسـان رهاشـده از حرف -تئوری‌های نظری- اسـت، رهایـی از تئـوری را می‌تـوان رهایی از بـار معنایی در نظر گرفت، بار معنایی به‌واسطه انبوهی از ایده‌های انباشته‌شده در حیات آدمی او را به همان اندازه از «آرمان سـادگی» دور می‌کند.

مورسو، شخصیت اصلی «بیگانه» به یک معنا شخصیتی رهاشـده از حرف اسـت، او از هر توهمی آزاد است. سیاهه اعمال او در عمر کوتاهش مملو از رفتار و کردارهای بی‌حرفی اسـت که با نظام‌هـای اخلاقـی بیگانه اسـت: او برخلاف هنجارهای موجود نسبت به مرگ مادر خود بی‌تفاوت است و از قتل مردی عرب که در نزاعی ناخواسـته مرتکب شـده، ناراحت نیست. او در محاکمه خود درخواست وکیل نمی‌کند و هنگامـی هم که یـک وکیل تسـخیری می‌خواهد دفاعیه را طـوری ارائه دهد که گویا مورسـو بر اثـر ناراحتی از حال طبیعی خارج شـده و مرد عرب را کشته، مورسو می‌گوید که برعکس او کاملا حال طبیعی داشـته است. مورسو در همه حـال در دادگاه مانند ناظری بی‌تفـاوت عمل می‌کند که به هیچ رو از اعمال خود پشیمان نیست، او با علاقه سیر دادگاه را دنبال می‌کنـد و حتی از آب‌وتابی که دادسـتان به ماجرا می‌دهد لذت می‌برد، گویـی صحنه‌هایی از فیلمی مهیج را تماشا می‌کند. مورسو نسبت به سرنوشت خود بیگانه است، انگار شخصی دیگر را محاکمه می‌کنند و نه خود او را.

آنچه مورسوی کامو را از سـایر شخصیت‌های ادبی قرن بیستم متمایز می‌کند، آن است که مورسو در کنش خود باقی می‌ماند، کنش او کنشی بدون کلام است، کنش بدون کلام از یک نظر کنشی غیرایدئولوژیک است؛ زیرا برخلاف کنش‌های ایدئولوژیک، تئوری -کلام- راهنمای عمل کنشگر نیست، به بیانی دیگر مورسو رابطه پیوسته میان تئوری با عمل را قطع می‌کند. تا قبل از مورسـو جهان به‌واسطه کلام می‌توانست خود را توضیح‌پذیر کند و ابهام موجود در هستی را رفع کند؛ زیرا «کلام» با «معنا» در رابطـه‌ای تنگاتنگ قرار دارد و تنها به‌واسطه کلام اسـت که هستی معنا پیدا کند. جز این یعنی در سـکوت چه‌بسا ممکن اسـت جهان اگرچه بی‌معنی و پوچ اما ملموس تجربه شود.

برای درک پوچی مورسـو می‌توان او را با شخصیت‌های کافکایی مقایسـه کرد، دنیای مورسـو برخلاف دنیای پرراز و رمزِ کافکا، دنیایی روزمره و ناپیوسـته اسـت که می‌توان آن را بـدون یادآوری گذشـته و خاطره به‌صورت سـاده تجربه کـرد. یـوزف کا -در «محاکمه» اثر کافکا- نمونـه‌ای بارز از شخصیت کافکایی است، او آدمی معقول با شغلی مناسب اسـت که همه چیز در زندگی او به‌طور منطقی جریان دارد، تا اینکه ناگهان و بی‌هیچ توضیحی بازداشـت می‌شـود. او نمی‌تواند علت بازداشت خود را بفهمد، در ابتدا آن را ناشی از سوءتفاهم می‌داند، بعد با خود می‌اندیشد که ممکن است شـوخی نابجای دوسـتانش باشـد؛ اما هیچ‌یک از تصورات او راه بـه واقعیت ماجرا نمی‌بـرد و او را در جهان تودرتو و کابوس‌وار کافکایی سرگردان می‌کند. جهان یوزف کا، جهانی مغشوش، غیرقابل پیش‌بینی اما آمیخته با حرف و کلام است. او به‌واسطه کلام می‌کوشـد تا بتواند اتفاقی توضیح‌ناپذیر را توضیح‌پذیر کند؛ درحالی‌که کنش مورسو اساسا نمی‌خواهد جهـان را توضیح دهد و پدیدارهـای آن را توجیه کند. کامو درباره مورسو می‌گوید: جهانی که از طریق بیانی کلامی قابل توصیف باشد، جهانی آشنا می‌شود که «بیگانه» در آن جایی ندارد؛ درحالی‌که مورسـو بیگانه می‌مانـد؛ زیرا نمی‌خواهد جهان را توصیف یا توجیه کند.

«بیگانه» کامو در ۱۹۴۲ انتشار می‌یابد، به یک معنا می‌توان آن رمان را مانیفسـتی تمام‌عیار علیه هرگونه ایدئولوژی در نظر گرفت، آن‌هم در زمانه‌ای کـه «ایدئولوژی» جهان را به تسخیر خود درآورده بود. به بیانی دیگر ایدئولوژی فی‌الواقع برگی برنده برای نویسـندگان و به‌طورکلی هنرمندان بود که به‌واسطه آن می‌توانستند جهان توضیح‌ناپذیر را توضیح‌پذیر کنند؛ درحالی‌که مسـئله مورسـو در اساس سـکوت برای توضیح‌نـدادن امر توضیح‌ناپذیر اسـت و مقصـود از پدیده توضیح‌ناپذیر بیان شکلی معین از زندگی است.

ایدئولـوژی از منظر کامو مسـئله‌ای تأمل‌برانگیز اسـت، به نظر کامو ایدئولوژی کوششـی بی‌سـرانجام برای توضیح امـر توضیح‌ناپذیر اسـت و ایـن کار به کمـک کلام در همه اشـکال محاوره‌ای و هنری آن صورت می‌گیرد. از نظر کامو کلام فی‌نفسـه چارچوبی محدودکننده در برابر زندگی است که می‌کوشـد آن را کنترل کند. در این شـرایط تنها آلترناتیو ایدئولوژی کشـف پوچی نهفته در ذات جهان اسـت. از نظر کامو کشف پوچی می‌تواند آدمی را از هرگونه وهمی برهاند، آزادی برای کامو آزادی هستی‌شناسانه و رهایی از هر وهمی است، در اینجا آزادی معادل رهایی می‌شود.

اما این همه آلبر کامو نیست. ابهام کامو از جنس دیگری است و آن تناقضات زندگی اجتماعی-سیاسی او با ایده‌هایش اسـت، کامو با وجود ایده‌هایش درباره ایدئولوژی عمدتا در کنار کسـانی قرار دارد که ایدئولوگ‌اند یا براساس ایدئولوژی کنش می‌کنند: کامو در ۱۹۳۵ -در بیست‌ودو سالگی به حزب کمونیست فرانسه می‌پیوندد و در روزنامه‌های متمایل به آن می‌نویسد، در جنگ‌های داخلی اسپانیا به‌طور جانب‌دارانه‌ای شـرکت می‌کند و به کوشـش روشـنفکرانی مانند سارتر و سـیمون دوبوار و... برای رهایی الجزایر از قیمومیت فرانسه کمـک می‌کند. کامو در همه حال با وجود مخالفت نظری با روشنفکری مانند روشنفکران معاصر خود کنشگر اجتماعی اسـت. «او مثل همه روشـنفکران و شـاید بیش از اکثر آنها احسـاس می‌کرد کـه باید جهـان را بازاندیشـید و معنایی بـرای آنچه او همراه با میلیون‌ها نفر دیگر، شـاهدش بود و تجربه‌اش می‌کرد، پیدا کند»[1]. به نظر می‌رسد شخصیت کامو مانند خود زندگی کمـاکان مانند امری «توضیح‌ناپذیر» باقی می‌ماند.

۱. آلبر کامو، ژرمن پره، خشایار دیهیمی

مرگِ دیگر آلبر کامو

پارسـا شهری: کامو در سـال ۱۹۶۰ هنگامی که در فرانسـه در حادثه تصادف با اتومبیل کشـته شد، روی نسـخه اولِ رمان «آدم اول» کار می‌کرد و چندی پیش از آن در نامه‌ای نوشـته بود: «همه تعهداتم را برای سال ۱۹۶۰ لغو کرده‌ام. این سـال، سال رمانم خواهد بود. وقت زیادی می‌برد؛ اما به پایانش خواهم برد». اما حادثه تصادف زمانی پیش آمد که عازم پاریس بود تا کاری تازه یعنی کارگردانی تئاتری تجربی را آغاز کند. کامو به‌تعبیرِ ژرمن بره هنوز در چهل‌وشـش سـالگی احسـاس می‌کرد می‌تواند به آنچه زمانی آن را «نیروی حیاتی رعب‌آور» خوانده بود، متوسـل شـود اما مرگ نوشتار کامو را ناتمام گذاشـت. سراسر زندگی کامو بی‌تردید در دوران جنگ‌ها، انقلاب‌هـا، ایدئولوژی‌های متضاد و اردوگاه‌های کار اجباری سپری شد. دوره‌ای شور و غوغا جهان را درنوردیده بود اما تا جایی که به کامو مربوط می‌شـد، هنرمند ضرورتی نداشـت تا در سیاست زمانه مداخله کند، البته در مقامِ انسـان ماجـرا تفاوت دارد. کامو هنگام دریافـت جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۵۷ در مقاله‌ای با عنوانِ «خلاقیت و آزادی» می‌نویسد: «ما شاید به‌عنوان هنرمند ضرورتی نداشـته باشـد که در امور جاری زمانمـان دخالت کنیم اما به عنوان انسـان چرا. ...از زمان نوشتن نخسـتین مقاله‌هایم تا واپسین کتابم، من به طرفداری از آنان که تحقیر و لگدمال شده‌اند، هرکه بوده‌اند، بسیار نوشته‌ام، شاید بیش از حد؛ اما علت این بوده اسـت که من نمی‌توانم خود را از مسـائل روزمره جدا کنم». این‌طور که پیداسـت کامو خود را از آن دسـته نویسـندگانی می‌داند کـه هنر را در خدمت انسـان می‌دانند و نه انسـان را در خدمـت هنر. جووانی کاتللی، رمان‌نویس و اسـتاد دانشـگاه، معتقد اسـت آلبر کامو مردی بود آزاد و سـرکش و خطرناک. خطرناک برای قدرت، برای هر قدرتـی که او نزدیکی ذاتی آن به اسـتبداد و افراط‌کاری و بیدادگری را افشـا می‌کرد. خطرناک برای وجدان گناهکار فرانسـوی‌ها و شورشیان الجزایری و همدسـتان سابق نازی‌ها در جنگ جهانـی دوم و استالینیسـت‌ها؛ خطرناک برای اخلاق بورژوایـی و برای جامعه روشـنفکری حتی. «خطرناک بود چرا که می‌توانسـت همه‌چیز را تنها از دریچه ذهن انتقادی و صداقت راسـخ و عشـق مطلقش به انسان و کل زندگی ببیند». ازاین‌رو به زعمِ کاتللی بسـیار بودند آنها که از مرگ و سـکوت ابدی کامو سـود می‌بردند: ملی‌گرایان فرانسوی که تمایلی به استقلال الجزایر نداشتند؛ افراطیون الجزایری که از میانه‌روی‌اش نسـبت به سرنوشت فرانسوی‌های الجزایری‌تبار در صورت اسـتقلال الجزایر آزرده بودند؛ نیروهای ارتجاعی که در وجود او قهرمانِ مقاومت و چپ‌گرایی را می‌دیدند؛ استالینیسـت‌ها و اتحاد جماهیر شـوروی که یورش خشونت‌بارشـان به مجارستان سبب شـده بود که او با شهامتی استثنائی به سمتشـان یورش ببرد؛ دیکتاتورِ فاشیست اسـپانیا که کامو با نقش‌آفرینی‌ها و سـخنرانی‌های عمومی‌اش به مخالفت با او برمی‌خاسـت و همه‌جا رسـوایش می‌کرد تا غرب حضـورش را در نهادهای بین‌المللی نپذیرد». این فهرسـت که می‌توانـد تا چندیـن صفحه ادامه پیدا کنـد، امکانِ باور مرگ سـاده کامو بر اثر تصـادف را کمتـر می‌کند، تا حدی که سـرنخی دقیق برای قتلِ کامو به دسـت می‌آید. کاتللی سـال ۲۰۱۳ در ایتالیا، «کامو باید بمیرد» را منتشـر کرد. انگیزه او از انتشـار این اثـر تحقیقاتِ او در زمینـه مرگ کامو بود. جرقه ایـن تحقیقات با خواندنِ خاطرات یان زابرانا زده شـد که پس از مرگِ شاعر چک منتشر شده بود. به گفته کاتللی در نسخه اصلی این کتاب به زبان چکی که بیش از هزار صفحه اسـت، بخشـی وجود دارد که از ملاقات زابرانا با مردی روس نزدیک به کاگ‌ب خبر می‌دهـد و از راز مرگِ جوان‌ترین برنده نوبل در ۴۴ سـالگی پرده برمی‌دارد. کاتللـی پیش از این فرضیه قتلِ کامو را در روزنامه‌ای مطرح کرده بود و در کتاب خود به بررسـی دقیق و مسـتند ادعای خود می‌پردازد. بخش‌هایی از این کتاب که ویراسـتِ جدید آن در سـال ۲۰۱۹ با عنوان «مرگ کامو»[1] در فرانسـه منتشر شـد، به بررسی روابط اتحاد جماهیر شـوروی با فرانسه دورانِ کامو می‌پردازد و نشـان می‌دهد چطور سرویس‌های جاسوسی شوروی سـال‌ها برای حذفِ کامو برنامه‌ریزی کردند و درنهایت با رضایت ضمنی سازمان‌های مخفی فرانسه طرح خـود را با موفقیت کامل به اجرا درآوردند و کامو را برای همیشـه حذف کردند. از آنجا که در کتابِ کاتللی از اشـخاصی یاد می‌شـود که پیش و حینِ مرگ کامو نقشـی ایفا کردند، کتاب از همان ابتدای انتشـار بحث‌های بسیاری راه انداخت و به چندین زبان ترجمه شـد. نتیجه اینکه دسـت‌کم در مرگِ سـاده کامو شک انداخت تا حدی که دیگر به سادگی کسی نتواند از مرگِ کامو بر اثر تصادف سخن بگوید. «نتیجه هولناک است اما باید گفت پس از هضم شواهدی که کاتللی ارائه می‌دهد سـخت اسـت که حق را به او ندهیم. بنابراین این سانحه رانندگی حالا بایسـت در زمره قتل‌های سیاسی طبقه‌بندی شود. صدای آلبر کامو در ۴۶ سالگی خفه شـده است». گرچه اسـتدلال‌هایی هم برای رد این ادعا موجود است مثلا اینکه کاگ‌ب می‌توانسـت از راه‌های دیگری از شَـر کامو خلاص شود. روز حادثه کامو می‌بایسـت با قطار به پاریس برمی‌گشـت، حتی بلیت هـم خریده بود اما لحظه آخر تصمیم گرفت با میشـل گالیمار همسفر شود. درعین‌حال که اتومبیل هم متعلق به گالیمار بود. به‌هرترتیب، در اینکه شـوروی‌ها قصد داشتند کلک کامو را به هر طریقی بکنند، شکی نیست. به‌هرحال، با تمام فرضیات و مستندات موجود، باید اعتراف کرد که پس از خواندنِ کتاب «مرگ کامو» دیگر نمی‌توان به مرگ این نویسنده مطرح فرانسوی به دید یک سانحه تصادفی رانندگی ساده نگاه کرد. کتاب با بخش «دسیسـه» آغاز می‌شود: «آلبر کامو در یکی از روزهای ژانویه ۱۹۶۰ درگذشت. مردی که همه زندگی‌اش را در دفاع از نوع بشر علیه بیدادگری و پوچی جنگیده بود، بی‌دلیل و بدون علت آشـکار و در شرایطی مُرد که خودش آن را حد اعلای پوچی تعریف کرد بود: سـانحه رانندگی. نه‌چندان دور از پاریس، زیر نور کامل نیمروز، حین اینکه اتومبیل را دوسـت و ناشـرش میشل گالیمار در مسیر مسـتقیم عریضی می‌راند، هیچ‌چیز حاکی از فاجعه نبود اما در یک لحظه همه‌چیز تمام شـد. رانندگان خودروهای عبوری گفتند اتومبیل به سرعت والس می‌رقصیـد. پس از چند لغزش که مسـافرهای صندلی عقب (همسـر و دختر میشل گالیمار) احسـاس کردند انحرافی ناگهانی است، انگار چیزی زیر اتومبیل فروریخت، خودرو به شدت به یکی از چنارهای ردیف‌شده کنار جاده برخورد کرد و بعد به چند متر دورتر پرت شـد و به درخـت دومی کوبید و بیش‌وکم به کلی خُرد شـد. کامو با جمجمه خردشده و گردن شکسته در دم جان سپرد». نویسنده زندگینامه کامو، هربرت لوتمان، تصادف را با ارجاع به نظر کارشناسـان ناشـی از قفل‌شـدن یک چرخ یا قطع‌شـدن محور چرخ می‌داند اما کارشناسان نتوانستند از این تصادف فاجعه‌بار در مسـیر مسـتقیم با جاده‌ای به عرض نُه متر و رفت و آمدی ناچیز سر دربیاورند. از همان ابتدا مشخص شد که وقایع رخ‌داده و توضیح منطقی‌شـان مطابقـت چندانی ندارنـد. هیچ‌چیزِ قطعی در کار نبـود تا از پسِ توضیح ایـن تصادفِ ناگهانی بربیاید. همین امر از ابتدا شـبهه‌برانگیز بود، گویی واقعیتی پشـت این ظواهر نهفته است و منتظر افشاشـدن مانده است. بسیاری واقعـه خطی بی‌رحمانه و مهلکِ تصـادف را رد کردند، آنها حس می‌کردند این وسـط چیزی وجود دارد که متقاعدکننده نیسـت و شاید هم نمی‌خواستند قبول کننـد که طنـز روزگار چنین بی‌نقص و بی‌معنا سرنوشـت واقعی را با دلشـوره فراطبیعی کامو گره بزند. برای آنان که کامو را دوست داشتند، قطعیتی تا این حد ساده، ساختگی و نامعتبر به نظر می‌رسید. واقعیت نمی‌توانست تا این حد ساده و بی‌نقص و منتهی به نیسـتی باشد. «تا اینکه روزی دست سرنوشت، نشانه‌ها و شـهادتی نامنتظره را فاش کرد که نتیجه محص اتفاق بود: شـاهدی که زمان را پشت‌سـر گذاشته بود، شاخصی که ظواهر را به‌سرعت تغییر می‌داد و دسیسه را در پس‌زمینه آشکار می‌کرد».

تقدیر، پدیده غریبی اسـت، یک روشـنفکر و نویسـنده بنام که در تمام عمر خود یک‌تنه به مخالفت با قدرت‌های جهانی برخاسـته بـود، یک روز بی‌مقدمه می‌گوید: «حد اعلای پوچی، مُردن در سـانحه رانندگی است» و بعد خودش به‌عنوان «مرجع عام مسـئله پوچی» نمونه چنین مرگی می‌شـود و در تصادفی جانش را از دسـت می‌دهد. سالیانی از مرگ کامو می‌گذرد و هنوز بن‌بستِ توهم و واقعیت مرگ او وجود دارد. بااین‌حـال تقدیر تـا ابد حوادث را مدفون نکرد: «در طی چندین سـال بذرهای سـبک حقیقت را در دوردست‌ها کاشت. مطمئن‌ترین دانه‌ها را در سال ۱۹۸۰، بیست سـال پس از واقعه در پراگ رها کرد. اینها سـرنخ‌هایی تعیین‌کننـده با دقتی زیاد و موشکافانه است... سرنوشت این سرنخ‌ها را به مردی شکست‌خورده پیشکش کرد که از پیش تسلیم منطقِ غالب تاریخ و شکست فردی و نومیدی آشکار شده بود. این مرد شاعر و مترجم و شاهدِ خاموش و تسکین‌نیافته دوران فلاکت‌باری بود که تاریخ برای کشـور و نزدیکان و خودش مقدر کرده بود. او می‌دانست که به‌زودی می‌میرد اما نه بی‌آنکه گاه شمار ویرانی را به یاد آورد و با حافظه‌ای رو به زوال دست به قلم شود». اکنون از خاطرات این شـاعرِ پراگ، سـرنخ‌هایی به دست آمده اسـت که مایه کتابِ کاتللی و تحقیقات گسـترده او شـد که تمام واقعیت و دانسته‌ها درباره مرگ کامو را زیر و رو کرد. چنان‌که کاتللی می‌نویسد: «اکنون نشانه‌ای از نُه‌توی جریان تاریک زمان سر برآورده است. سرنخی دقیق که یک اسم و یک دستور و اراده ارتکاب قتل را نشان می‌دهد: بله، شاید واقعا کسی برای پایان آلبر کامو تصمیم گرفت».

۱. مرگ کامو، جووانی کاتللی، ترجمه ابوالفضل الله‌دادی، نشر نو

معرفی کتاب «شکستن طلسم وحشت»

محاکمه شگفت‌انگیز و پایان‌ناپذیر ژنرال آگوستو پینوشه

محمد فاضلی: «این اندازه از شـرارت چطـور می‌تواند از وجود کسی سرچشمه بگیرد که آن‌قدر معمولی و حتی متوسط است که بـه آدم برمی‌خورد؟»؛ این سـؤال به نظر مـن کلیدی‌ترین پرسشی اسـت که آریل دورفمن، نویسنده شـیلیایی، به نحوی تـلاش می‌کند تـا در کتاب «شکسـتن طلسـم وحشت: محاکمه شگفت‌انگیز و پایان‌ناپذیر ژنرال آگوستو پینوشه» به آن پاسخ دهد.

ژنرال «آگوسـتو خوزه رامون پینوشه اوگارته» فقـط دو هفته قبـل از آنکه در سـپتامبر ۱۹۷۳ علیه رئیس‌جمهور سوسیالیست شیلی، سالوادور آلنده، کودتا کند، توسـط خود آلنده به ریاسـت کل ارتش منصوب شـده و به او سوگند وفاداری خورده بود. ایزابل مـورل له‌ته‌لی‌یر او را این‌گونه توصیف کرده بود: «پینوشـه نه هیولایی اسـت فراتر از انسانیت، نه تجسم جوهری شر. فقط یک انسان است». این انسان که او را «مبادی آداب، بامحبت و خوش‌ذات» توصیف کرده‌اند، بعد از کودتا به‌سرعت به انسانی سفاک بدل شد.

آگوسـتو پینوشه از ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ رئیس‌جمهور شیلی بود و بالاخره در آن سـال نتیجه انتخابات را پذیرفت و از قدرت کناره گرفـت؛ اما مصونیت دریافت کرد تا هیچ‌گاه محاکمه نشـود و سـناتور باقی ماند. شبکه قدرتش در شیلی حاکم بود و کسی جرئت نداشـت از محاکمـه او دم بزند. همـه بیم آن داشتند که دموکراسی نیم‌بند، بر اثر پاسخ خشن او و حامیانش از میان برود.

قاضی «بالتازار گازرون» اسـپانیایی در ۱۹۹۸ از طریق عفو بین‌الملل، حکمی برای دسـتگیری ژنرال پینوشه که برای معالجه به لندن سفر کرده بود، صادر کرد. سـؤالات قاضی اسپانیایی راجع به صدها قتلی بود که تحت حکومت پینوشـه انجام شده بود و صدها انسانی که ناپدید شـده بودند. فعالان حقوق بشـر شـیلیایی با دقت و وسـواس، دستگیری و تلاش برای محاکمه او ابتدا در انگلستان و پس از استرداد به شیلی را دنبال می‌کردند.

شـکنجه، مثله‌کـردن قربانیـان، برهنه‌کـردن قربانیـان و نگه‌داشـتن در هوای سرد، وصل‌کردن برق به قربانیان، کشیدن زندانیـان با هلیکوپتر روی خس‌وخاشـاک و... تنها بخشـی از جنایاتی بود که پلیس ژنرال آگوستو پینوشه در حق مردم شیلی انجام داده بود.

هزاران سـال طول کشیده بود تا بشـر، بردگی را براندازد، به همگان فارغ از جنسـیت و رنگ پوسـت بنگرد، حق رأی داشته باشد، تا کار کودک و تبعیض‌ها را غیرقانونی کند و حالا در اوایل قرن بیسـت‌ویکم، نوبت به محاکمه یک جنایتکار مبادی آداب، بیرون از مرزهای مصونیت قضائی در کشورش رسیده بود. آریل دورفمـن روایتی تأمل‌برانگیز از بیـم و امیدهای تلاش برای این محاکمه ارائه می‌کند.

ژنرال آگوسـتو پینوشـه در نهایت محاکمه نشد، اما به قول دورفمن «از میان تمام پیکارهـای زندگی طولانی ژنرال، نبردی که او نمی‌تواند هیچ امیدی به پیروزی در آن داشـته باشد، نبرد بر سـر این اسـت که پـس از مرگش چطور به یادها سـپرده خواهد شـد... باور دارم که ژنـرال در نبرد کنترل زبان آیندگان، شکسـت خورده است».

«کودکان آینده را تصـور می‌کنم، هزاران سـال بعد که در یک دشت یا یک زمین خالی مشـغول بازی‌اند. یکـی از آنها کاری می‌کند یا چیزی می‌گوید که مسـتحق توبیخ اسـت، مسـتحق توهین، مسـتحق دشـنامی زننده و بچه‌ای دیگـر فریاد می‌زند: وای، پینوشـه نباش». هر انسـانی با خواندن کتاب «شکستن طلسم وحشت» بارهـا بر خود نهیـب خواهد زد تو هم ممکن اسـت در اندازه خودت پینوشـه شوی، مواظب باش، خشونت همه‌جا در کمین است، حتی اگر خوش‌ذات، مبادی آداب و ...؛ آن‌گونه که پینوشه خود را چنین می‌دانست.

کتاب شکسـتن طلسـم وحشـت (محاکمه شـگفت‌انگیز و پایان‌ناپذیـر ژنرال آگوسـتو پینوشـه)، اثر آریـل دورفمـن و ترجمـه فاطمه شـمس، توسـط نشـر کرگدن در ۱۹۴ صفحه منتشـر شده است.

برای تهیه کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینسـتاگرام برگ‌بـرگ اقدام کنیـد. برگ‌برگ رسـانه تخصصی در حوزه کتاب است که در شـبکه‌های اجتماعی به معرفی و نقد کتاب می‌پـردازد. با اسـکن بارکد زیر بـه برگ‌برگ بپیوندید.

پیشخوان Pishkhan.com

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ • ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۲۶ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۰۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۴
اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنامه شرق

◆ زنی از طریق تلسکوپ رصدخانه آتن خورشیدگرفتگی را تماشا می‌کند. خورشیدگرفتگی که دیروز از ایسلند آغاز شد در مسیر خود در بخش‌هایی از اروپا، شمال آفریقا و خاورمیانه قابل مشاهده بود.
عکس: Gettyimages

دیالوگ روز

تروی - ولفگانگ پیترسن - ۲۰۰۴

ادیسه (شان بین): مردان در دام عظمت جاودانگی اسیرند و ما از خودمان می‌پرسیم: آیا پژواک کارهای ما در طول قرن‌ها طنین‌انداز خواهد شد؟
آیا بیگانگان نام‌های ما را مدت‌ها بعد از رفتن ما می‌شنوند؟
و از خود می‌پرسند که ما چه کسانی بودیم؟ و تا چه حد عاشق بودیم؟

یادداشت

دو کلان روایت

پویا نعمت‌اللهی
دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

برخی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب در بیانیه‌ای که در تسنیم منتشر شده بود، در قبال وقایع اخیر در کشور موضع گرفتند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «باید روایت‌های درست و کلان‌روایت‌ها شکل گیرد. نور حق در ستیز با ظلمات تابیده شود و خیل انسان در رسانه‌ها سامان یابد».

فعالان فوق سعی کرده‌اند صحنه‌آرایی جبهه حق و باطل را تشریح کنند و خواستار شکستن فضا و آنگاه به میدان آمدن قوای جبهه حق شده‌اند و در ادامه نیز این را از طریق جنگ روایت‌ها ممکن دانسته‌اند. البته منظور آنها از «کلان‌روایت» همان اشاره به سوگیری ارزشی مفاهیمی همچون حق و باطل و نور و عفاف و حجاب بوده است.

اما مشکل این‌گونه طبقه‌بندی‌ها چیست؟

به‌طورکلی، «کلان‌روایت» هرگونه روایت، داستان و مفهوم جامع و فراگیری است که می‌خواهد در یک حقیقت استعلایی و جهان‌شمول انتظام یابد.

فرانسوا لیوتار، متفکر پست‌مدرن فرانسوی، درباره تجارب، پدیده‌ها و وقایع پیرامونی مطالعه کرد. او متوجه شد دسته‌ای از روایت‌های کلی و فراگیر وجود دارند که پدیده‌های مذکور را به صورت ارزش‌های جهانی و حقایق فراگیر عرضه می‌کنند. او در نظریه خود تلاش می‌کند این «کلان‌روایت‌ها» را از درجه اعتبار ساقط کند.

به باور او، امروزه قدرت روایت‌های کلان تمام شده است. پست‌مدرنیسم در حال حاضر به پذیرش کثرت باور دارد و این باور بدون نیاز به تلاش فراوان برای خلق سلسله‌مراتب حقیقت می‌تواند مشخص شود.

متفکران پساساختارگرا از این جهت با کلان‌روایت‌ها مشکل دارند که ناهمگنی و گوناگونی هستی بشری را نادیده گرفته و جلوه‌های بازنمایی آن در رفتار انسان‌ها را محترم نمی‌شمارند و تمایل دارند ناهمسانی‌ها را به صورت همسان جلوه داده و مغایرت‌ها را نفی و طرد کنند.

به تعبیر لیوتار، اکنون روشنفکران امروزی هیچ فراروایتی در اختیار ندارند و نمی‌توانند به نام جهانیان حرف بزنند.

مشکل بیانیه فعالان یادشده نیز از همین‌جا ریشه می‌گیرد. معترضان در وقایع اخیر عمدتا جوانان و نوجوانان بوده‌اند. نمی‌توان اظهار کرد این جوانان همگی «پست‌مدرن» بوده‌اند، بلکه آنها در عصر رسانه‌های نوین در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی در سراسر جهان قرار داشتند. از حیث اندیشه نیز چه‌بسا اعتراض آنها به جهان‌شمولی و تفسیر منحصرانه همین کلان‌روایت‌هاست.

با این بیانیه اکنون مشخص شد که مشکل اساسی همانا درک اوضاع از سوی فعالان مذکور است. مفاهیمی مانند «حق» و «باطل» در این بیانیه احتمالا کارویژه کلان‌روایتی هستند، اما از آنجا که طبعا تفسیر و تبیین آن نیز در دست همان فعالان است، بنابراین راهکارهایی نیز برای همه گروه‌های اجتماعی برای مقابله با وضعیت موجود دارند (بانوان، معلمان، نوجوانان، دانشجویان و امثالهم) و در یک بخش نیز تکالیفی تعیین می‌کنند. اتفاقا مشکل در همین‌جاست. در ابتدا باید به این جمع‌بندی رسید که آیا اساسا کلان‌روایت‌هایی به شکل‌های مدنظر این فعالان وجود دارد یا نه؟

به تعبیر ویتگنشتاین، سیاست و اجتماع یک بازی زبانی نیست، بلکه تکثری از این بازی‌های زبانی است. در واقع انواع روایات مختلفی در گفتمان‌های گوناگون وجود دارد که از قواعد مختلفی پیروی می‌کنند.

وقتی لیوتار از بی‌اعتباری کلان‌روایت‌ها سخن می‌گوید، به این معناست که ما در عرصه تکثیر بازی‌های روانی جا داریم و ساختار سیاسی باید با این تکثر رفتار عادلانه‌ای داشته باشد.

به‌طورکلی، در جهان پست‌مدرن امروزی، معرفت بشری به دنبال تجویز طرح و نقشه‌های کلانی همچون فراروایت‌های مذکور در بالا نیست.

بنابراین در یک نگاه همه‌شمول می‌توان آرزو کرد که بیانیه‌ای صادر شود تا فارغ از فراروایت‌هایی همچون «باطل»انگاشتن دیگری یا پافشاری بر به‌چنگ‌آوردن «تمامی حقیقت»، شرایطی فراهم آید که به ناهمسازی‌ها و تفاوت‌ها اجازه ایفای نقش بیشتری داده شود.

گمشده در شهر شلوغ

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

در جریان رقابت‌های فوتبال جام ملت‌های اروپا در سال ۱۹۹۲ که در کشور سوئد برگزار می‌شد، یک شگفتی خلق شد. تیم ملی فوتبال دانمارک که در مرحله مقدماتی از دور رقابت‌ها حذف شده بود، پس از درگیری یوگسلاوی با جنگ داخلی و کناررفتن این تیم از حضور در مسابقات، جایگزین این تیم شد، در گروه خود بالاتر از انگلستان و فرانسه نشست و به مرحله بعد صعود کرد و سرانجام با شکست هلند در مرحله نیمه‌نهایی و غلبه بر آلمان در فینال قهرمان شد!

در جریان انتخابات سی‌ودومین دوره هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز نیز وقایعی مشابه رخ داد. ابتدا در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۱ دادگاه عالی انتظامی قضات در نامه‌ای خطاب به هیئت نظارت بر انتخابات، پنج نفر از افرادی را که در گذشته صلاحیت آنها را محرز ندانسته بود، دارای صلاحیت دانست. سپس با رأی بی‌سابقه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ که به امضای قضات شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات رسیده است، پنج نفر از منتخبین اصلی را از عضویت در هیئت مدیره تعلیق و پنج عضو علی‌البدل را جایگزین آنها نمود. با برگزاری انتخابات هیئت رئیسه کانون وکلا در روز شنبه اول آبان، مشاهده شد نامزدهایی که صلاحیت آنها احراز نشده بود یا عضو اصلی نبودند، با دو تصمیم دادگاه عالی انتظامی قضات در ترکیب هیئت رئیسه قرار گرفتند.

متأسفانه رفتارهای مشابه کم نیست. در جریان انتخابات بیست‌وچهارمین دوره انتخابات هیئت مدیره کانون مرکز در شب انتخابات هنگامی که سیدمحمد جندقی رئیس وقت هیئت مدیره در باشگاه دانشگاه تهران در حال سخنرانی بود از کانون وکلا به ایشان اطلاع دادند نمابری از سوی وزارت دادگستری دریافت شده است. محتوای نامه، اعلام اسامی ۶۱ نفر از واجدین شرایط برای شرکت در انتخابات هیئت مدیره است که نه تنها خارج از مهلت دوماهه اعلام گردید، بلکه مقام صادرکننده نیز به جای دادگاه عالی انتظامی قضات، وزارت دادگستری بود!

هیئت نظارت شبانه جلسه‌ای در محل کانون تشکیل داد که تصمیم نهایی بر عدم ترتیب اثر دادن به نامه شد. انتخابات در روز بعد برگزار، اما در نهایت با فشارها یکی از منتخبین از ترکیب اصلی هیئت مدیره حذف شد. همین‌طور در ماجرای برگزاری سی‌ویکمین دوره انتخابات هیئت مدیره، در حالی که دادگاه عالی انتظامی قضات در نامه مورخ ۵ بهمن ۱۳۹۸ اسامی ۱۲۱ نفر از واجدین شرایط برای انتخابات را به کانون مرکز اعلام کرده بود، در نامه‌ای دیگر به تاریخ ۷ بهمن ۱۳۹۸، شش نفر از جمله رئیس وقت کانون را از فهرست اولیه حذف نمود. این شش نفر بخت بالایی برای عضویت اصلی در هیئت مدیره برخوردار بودند و بین آنها دو رئیس و دو نایب رئیس پیشین کانون مرکز نیز حضور داشت.

رؤسای مختلف قوه قضائیه کانون‌های وکلا را بی‌نصیب نگذاشته‌اند. در ۲۷ خرداد ۱۳۸۸ رئیس وقت قوه قضائیه (آیت‌الله صادق لاریجانی) بدون درنظرگرفتن ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، رأسا آیین‌نامه‌ای جدید برای اجرای این قانون به تصویب رساند. بی‌درنگ اسکودا با همت شادروان بهمن کشاورز تشکیل جلسه و اعلام نمود که آیین‌نامه قابل اجرا نیست. رئیس دستگاه قضا هم طی نامه‌ای توقف اجرای آیین‌نامه را اعلام کرد. طرفه اینکه این توقف سال بعد تمدید شد!

در روزنامه رسمی شماره ۱۹۰۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۵ نامه‌ای از طرف رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه خطاب به معاون حقوقی این نهاد با این متن منتشر شده است: «...ریاست محترم قوه قضائیه با تمدید توقف اجرای آیین‌نامه اجرائی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۷ از تاریخ انقضا به مدت شش ماه دیگر موافقت نمودند». جالب اینکه این «تمدید تعلیق» که تأسیس غریب و بی‌سابقه‌ای در نظام حقوق کشور است که بارها نیز در این مورد خاص ادامه یافت که از جمله می‌توان به نامه‌های مندرج در روزنامه‌های رسمی شماره ۱۹۲۱۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۳ و شماره ۱۹۴۴۲ مورخ ۱۳۹۰/۹/۹ اشاره کرد.

چنین تصمیماتی تا چه حد با قوانین و مقررات انطباق دارد همواره محل بحث و اختلاف نظر میان صاحب‌نظران بوده و از حوصله این یادداشت خارج است، اما گاهی از مجموعه رفتارها این گونه برداشت می‌شود که هدف بی‌خاصیت‌کردن نهاد انتخابات و تشکل‌های صنفی است. به مرور در افکار عمومی این پرسش مطرح می‌شود که وکلای دادگستری که نمی‌توانند از حق خود دفاع کنند، چگونه از حق دیگران دفاع خواهند کرد؟ متأسفانه عموم اعضای جامعه وکالت دلزده از امکان نقش‌آفرینی سکوت کرده‌اند که می‌توان درک کرد. سخنانی از این دست در این روزها که شهر شلوغ است لابه‌لای اخبار گم می‌شود. می‌دانم به احتمال زیاد خواننده این جمله را از یک وکیل دادگستری نمی‌پذیرد و به حساب منفعت‌طلبی شغلی می‌گذارد، اما برای ثبت در تاریخ باید گفت که تجربه نشان داده لوث‌کردن کانون وکلا و تضعیف نهاد وکالت و حق دفاع، در نهایت به زیان منافع عمومی است. از یاد نبریم مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ کس نمی‌تواند حتی اعمال حق خویش را وسیله تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

گزارش‌خوانی

روزنامه‌نگاران و عکاسان را آزاد کنید

۴۰ روز از مرگ مهسا امینی می‌گذرد. در این مدت اعتراضات زیادی به نحوه مرگ او در خیابان، دانشگاه‌ها و شهرهای کوچک و بزرگ شده است و تعدادی در این اعتراض‌ها کشته و زندانی شده‌اند که خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و عکاسان نیز در بین آنها بوده‌اند.

دو نهاد صنفی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران و انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی برای آزادی اهالی رسانه اقداماتی انجام داده‌اند.

Pishkhan.com

در آخرین جلسه هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران که با حضور اعضا و منتخبان جدید برگزار شد، درباره درخواست عمومی ریاست محترم قوه قضائیه برای گفت‌وگو درباره امور مربوط به این قوه تبادل نظر و مقرر شد در این زمینه نامه‌ای خطاب به ایشان نوشته شود. در این نامه به دو موضوع مشکلات امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در کسب خبر و تهیه گزارش‌های تحقیقی و نیز وضعیت و آزادی روزنامه‌نگاران بازداشتی به‌طور مفصل اشاره شده و آمادگی خود را برای گفت‌وگو در این موارد و دیگر موضوعات مرتبط با روزنامه‌نگاران اعلام کرده است.

همچنین انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی درباره آخرین وضعیت عکاسان بازداشتی اطلاعیه‌ای منتشر کرده که در آن آمده است: «بیش از یک ماه از بازداشت تعدادی از عکاسان مطبوعاتی می‌گذرد. انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران در راستای وظیفه خود در جهت پیگیری وضعیت همکاران خود، لازم می‌داند آخرین شرایط این همکاران و اقدامات انجام‌شده تاکنون را به اطلاع اعضای انجمن و جامعه عکاسی ایران برساند. از روزهای ابتدایی بازداشت این عکاسان، انجمن از طریق ارتباط با خانواده و نزدیکان عکاسان بازداشتی، تلاش کرده تا از آخرین وضعیت این همکاران اطلاع دقیق داشته باشد. همچنین انجمن بر اساس ظرفیت‌های حقوقی و قانونی خود با مسئولین کشور تماس گرفته و درباره شرایط عکاسان بازداشتی کسب اطلاع و آزادی این عکاسان را درخواست کرده است. در همین راستا، انجمن مکاتباتی را با مسئولین قوه قضائیه انجام داد که یکی از این نامه‌ها، مستقیما به ریاست قوه قضائیه ارسال شد. در پاسخ به این پیگیری‌ها، یکی از افراد مسئول در قوه قضائیه درباره مکاتبات صورت‌گرفته با هیئت‌مدیره انجمن تماس گرفته و اطلاعات لازم درباره عکاسان بازداشتی به ایشان داده شد و پیگیری‌های مربوط به آزادی این عکاسان همچنان نیز از طریق قوه قضائیه ادامه دارد. این مکاتبات با معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد نیز انجام شده و علاوه بر این در جلسه‌ای با حضور مدیرکل مطبوعات داخلی، درخواست آزادی این همکاران مطرح شده و این معاونت قول همکاری و پیگیری لازم را داده است. همچنین در این جلسه از سوی انجمن به وضعیت نابسامان عکاسی مطبوعاتی در کشور و نوع برخورد مسئولین با این حرفه اعتراض شده و بر ضرورت انجام فعالیت آزاد و شفاف رسانه‌ای تأکید شد. علاوه بر این، درباره وضعیت همکاران بازداشتی در جلسات جداگانه با مدیران برخی رسانه‌های اصلی دولتی نیز گفت‌وگو و درخواست شد تا آنها نیز از ظرفیت‌های خود برای پیگیری آزادی این همکاران استفاده کنند. از بین عکاسان بازداشتی تاکنون خوشبختانه خانم بهار اصلانی و آقای احمد حلبی‌ساز به قید وثیقه آزاد شده‌اند، اما با کمال تأسف خانم یلدا معیری و آقایان آریا جعفری و حسین اسماعیلی همچنان در بازداشت به سر می‌برند. عکاسان بازداشتی از بیماری‌های مختلف رنج می‌برند و نیازمند ایجاد شرایط درمانی پایدار و مستمر هستند؛ به‌خصوص که در پیگیری وضعیت خانم معیری و تماس با خانواده ایشان متوجه شدیم ایشان در سلول انفرادی در بازداشت هستند. انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران بار دیگر با هشدار درباره ازدست‌رفتن مرجعیت رسانه‌ای، دستگیری عکاسان مطبوعاتی را محکوم کرده و با ابراز نگرانی از وضعیت سلامتی آنها، آزادی فوری و سریع ایشان را از مسئولان قضائی و امنیتی درخواست می‌کند».

محمد اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در تاریخ ۲۹ شهریور سال جاری درباره پیگیری وضعیت خبرنگاران بازداشتی گفت: «تعدادشان زیاد نیست، حوزه معاونت مطبوعاتی را در این زمینه مأمور کردیم و دستگاه‌های امنیتی هم واقعا همکاری می‌کنند». اسماعیلی درباره اینکه کار این افراد اطلاع‌رسانی بوده است، عنوان کرد: «اگر مواردی باشد که فقط اطلاع‌رسانی باشد، قطعا دچار محدودیت نخواهند شد. موضوع این است که این دوستان را همه می‌شناسیم و اگر خطایی هم کرده باشند، تلاش می‌کنیم برطرف شود».

طبق آمار حدود ۳۰ روزنامه‌نگار و عکاس در سراسر کشور بازداشت شده و در زندان به سر می‌برند. از روزنامه «شرق» نیز «نیلوفر حامدی» خبرنگار اجتماعی در تاریخ پنجشنبه ۳۱ شهریور در منزلش دستگیر شد و اکنون در بند ۲۰۹ زنان اوین زندانی است. او پنجشنبه‌شب ۲۸ مهر در تلفنی که به همسرش داشته است، اطلاع داد آخرین بازجویی او یکشنبه ۲۴ مهر بوده و همچنان در بلاتکلیفی است.

همچنین الهه محمدی خبرنگار روزنامه هم‌میهن نیز در زندان اوین است.

نقد هفته

گستره علم، تنگه عمل

امیر عربی
چشم‌پزشک

جایزه نوبل رشته فیزیولوژی و پزشکی در سال جاری، همچون چند سال اخیر، به طرحی تعلق گرفت که محوریت آن علوم ژنتیکی و دانش پایه فیزیولوژیک بود. پیداکردن ژن‌های جدید یا گیرنده‌های سلولی تازه، معرفی ریزآبشارهای جاری در دل سلول‌های انسانی، بررسی تعامل ژن‌ها با محیط نانومتری اطراف‌شان در داخل هسته سلول‌ها و کشف تأسیساتی در ساختار یاخته‌های عصبی یا عروقی، جزء زمینه‌های پرطرفداری بوده‌اند که در دهه‌های اخیر برندگان جایزه نوبل را تعیین کرده‌اند. کشف و انتشار چنین یافته‌هایی از هر منظری محترم و شایان ستایش است. اگر از آن دسته از افراد هستید که با خود می‌گویید این اکتشافات چه کمکی به زندگی مردم می‌کند، باید خاطرنشان کرد که علوم پایه‌ای که روز به روز گسترده‌تر می‌شود، اساس طبابت در دهه‌های آینده و تولید دارو برای بیماری‌های مختلف را فراهم می‌کند. شاید به‌ثمرنشستن این یافته‌ها در کوتاه‌مدت خیالی باطل باشد، اما بسیاری از داروهای فعلی که روزانه مصرف می‌شوند و از لطف حضورشان چندسالی بیشتر عمر می‌کنیم، زمانی در قالب علمی پایه و نامأنوس معرفی شدند. اصلا حتی اگر این یافته‌ها به دردی هم نخورند، به قول قدیمی‌ها از بی‌کارنشستن بهتر است. اسراری که از دل این کشف و شهود برملا می‌شود، بسیار رابطه نزدیک‌تری با ایمان به خدا و خلقت دارد تا دعوا بر سر دیده‌ها و ندیده‌ها.

از طرفی نمی‌توان منکر این قضیه بود که مسیر تبدیل‌شدن یک کشف علمی به یک داروی شفابخش و در دسترس، هزارتویی دارد که تمام امیال خبیث ذات آدمی را تحریک می‌کند. حرص و طمع علمی برای چاپ مقالات مرتبط با داروهای جدید، حرص اقتصادی برای تولید و توزیع دارو، فرسودگی علمی جامعه درمان برای استفاده از داروی جدید به‌جای داروی قبلی، تحجر فرهنگی جامعه برای تن‌دادن به درمانی نوین، تداخل و موازی‌کاری جبهه طب سنتی و سوزنی و گیاه‌درمانی و آب‌درمانی و زالودرمانی و...، همگی مسیر یک یافته علمی فاخر را برای تبدیل‌شدن به یک گزینه درمان التیام‌بخش تهدید می‌کنند. پس از عبور از این هزارتو، تازه نوبت روابط بین‌الملل و سیاست‌زدگی می‌رسد که تعیین می‌کند دارو در چه کشوری توزیع شود و در چه کشوری تحریم! ته‌ته این مسیر هم نوبت بزرگ‌زاده‌ها و آقازاده‌هاست تا به لطف پدر و امضاهایش، صفر تا صد دسترسی به دارو را به دست گیرند و مردم بمانند و حوض‌شان و البته ناصرخسرو! خلاصه اینکه گستره طبابت وسیع و لایتناهی است. یکی قسم می‌خورد که با دعای مادرش سرطان را درمان کرده، دیگری با میلیون‌ها دلار برای درمان مولکولی و ژنتیکی و... دو هفته هم دوام نمی‌آورد. آنچه از ما برمی‌آید، این است که تلاش دانشمندان برای یک کشف سلولی و ژنتیکی را محترم بشماریم و بدانیم شاید نزد خدا تک‌جمله‌ای که آنها به علم می‌افزایند از کرورکرور کتابی که ما می‌خوانیم به صواب نزدیک‌تر باشد.

علم‌خوانی

پایان اولین خورشیدگرفتگی قرن

از ساعت ۱۳:۲۸ روز سوم آبان، اولین خورشیدگرفتگی قرن در ایران آغاز شد و مردم در گوشه و کنار کشورمان توانستند شاهد این خورشیدگرفتگی جزئی باشند. این خورشیدگرفتگی جزئی به وقت جهانی از ساعت ۹ صبح از شمال اروپا (جزیره ایسلند) آغاز شد و در ساعت ۱۳ در شمال اقیانوس هند به پایان رسید و حداکثر گرفت در میانه روسیه با قدر ۸۶ درصد رخ داد. به گزارش مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، در بازه زمانی چهارساعته این خورشیدگرفتگی، حداکثر گرفت در خراسان شمالی و بجنورد با قدر ۶۹ درصد و کمینه گرفت در چابهار با قدر ۵۱ درصد بود.

درصد این کسوف در مناطق مختلف متغیر است و از حدود ۴۳ درصد در بندرعباس تا حدود ۶۰ درصد در بجنورد و مشهد (بیشترین درصد گرفتگی در بین مراکز استان) سطح خورشید با قرص ماه پوشانده می‌شود. زمان و حداکثر پوشیدگی در سایر نقاط ایران با تهران متفاوت است.

این مقدار حداکثر ۶۲ درصد در شمال شرق کشور تا حداقل ۳۹ درصد در جنوب کشور متغیر بود. این کسوف از مناطق غربی ایران آغاز شد و از ساعت ۱۳:۲۸ در ارومیه و ۱۳:۳۸ در ایلام قابل مشاهده بود و به تدریج شهرهای دیگر رو به مرکز و شمال شرق کشور شاهد آغاز این خورشیدگرفتگی جزئی بودند. خورشیدگرفتگی در ایران حدود ساعت ۱۵ به اوج خود رسید.

کل گرفت در تهران هم دو ساعت و ۲۲ دقیقه بود که شروع آن از ۱۳:۴۱ بود و تا ۱۶:۰۹ نیز قابل رؤیت بود. زمان اوج گرفت با قدر ۶۴ درصد در ساعت ۱۴:۵۸ بود. برای دیگر نقاط کشور هم نزدیک همین بازه زمانی اتفاق افتاد.

هم‌زمان با این اتفاق، تصاویر این رخداد نجومی از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۶:۱۵ به صورت زنده در تارنمای رصدخانه خیام سازمان فضایی در حال پخش بود. این تصاویر از طریق تلسکوپ خورشیدی مجهز به فیلتر طیف اچ-آلفا دریافت شده بود.

این خورشیدگرفتگی با چشم معمولی اما با فیلترهای استاندارد یا عینک‌های خورشیدگرفتگی قابل رؤیت بود و به گزارش خبرنگار علم ایرنا، بر این اساس گرفتگی‌ای که با آن روبه‌رو شدیم مربوط به چرخه ساروس ۱۲۴ است که هر ۱۸ سال و ۱۱ روز یک بار رخ می‌دهد. این گرفت در اروپا، شمال آفریقا، کل خاورمیانه و بخشی از هند رخ داده است، اما در مقابل آمریکای شمالی و جنوبی، نیمه راست روسیه، آسیای شرقی و استرالیا نمی‌توانستند این خورشیدگرفتگی را رصد کنند. خورشیدگرفتگی در مناطق شمال شرقی ایران نسبت به دیگر مناطق کشور طولانی‌تر بود و بخش بزرگ‌تری از قرص خورشید پوشیده شد.

خورشیدگرفتگی بعدی که از ایران قابل رصد است، ۳۱ فروردین ۱۴۰۲ خواهد بود.

تقویم خورشیدگرفتگی‌های جزئی در جهان نشان می‌دهد تا سال ۲۰۲۹، چهار خورشیدگرفتگی جزئی دیگر را شاهد خواهیم بود که دو خورشیدگرفتگی در سال ۲۰۲۵ و دو مورد دیگر در سال ۲۰۲۹ خواهد بود.